

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

گزارش برگزاری

هفتمین همایش بین‌المللی «گفتگوهای امنیتی هرات»

«بحران افغانستان؛ چالش‌ها و راه‌حل‌ها»

۵-۶ عقرب ۱۳۹۷ - هرات

Herat Security Dialogue-VII
26 -27 October 2018
Herat - Afghanistan

اووم نړیوال کنفرانس
گفتگوهای امنیتی هرات
۴ - ۵ عقرب ۱۳۹۷

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
Strategic Studies Institute for Afghanistan Studies



www.aiss.af

AISS-HSD-07-2018

فهرست مطالب

۳ درباره‌ی انسستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
۵ معرفی کوتاه گفتگوهای امنیتی هرات
۵ موضوع کنفرانس هفتم
۵ اهداف همایش
۷ نشست افتتاحیه
۱۲ جلسه اول کاری: منازعه افغانستان: ابعاد داخلی و بین‌المللی
۱۶ جلسه‌ی پرسش و پاسخ
۱۸ جلسه کاری دوم: نظام سیاسی؛ ریاستی، نیمه ریاستی و پارلمانی
۲۱ جلسه‌ی پرسش و پاسخ
۲۲ جلسه کاری سوم: اقتصاد افغانستان: از دولت رانتی تا اقتصاد رو به توسعه
۲۷ جلسه‌ی پرسش و پاسخ
۲۹ جلسه کاری چهارم: افغانستان و چانه‌زنی بزرگ در آسیای جنوبی
۳۲ جلسه‌ی پرسش و پاسخ
۳۴ جلسه کاری پنجم: طالبان: آنان چه می‌خواهند؟
۴۰ جلسه‌ی پرسش و پاسخ
۴۲ جلسه ششم کاری: وضعیت سیاست خارجی افغانستان؛ بی‌طرفی، اتصال، انشقاق
۴۷ جلسه‌ی پرسش و پاسخ
۴۸ جلسه پایانی: آیا نیاز به کنفرانس بن دوم است؟
۵۲ جلسه‌ی پرسش و پاسخ
۵۳ سپاسگزاری؛ رئیس انسستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
۵۵ پیوست‌ها
۵۵ پیوست ۱: برنامه‌ی کاری
۵۸ پیوست ۲: فهرست اشتراک‌کنندگان
۶۳ پیوست ۳: فهرست رسانه‌های داخلی و بین‌المللی پوشش دهنده‌ی کنفرانس

درباره‌ی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

ماموریت

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS) در اکتبر سال ۲۰۱۰ تاسیس شد و از آن زمان به یک نهاد تحقیقاتی برجسته در افغانستان تبدیل شده است. هدف‌اش ایجاد یک فضای روشنفکری برای بررسی مسائل مهم افغانستان در محیط بزرگتر منطقه‌ای و بین‌المللی است. انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در پی راه‌اندازی بحث‌های به موقع پیرامون افغانستان است و این کار را با چاپ گزارش‌های تحقیقاتی با کیفیت و تشویق گفتگو در میان طیف وسیع گروه‌های ذی‌علاقه انجام می‌دهد. تمام فعالیت‌ها و برنامه‌های ما مبتنی بر اصول حرفه‌ای، استقلال و ارزش‌های معتبر متری و بین‌المللی است.

اهداف

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان یک نهاد تحقیقاتی غیرانتفاعی است که تهیه گزارش‌های تحقیقاتی باکیفیت، بی‌طرف و پایبندی محور، ترجمه و چاپ کتاب‌های خوب، آموزش حرفه‌ای و فعالیت‌های حمایتی برای برنامه‌های افغانستان محور را مد نظر خود قرار داده است. یکی از اولویت‌های این نهاد، تقویت جوانان از طریق ابتکارات برنامه‌ریزی شده است. چنانکه جوانان آینده کشور را رقم می‌زنند.

ابزارها و فعالیت‌ها

- در راستای تلاش‌های جاری برای تحکیم دستاوردهای شکننده افغانستان و تحقق یافتن منابع فراوان بشری و طبیعی این کشور، انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان از یک سری تدابیر و وسایل استفاده می‌کند.
- انجام دادن پژوهش‌ها مستقل
- توافقات همکاری با موسسات همسو
- چاپ (کتاب‌ها و مجلات)
- ترجمه کتاب‌ها، مقالات از انگلیسی به فارسی / پشتو و بالعکس
- برگزار نمودن همایش‌ها، سمینارها، کارگاه‌ها (در سطح محلی، ملی و بین‌المللی) و جلسات
- برگزاری برنامه‌های آموزشی در امور اجرایی و رهبری
- تاسیس برنامه اهدای جایزه سالانه برای جوانان برجسته افغانستان و شخصیت‌های مهم بین‌المللی
- ادغام شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های نو در تمام فعالیت‌های خود

ساحات پژوهش

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان پیرامون طیفی گسترده از مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کار پژوهشی انجام می‌دهد. در حال حاضر پژوهش‌ها ما در برگیرنده این ساحات می‌باشد: روند دموکراتیک دولت‌سازی، امنیت ملی، انکشاف پایدار اقتصادی، همکاری‌ها و ادغام منطقه‌ای، همکاری استراتژیک افغانستان - ایالات متحده امریکا/غرب، احیای اندیشه اسلامی و تجلیل از خراسان (ملی/ ادغام فرهنگی - منطقه‌ای/ بازتولید).

گروه مشاورین

- ❖ داکتر رنگین دادفر سپینتا، رئیس گروه مشاورین (افغانستان)
- ❖ داکتر بارت از. روبین (ایالات متحده امریکا)
- ❖ داکتر دیوید سموئل سیدنی (ایالات متحده امریکا)
- ❖ داکتر سیما ثمر (افغانستان)
- ❖ پروفیسور شهربانو تاجبخش (فرانسه)
- ❖ داکتر رادها کومار (هند)
- ❖ سفیر کای آیده (ناروی)
- ❖ پروفیسور ونگ جیسی (چین)
- ❖ احمد نادر نادری (افغانستان)

آدرس دفتر

کابل: قلعه نه برجه، کارته پروان، کابل، افغانستان

هرات: شرق پارک ملکیار، جاده مجیدی، هرات، افغانستان

شماره تماس: ۰۰۹۳۷۹۵۳۷۴۳۴۲

وبسایت: www.aiss.af

معرفی کوتاه گفتگوهای امنیتی هرات

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS)، ششمین دور "گفتگوهای امنیتی هرات" را به تاریخ ۵ - ۶ عقرب در شهر هرات افغانستان برگزار کرد. در این همایش دو روزه، شماری از مقامات عالی رتبه، قانونگذاران، دانشگاهیان، نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی، رسانه‌ها و فعالین جامعه مدنی اشتراک کرده بودند. هفتمین دور گفتگوهای امنیتی هرات با موضوع "بحران افغانستان؛ چالش‌ها و راه‌حل‌ها" برگزار گردید.

گفتگوهای امنیتی هرات (HSD)، یک همایش بین‌المللی سالانه است که توسط انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در شهر تاریخی هرات برگزار می‌شود. هدف اصلی این همایش ایجاد فرصت گفتگو میان نمایندگان کشورها برای بحث و بررسی مسایل همکاری در ساحات امنیت، سیاست، فرهنگ و انکشاف در سطح داخلی و بین‌المللی است.

یادداشت موضوعی کنفرانس هفتم

بحران افغانستان با چهار دهه دوام، دخیل ساختن بازیگران متعدد و عوامل و پیش‌ران‌های مختلف تبدیل به یکی از طولانی‌ترین جنگ‌ها در عصر مدرن شده است. هرچند جدای از طول آن، هنوز هم فهم رقابت آمیز و و نزاع آمیزی در مورد ماهیت نزاع در بین چه افغان‌ها و چه گروه‌های خارجی وجود دارد. متقابلاً تلاش‌هایی که برای حل این منازعه صورت گرفته است، به بی‌شماری خود منازعه و دستور العمل‌هایی است که برای این منازعه داده شده. در بهبوهه‌ی صدمین سالروز استقلال افغانستان از استعمار بریتانیا (۲۰۱۹-۱۹۱۹) و چهلمین سالروز حمله‌ی نیروهای ارتش شوروی به کشور (۱۹۷۹-۲۰۱۹)، هفتمین دور کنفرانس گفتگوهای امنیتی برای بحث و گفتگو در مورد بحران افغانستان در یک زمینه‌ی تاریخی و فکری وسیع تر، اختصاص داده شده است. با گردهم آوردن چشم اندازهای متفاوت در این مورد می‌توان چرایی را بر عوامل عدم موفقیت تلاش‌های پیشین در حل منازعه افغانستان انداخت و بدین وسیله می‌توان به تلاش‌هایی که شاید بتواند شانس بهتری را برای موفقیت این راه داشته باشد بدست آورد.

اهداف همایش

گفتگوهای امنیتی هرات چارچوبی برای بحث میان محققین، سیاستمداران، کارشناسان، تحلیلگران و دولتمردان است تا با یکدیگر برای همکاری‌های انکشافی، عملاً گفتگو نمایند. گفتگوهای امنیتی هرات یک انجمن بین‌المللی است که هدفش ترویج و تشویق درک متقابل و جستجوی اشتراکات در ساحات سیاست، همکاری‌های امنیتی، مبارزه با افراط‌گرایی مذهبی در منطقه می‌باشد. یکی از اهداف مهم این همایش، به هم وصل کردن کشورها و پل زدن میان آنهاست. این همایش تلاش دارد تا گفتگو میان کشورها و تمدن‌ها را تقویت نماید.

در این دور گفتگوها، اشتراک کننده‌گان از افغانستان، منطقه و جهان، نقطه نظرات، دیدگاه‌ها و پیشنهادات خود را در مورد مسائل، موضوعات و مشکلات متنوع ابراز نمودند که به طور کل شامل عناوین ذیل می‌گردد:

- منازعه افغانستان: ابعاد داخلی و بین‌المللی
- نظام سیاسی: ریاستی، نیمه ریاستی و پارلمانی
- اقتصاد افغانستان: از دولت رانتی تا اقتصاد رو به توسعه
- افغانستان و چانه‌زنی بزرگ در آسیای جنوبی
- طالبان؛ آنها چه می‌خواهند؟
- وضعیت سیاست خارجی افغانستان: بیطرفی، اتصال، انشقاق
- آیا نیاز به کنفرانس بن دوم است؟

این همایش در پاسخ به نیاز موجودیت چارچوبی دایمی که در آن افراد و گروه‌های ذی‌نفع بتوانند برای همکاری‌های وسیع انکشافی با یکدیگر گفتگو کنند و همزمان باعث تقویت همکاری میان افغانستان و دیگر کشورهای منطقه شوند، راه‌اندازی شده است. هدف گفتگوهای امنیتی هرات کشف علت‌های بی‌اعتمادی میان دولت‌ها، ادامه یافتن نزاع‌ها، شورش و تروریسم در منطقه و فراتر از آن است.

نشست افتتاحیه

هفتمین دور کنفرانس بین‌المللی گفتگوهای امنیتی هرات با قرائت چند آیت از قرآن کریم، پخش سرود ملی افغانستان، خوانش مناجاتی از عبدالرحمن جامی، پخش موسیقی عارفانه و سخنرانی محمد آصف رحیمی والی ولایت هرات آغاز شد.

آقای رحیمی ضمن خوش‌آمدگویی به مهمانان این دور از همایش، از انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان برای برپایی این کنفرانس ابراز قدردانی نمود. وی ابراز امیدواری نمود که این کنفرانس، زمینه صلح و ثبات را در افغانستان و منطقه فراهم سازد.

او از مردم افغانستان به خاطر حضورشان در انتخابات پارلمانی و شورای ولسوالی‌ها به تاریخ ۲۸ میزان ۱۳۹۷ سپاسگزاری نمود. آقای رحیمی افزود حمایت گسترده شهروندان هرات از انتخابات پارلمانی، از یکسو امیدواری به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را افزایش داد و از سوی دیگر ثابت ساخت که سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی در دو دهه اخیر در افغانستان به هدر نرفته است. او گفت سپری شدن موفقانه انتخابات ثابت ساخت که مردم به عنوان حامیان اصلی دموکراسی از دستاوردها حمایت می‌کنند.

آقای رحیمی گفت: «ما به این باور هستیم که منافع کشورهای منطقه و جهان در ختم جنگ و بحران افغانستان تامین می‌شود. تنها گروه‌های تروریستی و تکفیری هستند که از این بحران سود می‌برند از این رو از همسایه‌های دور و نزدیک و کشورهای ذیدخل می‌خواهیم مردم و دولت افغانستان را به خاطر استقرار صلح و ختم جنگ صادقانه یاری کنند.»



تصویر ۱: محمد آصف رحیمی، والی ولایت هرات

آقای رحیمی در سخنرانی خود به ویژگی‌های شهر باستانی هرات پرداخت. ولایت هرات دومین ولایت افغانستان از نگاه نفوس، سیاست و اقتصاد است که در پهلوی باستانی بودن و داشتن فرهنگ غنی و اصالت‌های تاریخی، دارای ظرفیت‌های مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی سیاسی و فرهنگی است. هرات در طول تاریخ بستر رشد اقتصاد، نبوغ و سیاست‌مداران بزرگی بوده است. احمد شاه ابدالی، پسرش تیمورشاه و احمد شاه مسعود قهرمان ملی کشور در دامان مهرپرور هرات پرورش یافتند و به قدرت رسیدند. هرات امروز نیز به حیث یکی از بزرگ شهرهای افغانستان، از نخستین دور گفتگوهای بین‌المللی امنیتی تاکنون دگرگونی‌های عظیمی در عرصه‌های انکشافی، اقتصادی، بازسازی و اجتماعی را تجربه کرده است و اکنون مهم‌ترین کانون علمی و فرهنگی افغانستان

به شمار می‌رود. فعالیت ده دفتر سازمان ملل متحد، موجودیت پنج کنسولگری و نمایندگی‌های سیاسی، ۳۸ انجوی بین‌المللی، فعالیت ۱۲۵ انجوی داخلی، بیش از ۴۰ رسانه محلی و حدود ۱۰۰۰ نهاد مدنی و سازمان‌های اجتماعی نوید آینده‌ای روشن به این حوزه باستانی است. بزرگترین پروژه‌های اقتصادی این منطقه از جمله تاپی، بند سلما، تاپ، سرک حلقوی و راه آهن در این ولایت شکل گرفته و باعث امیدواری مردم شده است. این موضوع نشان می‌دهد که هرات، ظرفیت توسعه و انکشاف را داشته و دارد چنانچه در دو دهه گذشته، پنج برابر توسعه یافته است.

سخنران داکتر رنگین دادفر اسپنتا، رییس‌بورد مشورتی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

سپس داکتر رنگین دادفر اسپنتا رئیس‌بورد مشورتی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، به نمایندگی از دفتر انستیتوت، به مهمان ویژه این دور کنفرانس آقای عصمت‌الله آرگاشیف نماینده خاص کشور ازبکستان، محمد آصف رحیمی والی هرات و دیگر مهمانان برنامه خوشامد گفت.



تصویر ۲: داکتر رنگین دادفر اسپنتا

آقای اسپنتا در ابتدای سخنرانی خود اشاره‌ای به این موضوع «که چرا هرات یکی از بهترین گزینه‌ها برای برگزاری کنفرانس گفتگوهای امنیتی است؟» داشت. او گفت هرات شهری است که با دو کشور همسایه، هم‌دین و هم‌تمدن ما جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان هم‌مرز است. زمانیکه شما به هرات و سمرقند ببینید، متوجه خواهید شد که بزرگانی چون شاهرخ میرزا، سلطان حسین بایقرا، امیر علی شیرنوی و بایسنقر که من علاقه زیادی به ایشان دارم را در دل خود جای داده که این بیانگر تمدن مشترک میان دو کشور است و امیدوار هستم که آقای مایکل بری امشب در مورد آن صحبت کند.

این خطه در ارزش تمدنی کهنسال این سرزمین جایگاه ویژه‌ای دارد که اگر از این منظر دیده شود هرات به عنوان برخاستگاه یک گفتگو، هم‌گرایی تمدنی و نزدیک کردن مردمان این منطقه نقش ارزنده‌ای دارد.

یکی از ارزش‌های دیگر این خطه این است که تا به حال مانند یک ققنوس چندین بار ویران شده و دوباره از خاک سر بلند کرده است که البته این موضوع نشان پایداری و استواری مردم افغانستان و حوزه تمدنی ماست که به باور آقای اسپنتا از هیچ می‌شود تمدن‌های پایدار، بزرگ و حتی جهان شمول ساخت.

به گفته آقای اسپنتا امروز افغانستان به دلیل جنگ‌های چهل ساله زخمی و زمین‌گیر شده، و این تجربه تاریخی هرات از لحاظ اخلاقی و معنوی پیام زنده شدن و رستاخیز معنوی برای ایجاد یک زندگی صلح آمیز را برای ما و مردم منطقه می‌دهد.

آقای اسپنتا گفت: "ما مردم منطقه بدون همگرایی منطقه‌ای نمی‌توانیم در دنیای جهانی شده صاحب معنی و مفهوم شویم و جای خوشحالی است که ازبکستان نخستین گام‌ها را به سوی هم‌گرایی برداشته است. مشارکت فعال جمهوری ازبکستان به منظور پشتیبانی از صلح، گفتگو و هم‌گرایی میان افغان‌ها به منظور پایان دادن به جنگ و ناامنی، و در نهایت زدودن و دور ساختن تهدیدها از این منطقه برای فردای بهتر، یکی از قدم‌های بسیار ارجمند و با ارزش است."

به باور آقای اسپنتا ما نیاز داریم تا گفتگو کنیم. نیاز است تا از خشونت و فرهنگ عدم تسامع و عدم همدیگر پذیری به سوی همدیگرپذیری برویم تا بتوان همدیگرپذیری منطقه‌ای را برای دست یافتن به تمدن معاصر استفاده کرد. اگر ما گفتگو و سیاست‌های خارجی را غیر ایدئولوژیک ساخته و از حاکمیت ایدئولوژی‌ها و انواع آن آزاد بسازیم و به سوی گفتگو، مشارکت و بهبود سازی مردمان مان گام برداریم، می‌توانیم به جایی برسیم.

آقای اسپنتا گفت: "من امیدوار هستم آنچه را که امروز جمهوری ازبکستان، کشورهای آسیای میانه، تاجیکستان، ازبکستان، قرغزستان، قزاقستان انجام می‌دهند در همکاری با کشورهای غربی و سایر کشورهایی که در افغانستان برای صلح و امنیت همکاری می‌کنند، به ثمر برسد."

آقای اسپنتا با توجه به اهمیت گفتگو گفت: "نیاز اصلی ما افغان‌ها صلح و امنیت است، نتیجه ۴۰ سال جنگ و کشتار نشان داد که بجز ویرانی و بربادی، هیچ سود دیگری ندارد. اکنون زمان آن رسیده تا تفنگ‌ها را همه جناح‌ها خاموش ساخته و سخن بگویند."

سپس آقای اسپنتا ابراز امیدواری کرد که تشریف‌آوری آقای آرگاشیف به عنوان مهمان ویژه در هفتمین گفتگوهای امنیتی هرات یک گام کیفی در این راستا و یک نشان انکارناپذیر جمهوری ازبکستان در همکاری با افغانستان باشد و خوب است که جدال‌های کشورهای منطقه تقلیل داده شود.

به باور آقای اسپنتا داشتن ارزش‌های مشترک به خصوص ارزش‌های مشترک فرهنگی، بزرگترین و گسترده‌ترین زمینه برای ایجاد همگرایی است. اگر اتحادیه اروپا با همه مشکلات یک پروژه موفق است اساسی‌ترین دلیل بعد از جنگ جهانی خونبار و ناسیونالیسم افراطی که در این قاره حاکم بود این است که صاحبان تمدن و ارزش‌های مشترک چون دموکراسی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی هستند و ما می‌خواهیم از تجارب مثبت آنها به عنوان کشورهایی که بسیار ویرانی دیده‌ایم، استفاده کنیم و عضو برادر و برابر جامعه جهانی باشیم.

سخنرانی آقای عصمت‌الله آرگاشیف، فرستاده‌ی ویژه‌ی رییس جمهوری ازبکستان برای افغانستان

پس از آقای سپنتا، عصمت‌الله آرگاشیف مهمان ویژه و نماینده جمهوری ازبکستان از انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان به دلیل برگزاری هفتمین کنفرانس گفتگوهای امنیتی هرات ابراز سپاس و قدردانی نمود.

آقای آرگاشیف در ابتدای سخنرانی خود به روابط ازبکستان و افغانستان پرداخت و گفت: "ما با افغانستان روابط تاریخی داریم، طوریکه داکتر صاحب گفتند امروز ازبکستان یک سیاست صلح آمیز و دوستانه را با افغانستان دارد. مسیر عمده سیاست خارجی ازبکستان طوریکه رئیس جمهور ما آقای شوکت میرضایوف تعیین کرده‌اند در قدم اول استقرار صلح، امنیت و تحکیم مناسبات با کشورهای همسایه ازبکستان است و ما تلاش می‌کنیم با همکاری‌ها و تلاش‌های مشترک کشورهای ترکمنستان، تاجیکستان، قرغزستان و قزاقستان، افغانستان را به مرکز آسیا مبدل بسازیم"



تصویر ۴: ایرگاشیف، نماینده ویژه رییس جمهور ازبکستان در امور افغانستان

آقای آرگاشیف اضافه کرد که کشور ازبکستان نیز خواهان صلح و ثبات در افغانستان است، به همین دلیل همیشه با دولت افغانستان همکاری خواهند بود و از کمک‌های خود دریغ نمی‌کنند. آقای آرگاشیف گفت کشور ازبکستان از تلاش‌های جمهوری اسلامی افغانستان پشتیبانی می‌کند و پس از کنفرانس تاشکند که به حمایت رئیس جمهور ازبکستان و افغانستان برگزار شد، گام‌های بزرگی برای استقرار صلح در افغانستان برداشته شده از آن جمله کنفرانس ژنو که قرار است در اخیر ماه نوامبر در سویس برگزار شود و هیئت عالی رتبه ازبکستان نیز در این کنفرانس اشتراک خواهد کرد. آقای آرگاشیف به برنامه‌هایی که پس از کنفرانس تاشکند از سوی ازبکستان اجرا شد، اشاره کرد.

پشتیبانی از آتش بس با طالبان که به ابتکار محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان صورت گرفت گامی است که پس از کنفرانس تاشکند از سوی ازبکستان برداشته شد و ازبکستان رهبریت گروه طالبان را برای حمایت از این حرکت دعوت کرد.

به باور آقای آرگاشیف، طالبان با قبول آتش بس اول نشان دادند که از جنگ و جدل خسته شده‌اند و آنان نیز خواهان صلح‌اند.

آقای آرگاشیف ابراز امیدواری کرد که در چهارچوب این کنفرانس، تبادل نظر خوبی صورت بگیرد و به راه‌هایی برای رسیدن به صلح افغانستان دست پیدا کند.

نماینده ویژه کشور ازبکستان در قسمتی از سخنرانی خود به موضوع تجارت میان افغانستان و ازبکستان پرداخت و گفت: "ما با حکومت افغانستان تلاش می‌کنیم که حجم روابط تجاری خود را تا یک میلیارد دالر برسانیم و برای رسیدن به این هدف، جمهوری ازبکستان امتیازهای زیادی را برای تاجران افغان مدنظر گرفته که توقیف صدور ویزا و ایجاد امتیازهای خوب برای ترانزیت بارها از آن جمله است.

همچنان ایجاد یک مرکز اقتصادی رایگان همراه با افغانستان در نزدیک بندر ساختیم که هدف آن حفظ محصولات افغانستان است و تاجران افغان می‌توانند تمام محصولات خود را به این مرکز بیاورند. همچنان امیدوارم ما در آینده‌ای نزدیک بتوانیم راه آهن مزارشریف به هرات ببینیم."

این تنها به منافع افغانستان و ازبکستان نیست اما برای تمام کشورهای آسیای مرکزی مفید خواهد بود. من کشورهای اروپایی را دعوت کردم تا در پروژه مزارشریف- هرات سهم بگیرند. چند ماه قبل من در بروکسل بودم و با رهبران اتحادیه اروپا ملاقات داشتم آنها علاقمند سهم‌گیری در اقتصاد افغانستان بودند.

من فکر می‌کنم پروسه سیاسی در افغانستان بسیار مهم است. در این پروسه ما کارهای زیادی انجام دادیم اما می‌دانیم که افغانستان در یک قدمی انتخابات ریاست جمهوری قرار دارد و ما سرعت پروسه سیاسی را کاهش می‌دهیم. اما این موضوع این شانس را به ما می‌دهد که در اقتصاد ملی افغانستان فعال تر باشیم.

ازبکستان تعدادی از پروژه‌ها را انجام می‌دهد که خط راه آهن یکی از آنها بود. خط برق از سرخان به پلخمیری یکی دیگر از آنها بود و پروژه دیگر مرکز آموزشی برای شاگردان افغان است.

یکی دیگر از پروژه‌ها ایجاد پایگاه بین‌المللی آموزش برای افغانستان است. این بدان معنی است که این مرکز برای آموزش کدر افغانی است؛ تا زمانی که ما جوانان افغان را آموزش می‌دهیم، آنها با استفاده از اسلحه پول به دست نخواهند آورد. یک مسئله مهم دیگر این است که ما همه مسائل صلح را بر اساس احترام متقابل و درک متقابل با افغانستان انجام می‌دهیم؛ به ویژه هنگامی که ما با طالبان به تماس می‌شویم، اولاً موافقت دولت را خواهیم گرفت. این بدان معنی است که ما نمی‌خواهیم در امور داخلی شما دخالت کنیم. همه آنچه ما انجام خواهیم داد، برای منافع افغان‌ها است. ازبکستان با شما خواهد بود و از شما حمایت خواهد کرد.

جلسه اول کاری: منازعه افغانستان: ابعاد داخلی و بین‌المللی

گرداننده: ناهید فرید، عضو مجلس نمایندگان افغانستان

سخنرانان

- ویلیام میلی، استاد دانشگاه ملی استرالیا
- سردار محمد رحیمی، معین وزارت معارف و سواد آموزی افغانستان
- محمد ناصر تیموری، پژوهش‌گر دیده‌بان شفافیت افغانستان

خانم فرید پس از خوشامدگویی به مهمانان، به معرفی هر یک از سخنرانان این جلسه پرداخت. وی در سخنان مقدماتی خود برای واضح ساختن موضوع این جلسه به مفاهیم امنیتی اشاره کرد.

مفاهیم امنیتی به دلیل داشتن خواستگاه کیفی، همیشه متحول بوده و ابعاد متفاوتی دارند و این مفاهیم در جغرافیای متفاوت، تاثیرات مختلفی را نیز دارد. امروز در افغانستان وضعیتی حکم‌فرماست که مفهوم منازعه نسبت به گذشته متحول شده و نسبت به سال ۲۰۰۱ تفاوت‌هایی به وجود آمده است. در این جلسه علاوه بر پرداختن به موضوع منازعه، در مورد ابعاد مختلف این تحول و پیچیدگی صحبت خواهد شد.



تصویر ۵: از راست به چپ: پروفیسور دیوید میلی، ناهید احمدی فرید، دکتر سردار محمد رحیمی، محمد ناصر تیموری

سخنران اول نشست آقای ویلیام میلی در ابتدا در مورد ریشه‌های تاریخی منازعه در افغانستان صحبت نمود. او در ابتدای سخنرانی‌اش تاکید کرد که منازعه تاثیرات مثبتی دارد و می‌تواند ابزاری برای یادگیری و فهم دیدگاه‌ها باشد. او به سخنان خود در مورد منازعه ادامه داد: "منازعه زمانی که به مسیر درستش‌اش که نتیجه مثبت دارد، هدایت نشود تبدیل به یک مشکل می‌شود. من می‌خواهم به

بعضی ریشه‌های منازعه از سال ۲۰۰۱ اشاره کنم. عوامل متعددی برای منازعه در افغانستان وجود دارد نه یکی یا دو تا. او گفت تعیین مهم‌ترین این عوامل، کار سختی است. هویت، سیاست و همبستگی گروهی می‌توانند یک مشکل باشند.

پروفسور میلی در چهار گزینه، محتوا و چالش‌های منازعه را برشمرد: تمام منازعه‌ها ناکارآمد نیستند بلکه منازعه بدون محدودیت عامل بسیاری از مشکلات‌اند؛ خشونت به مثابه بعدی از شکل‌گیری دولت: **نقش راهزنان ثابت**، خشونت به مثابه یک نتیجه از فروپاشی دولت. ۱. از دست دادن قدرت مشترک هوپیان و خشونت به مثابه یک نتیجه از فروپاشی دولت. ۲. تغییر اعتماد به بازیگران دیگر. سپس او به بعضی ریشه‌های خاص منازعه اشاره کرد.

- دشواری رهایی از تاثیرات گوناگون پیش‌رانان منازعه
- طمع و شکایت به عنوان پیش‌رانان منازعه
- سیاست هویت و همبستگی گروهی
- احساس حاشیه‌سازی: مشکلات مشروع سیستم نو موروثی
- زیر افق رقابت و دشمنی
- پول‌های کمک شده به عنوان غذا: در نظر گرفتن مسئله سهام که احزاب می‌توانند در آن شرکت کنند
- نارضایتی از حضور خارجی‌ها
- جهانی شدن ایدئولوژی‌ها و تندرو شدن جوانان
- پیشرفت خارجی بی‌ثباتی در افغانستان

او سخنرانی خود را با در نظر داشت این مشکل و بیان چند نکته ادامه داد. این نکات قرار زیر اند:

- ✓ حقوق بین‌الملل و «تهاجم خزنده»؛ جستجو برای توافق سیاسی
- ✓ مسیر امیدوارکننده یا افکار واهی و پوچ؟ آیا پاکستان می‌تواند قابل اعتماد باشد؟
- ✓ پالیسی ۲۱ اگست ۲۰۱۷ رئیس‌جمهور ترامپ؛ دخالت کشورهای دیگر
- ✓ مشکلات منطقه‌ای ابزار دیپلماتیک برای اصلاح رفتار کشورهای مخرب، نقش چین.

سخنران دوم آقای سردار محمد رحیمی سخنرانی خود را با این پرسش آغاز کرد " آیا منازعه افغانستان ابعاد ژئوپولیتیکی دارد و یا خیر؟"

به باور آقای رحیمی اساساً منازعه افغانستان یک مسئله ژئوپولیتیکی بوده و هست. او خاطر نشان ساخت که منازعه افغانستان منازعه حقوق بشر و دموکراسی نیست بلکه منازعه‌ای بر مبنای استیلاء، حوزه نفوذ، منابع و تسلط است. بنا ما در افغانستان مجبور به ادامه جنبه‌های این منازعه در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌الملل هستیم.

آقای رحیمی گفت: "مشکل اساسی در منازعه افغانستان این است که این منازعه در حد یک منازعه سیاسی تقلیل داده شده و طبیعتاً با این تقلیل، باید راه‌کارهای سیاسی نیز برای آن سنجیده شود، اما راه‌کارهای سیاسی سنجیده شده، نتوانسته ماهیت بنیادین

مسئله که همانا ژئوپولیتیک افغانستان، منطقه و جهان است را به بحث بگیرد و پاسخ‌های مناسب را ارائه کند و این موضوع بحران امنیتی، بحران سیاسی و امروزه بحران ژئوپولیتیک را تشدید کرده است.

به باور آقای رحیمی «رقابت برای کسب منابع و حوزه نفوذ» بین بازیگران ملی، منطقه‌ای و جهانی در حوزه افغانستان باعث پیچیدگی وضعیت ژئوپولیتیک و معمای امنیت و سیاست در افغانستان شده است.

شاخصه‌های ساختار ژئوپولیتیک افغانستان که بر سیاست (امنیت و اقتصاد) افغانستان نقش مستقیم دارند بحث مرزها، تقسیمات اداری، شبکه آب‌ها، رودخانه‌های بنگالی، گروه‌های قومی دو سوی مرز و عناصر جدیدی که بعد از ۱۱ سپتامبر در افغانستان به لحاظ ژئوپولیتیک شکل گرفته‌اند چون (تروریسم، موادمخدر و مهاجرت) می‌باشند.

الگویی که دولت افغانستان در برخورد با ژئوپولیتیک خود در مقیاس ملی و یا ژئوپولیتیک درونی اختیار کرده، مبهم است ولی آیا می‌توان در مقیاس ملی الگوی قابل تطبیقی را طرح کرد که پیامد آن در مقیاس منطقه‌ای و جهانی باعث تشدید بحران شود؟

متمرکز سازی نظام سیاسی و اداری افغانستان می‌تواند راه‌حلی برای مسئله ژئوپولیتیک افغانستان در حوزه امنیتی باشد و اما در حوزه اقتصادی آمایش سرزمینی پاسخی برای حل این مسئله است.

آقای رحیمی افزود: "ما چهار سازه ژئوپولیتیک در حوزه افغانستان داریم که باعث تشدید بحران امنیت و اقتصاد در افغانستان شده و الگویی که برای مواجهه با این سازه‌های ژئوپولیتیک منطقه اختیار کرده‌ایم در سطح سیاست خارجی و منطقه‌ای مشکل دارد (اشکال فنی در رویکرد ساختار ژئوپولیتیک) چرا که متاسفانه فهم و رویکرد ژئوپولیتیک در سیاست خارجی افغانستان یا وجود نداشته و یا هم ناقص بوده است."

۱. اساسا تعریف هویت ژئوپولیتیک افغانستان چیست؟ در اطراف افغانستان، سازه ژئوپولیتیک غرب آسیا، جنوب آسیا، آسیای میانه و منطقه مستقل ژئوپولیتیک چین وجود دارد اما تاکنون مشخص نیست افغانستان به لحاظ هویت ژئوپولیتیک، ارتباطش با این مناطق چگونه است؟

پروسه قلب آسیا و یا هم پروسه استانبول یکی از نمونه‌های مدلی است که سیاست خارجی افغانستان برای خود اختیار کرده اما بنظر آقای رحیمی مبنای تئوریک آن اشتباه است چرا که فهم عامه در مورد پروسه قلب آسیا این است که افغانستان در مابین چهار گروه‌بندی منطقه‌ای یا چهار سازه منطقه‌ای قرار گرفته و می‌تواند با شکل‌دهی به یک چهارچوب همکاری بین این سازه‌های منطقه‌ای، منافع اقتصادی به دست آورد.

اما ایراد فنی این مدل این است که کشورهایی عموماً در این حوزه موفق بوده می‌توانند که خود توانمندی امنیتی و اقتصادی مطمئنی داشته باشند اما افغانستان فاقد این موضوع است. به همین علت این رویکرد در طی پنج سال گذشته نتوانسته پاسخی منطقی و مناسب برای آمال‌ها و امیدهای اقتصادی افغانستان و حتی امنیت که یکی از خواسته‌های ما از پروسه قلب آسیا بوده را بدست بیاورد بلکه این سازوکار سیاسی افغانستان بیشتر ابزاری بوده و برای کشورهای حوزه غربی، حوزه میانه و یا حوزه شرقی و یا به معنای دیگر برای پاکستان، ترکیه، چین و کشورهای آسیای میانه چون تریبون عمل کرده است.

۲. از سوی دیگر به لحاظ امنیتی فعلا شارژ امنیتی جنوب آسیا، شارژ امنیتی آسیای میانه، شارژ امنیتی غرب آسیا به افغانستان سرازیر می‌شود و کشور چین هم اگر شارژ امنیتی خود را تسریع نمی‌دهد یک فضای بسته را مانند عایق با افغانستان به وجود آورده است. این در حالیست که راهکار ژئوپولیتیک افغانستان در عوض پذیرش یا جذب این شارژ امنیتی می‌تواند پالیسی رسانایی یا انتقال

شارژ امنیتی بین گروه‌بندی‌های منطقه‌ای باشد تا تهدید مشترک زمینه گفتگو بین سازه‌های منطقه‌ای را با محوریت افغانستان فراهم کند.

به عقیده آقای رحیمی این رویکرد شاید رویکردی خشن و رئالیستی باشد اما با رویکرد لیبرال بعید است که بتوان بحران امنیتی منطقه را با توجه به ساختارهای سیاسی منطقه تغییر داد.

در مقیاس منطقه‌ای قدرت اژمال که بیشتر منظور آقای رحیمی ایالات متحده آمریکا است، مدلی را در مدیریت امنیت جهانی با رویکرد منطقه‌ای در اختیار دارد اما پاسخ افغان‌ها منحیث یک کشور در حوزه‌بندی منطقه‌ای برای تامین امنیت ملی افغانستان که با امنیت منطقه گره خورده چیست؟

پاسخ آقای رحیمی به این پرسش منفی بوده چرا که در این سطح، افغانستان الگوی خاصی را در سطح منطقه‌ای و جهانی برای تامین امنیت ملی خود ندارد.

به گفته آقای رحیمی گفتگوهای صلح و امنیت ملی ما شدیداً با فهم ژئوپولیتیک در مقیاس منطقه‌ای، ملی و جهانی و رفتارهایی که نسبت به او انجام می‌دهیم گره خورده است به عنوان مثال ما شاهد گفتگوهای صلح با طالبان با نقش مستقیم ایالات متحده آمریکا هستیم چرا که برای آمریکا نقش منطقه جنوب آسیا در استراتژی کلان آن مهم است که البته این نقش باید متضمن منافع اقتصادی و امنیتی آمریکا برای حفظ امنیت جهانی باشد.

آقای رحیمی به عنوان جمع‌بندی سخنان خود گفت نخست برای تغییر در رویکرد ژئوپولیتیک، باید فهم ژئوپولیتیک از امنیت و اقتصاد ملی، منطقه‌ای و جهانی ایجاد شود تا بتوان بحث جدی و عملیاتی نسبت به امنیت ملی، گفتگوهای صلح و توسعه افغانستان داشته باشیم.

سخنران سوم این جلسه کاری محمد ناصر تیموری بود. او در نخست به تصویر بزرگی از دولت افغانستان اشاره کرد. "حدود یک میلیون نفر در دولت افغانستان کار می‌کنند این نسبت به چیزی که نیاز داریم خیلی بیشتر است. در درون دولت افغانستان یک قسمت (دولت عمیق) آن بسیار مهم است و این افراد افرادی هستند که مدیریت و جهت‌دهی افغانستان را به عهده دارند که حدود ده هزار نفر جز دولت عمیق هستند". آقای تیموری با استناد به صحبت‌های همکارانش گفت در ۱۷ سال گذشته بحث فساد، گسترش فساد، انواع فساد و عواقب آن هم تغییر کرده است.

آقای تیموری سخنرانی خود را با این پرسش که چگونه فساد از یک موضوع نسبتاً کم اهمیت به یک تهدید امنیت ملی تبدیل شد؟ ادامه داد.

در طول ۱۷ سال گذشته سه رویکرد میان حکومت افغانستان و جامعه جهانی در مورد مسئله فساد وجود دارد. این رویکردها فساد را یک موضوع کم اهمیت جلوه داده و به این باور بودند که اگر مسائل توسعه اقتصادی، صلح و مسئله جنگ حل گردد، فساد نیز خودبه خود تغییر خواهد کرد و این رویکرد برای چن یک موضوع کم اهمیت هست و اگر بتوانیم مسائل توسعه اقتصادی، صلح و مسئله جنگ را حل بسازیم، مسئله فساد نیز تغییر خواهد کرد و این رویکرد بین سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۶ برای چند سال ادامه داشت.

از سال ۲۰۰۶ بدین سو، مسئله فساد به موضوعی نسبتاً جدی تبدیل شد و این نیاز حس گردید تا در سطح گفتگوها و اقدامات ملی و بین‌المللی تغییری بوجود آید اما با وجود تردهایی که جامعه جهانی در افغانستان داشت هیچ‌گاه یک استراتژی واحد و نهادهای مستقل ملی برای مبارزه با فساد و اینکه سلامت اخلاقی نظام را حفظ کند بوجود نیامد اما یک تعامل با بحث فساد بزرگ انجام شد.

آقای تیموری فساد بزرگ را اینگونه تعریف کرد: "فساد بزرگ فساد است که در تعیینات ارشد حکومتی، در تدارکات کلان حکومتی و نهادهای انتظامی فساد وجود داشته باشد. در انتخابات پارلمانی دوره پانزدهم و شانزدهم تعامل حکومت به این شکل شد که فاسدین را ما نمی‌توانیم مهار بسازیم بنا این افراد را به نحوی وارد فساد ساخته تا اینکه مردم سالاری و نظام این‌ها را بتواند مهار سازد. تعداد بزرگی از این شبکه‌های فساد وارد پارلمان اداری دوره پانزدهم و شانزدهم شدند و اینگونه قصد حل کردن مسئله فساد بزرگ داشتند."

به باور آقای تیموری برای فاسدین بزرگ جایی که بیشترین عواید و بیشترین مصارف را داشته باشد مانند سکتور امنیت و گمرکات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نماینده‌های پارلمان تعداد زیادی از پست‌های دولت عمیق در دوره پانزدهم و شانزدهم را تعیین کردند و به این ترتیب زمانیکه پارلمان افغانستان با افراد فاسد غصب گردید در واقع حکومت افغانستان نیز به نحوی غصب شد.

آقای تیموری می‌گوید با پژوهش‌ها دیده‌بان شفافیت افغانستان ما به مرحله ایجاد یک دولت فساد رسیدیم و برای وضاحت بیشتر این موضوع چند منبع را نیز ذکر کرد. در نوشته سارا (Sarah Chayes- Thieves of state) به صورت تفصیلی این موضوع بیان شده که ما در رده‌بندی‌های جهانی در مسئله فساد به کدام موقعیت قرار داریم؟

آقای تیموری راه‌حل این وضعیت را ایجاد نهادهای مستقل، غیرسیاسی و پایدار در درون نظام خواند و گفت این ما می‌توانیم این نهادها را در غالب کمیسیون‌ها تصور کنیم اما یک اندازه متفاوت‌تر از کمیسیون‌هایی که قبلاً وجود داشت. کمیسیونی مشابه با کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی.

آقای تیموری گفت: "این ادارات باید قوی و مستقل باشد تا بتواند سلامت اداری، سیاسی و اقتصادی ما را تضمین کرده و نفوذ سیاسی بر آن‌ها وجود نداشته باشد، این‌ها می‌توانند یک قسمت از مشکلات ما را حل بسازند و دولتی را بسازد که بتواند بین شهروندان انصاف کند. افراد این کمیسیون‌ها از پروسه‌های تخنیکی تعیین می‌شوند، رئیس خود را از بین خود انتخاب می‌کنند (رهبری سیاسی حق برطرف کردن‌شان را ندارد) و صلاحیت عام و تام انتظامی را با خود دارند.

جلسه‌ی پرسش و پاسخ

- تیموری: نقش جامعه بین‌المللی در گسترش فساد در افغانستان چیست؟
- میلی: آیا نتایج جنگ مشابه به هم هست؟ اگر نیست، چرا نیست؟
- رحیمی: چرا پروسه قلب آسیا نتوانسته یک پروسه موفق باشد؟
- رحیمی: جنگ جاپان و چین چه تاثیری بر افغانستان دارد؟ راه‌حل شما برای منازعه ژئوپولتیک چیست؟
- همه: نظر شما در مورد سخنان نماینده ازبکستان درباره باز کردن راه تجارتي از سمرقند به هرات چیست؟
- تیموری: با در نظر گرفتن اینکه فساد در افغانستان تبدیل به یک فرهنگ شده، فکر نمی‌کنید این کمیسیون‌هایی که شما ذکر کردید درگیر فساد شوند؟
- تیموری: آیا تضمینی وجود دارد که این ساختارها بر روی این سازمان‌های نظارتي تاثیر نگذارد؟

میلی: ما باید اختلاف میان کشورهای متخاصم را خنثی بسازیم. من در مورد دولت متمرکز بسیار نگران هستم. یکی از راه‌هایی که باعث می‌شود مشکلات به وجود بیاید، ساختار دولتی است. زمانیکه بعد از اولین بن، آنان برای ۲۹ وزارت تصمیم گرفتند این تقریباً راهی برای جستجوی فساد است. این موضوع ساختار بیوکراتیکی را همراه با پول زیاد ایجاد می‌کند و به سوی فساد سوق می‌دهد.

رحیمی: یکی از دلایلی که من به فهم ژئوپولیتیک تاکید کردم این هست که در سطوح میانی اصلاً فهمی در مورد ژئوپولیتیک وجود ندارد، وقتی می‌گوییم ژئوپولیتیک منظور ما موقعیت جغرافیایی نیست. ژئوپولیتیک یک مفهوم پویا و زمان‌مند است.

اساساً ژئوپولیتیک افغانستان در قرن ۲۰ نمی‌تواند مبنایی برای پیشبرد برنامه‌های سیاست خارجی بصورت منطقه‌ای در قرن ۲۱ باشد، اساساً معنایی ندارد که بگوییم افغانستان قلب آسیا در قرن ۲۱ چرا که مفهوم قلب آسیا یک مفهوم ذهنی و انتزاعی است. ظرفیت‌های ژئوپولیتیکی ما تغییر کرده، عناصر ژئوپولیتیک شامل هنر، فرهنگ، سیاست، اقتصاد و مجموعه‌ای از ظرفیت‌هایی است که تازه به وجود آمده مثلاً مهاجرت، تروریسم و مواد مخدر که امروز ژئوپولیتیک افغانستان را تهدید می‌کنند بنابراین، این عوامل و عناصر با تعریف ذهنی که ما از ژئوپولیتیک داریم کاملاً متفاوت است.

در بحث جاپان و چین، بیشتر از جاپان، در حوزه‌ای که ما از شارژ امنیتی منطقه متأثر می‌شویم، رقابت بین چین و هند مهم است تا جاپان و چین. شاید پروسه افغانستان قلب آسیا یک ابتکار فوق‌العاده از طرف افغانستان باشد اما پاسخگوی نیاز منطقه نیست، منطقه ما یک منطقه ژئوپولیتیک با رویکرد رئالیستی است و رویکرد اقتصادی که ما برای حل مسئله ژئوپولیتیک از آن استفاده می‌کنیم، پاسخ نمی‌دهد زیرا اولویت‌های امنیتی قابل گفتگو نیستند.

تیموری: آقای تیموری با این دو موضوع عمده به سوالات پاسخ داد: آیا تشکیل کمیسیون جدید می‌تواند راه‌حل باشد؟ و دوم در مورد نقش جامعه بین‌الملل در فساد.

من مخالف بعضی از اقداماتی هستم که دوستان ما در جامعه بین‌الملل انجام می‌دهند، مخصوصاً در مورد فساد. بیشتر از اطلاعاتی که ما داریم، آنها ۲۰ برابر بیشتر از این اطلاعات را در مورد شبکه‌های فساد دارند. آقای تیموری گفت رئیس‌جمهور یا توان مبارزه با افراد فاسد را ندارد یا نمی‌خواهد این کار را انجام دهد. او گفت: "رئیس‌جمهور متعهد به ایجاد کمیسیون مستقل مبارزه با فساد برای انتخابات بود اما پس از چهار سال تعقیب ما فهمیدیم که چیزی وجود ندارد."

او اضافه کرد: "رئیس‌جمهور در ابتدا می‌گفت این مخالف قانون اساسی است اما اکنون می‌گوید این کمیسیون تصامیمی را اتخاذ می‌کند که یا ما نمی‌خواهیم و یا هم نمی‌توانیم عملی کنیم." او گفت در حکومت وحدت ملی، تمرکز در تمرکز شد و عدم قدرت ولایات مشکل دیگر این حکومت است و بحث آخر در مورد ایجاد این کمیسیون جدید، می‌توانم دو نمونه از کشورها را نام ببرم که ساختاری مشابه این کمیسیون دارند اندونزی و کوریای جنوبی.

جلسه کاری دوم: نظام سیاسی؛ ریاستی، نیمه ریاستی و پارلمانی

گرداننده: بانو مریم صافی، رییس نهاد پژوهش خط مشی و توسعه

سخنرانان

- محمد نظیف شهرانی، استاد دانشگاه اندیانای آمریکا
- عبدالله احمدزی، نماینده بنیاد آسیا در افغانستان
- توماس جانسون، استاد دانشگاه علوم دریایی آمریکا

خانم مریم صافی گرداننده این جلسه کاری، جلسه را با توضیحی کوتاه از اهمیت موضوعی که قرار است مورد بحث گرفته شود شروع کرد. او گفت که مطالعات تجربی نشان داده که نوع نظام با عملکرد دموکراتیک همبستگی دارد. برخی معتقدند که در مسئله دموکراسی نظام ریاستی با نیمه ریاستی کمتر برنده هستند نسبت به نظام پارلمانی. او سپس در مورد چالش‌هایی که ممکن است سیستم ریاست جمهوری برای دموکراسی داشته باشد صحبت کرد و بعد برای شروع جلسه به معرفی سخنرانان پرداخت.



تصویر ۶: از راست به چپ: پروفسور توماس جانسون، مریم صافی، عبدالله احمدزی و پروفسور نظیف شهرانی

سخنران اول این جلسه کاری محمد نظیف شهرانی بود. آقای شهرانی با نقد موضوعی که قرار بود صحبت کرد به سخنرانی آغاز کرد و گفت چرا ما تنها اشکال حکومت‌داری ریاستی، نیمه ریاستی و پارلمانی را مطرح می‌کنیم و موضوع پادشاهی به فراموشی سپرده‌ایم؟

به باور آقای شهرانی اشکال دولت به ذات خود نمی‌توانند برای بهبود وضع سیاسی وسیله‌ای باشند. برخی سیستم‌های شاهی در دنیا وجود دارند که دموکراتیک‌اند مانند انگلستان، دانمارک، عربستان سعودی و یا هم سویدن. بنابراین باید سوال به گونه دیگری مطرح

شود که توانایی حل مشکل اساسی جامعه و نظام را داشته باشد و راهی جز این نیست که از شکل دولت‌داری به اساسات، ارزش‌ها و پروسه‌های دولت‌داری توجه صورت بگیرد.

آقای شهرانی گفت: "موضوعی که می‌خواهم بیشتر به آن تمرکز کنم فرهنگ سیاسی چالش برانگیز افغانستان و چهار نوع اساسات عمده حکومت‌داری در افغانستان است که این چهار گزینه در حقیقت فرهنگ سیاسی افغانستان را در ۱۴۰ سال گذشته در بر می‌گیرد".

به گفته آقای شهرانی اگر نیاز هست که در فرهنگ سیاسی افغانستان تغییر آورده شود باید به آن توجه صورت بگیرد نه اینکه دولت تغییر داده شود، تغییر شکل دولت هیچ فایده‌ای نخواهد داشت.

چهار اصلی که فرهنگ سیاسی افغانستان را تغییر خواهد داد چیست؟

۱. فردگرایی: در انگلیسی لغتی به نام Kinship وجود دارد که به معنای دولت شاهی بوده و در این دولت تمام قدرت مربوط به یک فرد است. اگر نام این فرد در این نظام شاه، رئیس جمهور و یا هر کلمه دیگری گذاشته شود اما اصول حکومت‌داری، فردمحور باشد هیچ‌گاه نمی‌شود شرایط را در کشور تغییر داد.

نکته مقابل فرد محوری، رعیت بودن است و زمانیکه به فردی لقب شاه و یا رئیس جمهور داده شود به افراد مقابل او رعایا گفته می‌شود و نه شهروند، و به باور آقای شهرانی "ما حاضر به پذیرفتن کلمه شهروند نیستیم طوری که حتی در قانون اساسی ما کلمه شهروند استفاده نشده و در عوض حقوق رعایا ذکر گردیده و این غیر ممکن است که شما به عنوان رعایا، دارای حق باشید و به باور آقای شهرانی این موضوع در واقع مشکل قانون اساسی خودمان را آشکار می‌سازد."

۲. قوم‌گرایی: به گفته آقای شهرانی زمانی که حکومت‌داری فرد محور باشد فردی که در منصب شاه، رئیس جمهور و یا هر لقبی دیگر قرار دارد به تنها کسانی که می‌تواند اعتماد کند اقوام اوست و این موضوع بحران اعتماد در جامعه ما را آشکار می‌سازد و این بحران زمانی تشدید پیدا می‌کند که این روند در میان افراد سطح اول حکومت جریان داشته باشد و همین قوم‌گرایی در حکومت‌داری، زمینه‌ساز فساد شده و قوم‌گرایی و فساد نقطه مشترک دارند.

۳. استفاده ابزاری از دین: این مسئله در طول تاریخ وجود داشته طوری که حتی کسانی که بر ضد دولت اقدام کردند باز هم از دین استفاده ابزاری کرده‌اند.

۴. اقتصاد سیاسی دولت: به باور آقای شهرانی اتکاء و احتیاج مداوم ما به کمک‌های خارجی نمایان‌گر این اصل بوده طوری که توقع دولت در این است که کشورهای خارجی هم پول بدهند و هم حمایت سیاسی کنند.

آقای شهرانی تاکید کرد که اگر خواسته باشیم طلسم فرهنگ سیاسی حاکم در کشور را از بین ببریم باید به اصل دیگر حکومت‌داری بیاندیشیم. این اصل، اصل اداره محل توسط مردم محل است. بسیاری از جوامع پیشرفته امروز، اساس اداره‌شان حق دادن به اداره محل است و این اصلی است که در تشکیلات افقی جوامع ما در حال تطبیق است. این مسئله در طول چهل سال جنگ خصوصا در سال ۱۹۸۰ سبب شد تا حکومت خود را عیار بسازد و جنگ را کنترل کند. اما مشکل کشور ما این است که نتوانستیم این اصول را در اشکال عمودی قدرت بخصوص در قانون اساسی کشور بگنجانیم.

به گفته آقای شهرانی تا زمانی که واژه تقرر وجود داشته باشد و کسی باشد که پست‌های بلند دولتی را تعیین کند ما از معضلات فساد، رشوت و سیاسی شدن هویت‌ها رهایی نخواهیم یافت.

سخنران دوم این جلسه کاری آقای عبدالله احمدزی بود. او در آغازین صحبت‌هایش اشاره به نیازهای یک دولت در زمان انتخاب افراد داشت. او گفت اگر ما کاملاً در روند قانونی قرار داشته باشیم، ما در این دو دهه باید شاهد ۱۷ انتخابات باشیم. او گفت اگر به سرشت افراد انتخاب شده نگاه کنیم، این افراد برای دولت‌های نامتمرکز مناسب می‌باشند. پس انتخاب افراد بدون صلاحیت این نتیجه را در پی دارد که چنین افرادی هزینه‌ی شخصی خودشان را ندارند.

بر می‌گردیم به ساختار انتخاباتی، از سال ۲۰۰۴ اگر ما به سیستم انتخاباتی نظری گذرا داشته باشیم، همه‌ی کارها و حرکات تکراری بوده‌اند. افراد سیاست‌مدار و رهبرهای سیاسی مسایل انتخاباتی را تغییر داده‌اند و همیشه هدف این تغییرات صلاحیت‌های انتخاباتی بوده‌است. بنابر این نخستین مسئله جلوگیری از تصمیم‌گیری افرادی است که انتخابات را انجام می‌دهند. دومین مسئله مالکیت اجراءات انتخاباتی هست. او سخنان خود را با این موضوع که کدام اصلاحات در چه زمانی اتفاق می‌افتد، ادامه داد. او گفت احساس فوریت به اصلاحات، همیشه کیفیت اصلاحات را پایین می‌آورد. اگر نگاهی به اصلاحات انتخاباتی در بین سال‌های ۲۰۱۵ - ۲۰۱۷ داشته باشیم، می‌توانیم درک کنیم که چندین تصمیم در بخش‌های متفاوت ساختاری، قانونی و سیاسی گرفته شده است. در تمامی این سه مورد افراد مسئول خواستار تغییرات سریع بودند، اما آنان به جای تغییرات سریع دچار چالش‌های زیادی شدند. او به عنوان مثال از دستگاه‌های بایومتریک نام برد.

آقای احمدزی توصیه نمود که هر اصلاحاتی باید سه هدف کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت داشته باشد. گفتگو در مورد انتخابات باید همه‌ی چهره‌های سیاسی را در برداشته باشد. نکته‌ی دیگری که او به آن اشاره کرد، در مورد اختیارات و صلاحیت‌های فرد انتخاب کننده در کمیسیون مستقل انتخابات می‌باشد. او گفت که کمیسیون مستقل انتخابات باید در تمام ابعاد از جمله پالیسی، اجرایی و لوژستیکی به اندازه کافی قدرت و توان داشته باشد. آقای احمدزی نکته‌ی دیگری در مورد تفاوت میان یک ارگان مستقل و یک وزارتخانه بیان کرد. او گفت که ارگان مستقل نیاز به تایید کابینه ندارد، پس بدینوسیله موضوعاتی هست که نیاز به اصلاحات دارند.

سخنران سوم در این جلسه کاری پروفیسور توماس جانسون بود. آقای جانسون سخنرانی خود را با معرفی موضوعات مهمی که قصد بیان آنها را داشت، شروع کرد. این موضوعات شامل اهمیت مشروعیت یک نظام (رژیم)، نقص سیستم رای‌دهی افغان‌ها و تمرکز بر روی انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری و همچنین راهکارهایی که در دست است، می‌باشد.

او همچنین در مورد مشروعیت سیاسی در افغانستان نکاتی را بیان کرد. به باور آقای جانسون زمانی که مشروعیت وجود داشته باشد، یک دولت امن است. ولی زمانی که سطح مشروعیت پایین باشد هر اتفاقی ممکن است در زیر اثر یک دولت رخ بدهد. افغانستان و تصور حاضر از آن به نحوی یک حالت مصنوعی از آن درست کرده است. او در مورد تاریخ افغانستان و در مورد اینکه چگونه یک سیستم حکومتی سنتی کارها را انجام می‌داد سخن گفت. آقای جانسون گفت: "مشروعیت در سیستم‌های قدیمی از روی باورهای دینی بوجود می‌آمد. هجوم نیروهای شوروی مشروعیت ارگان‌های افغانستان را ویران کرد. افراد انتخاب شده در راس دولت مستقیماً از شوروی سابق و یا رژیم کمونیست دستور می‌گرفتند که این موضوع یک تاثیر وحشتناک بر زندگی افغان‌ها داشت. ضمناً مخالفت با رژیم کمونیست در کابل تشکیل‌دهنده یک جبهه از خطوط مختلف زبانی بود اما اکثراً توسط اسلامی‌ها مدیریت می‌شد."

او سپس افزود که از ۱۹۹۲ الی ۲۰۰۱ مشروعیت تنها از حمایت‌کنندگان رژیم به دست می‌آمد. او سخنانش را در مورد مبحث تاریخی بعد از ۲۰۰۱ ادامه داد و گفت که چگونه پادرمیانی آمریکا شکست خورد. او تاکید کرد که شکست تنها بر سر کشتن دشمنان نبود، بلکه عدم کار بر روی یک دولت متمرکز مشروع و ارگان‌ها در افغانستان بوده است. او در مورد اینکه چگونه انتخابات غیر قانونی از سال ۲۰۰۴ بر لغو مشروعیت نظام تاثیر گذار بوده، سخن گفت. آقای جانسون افزود که بعد از این مدت طولانی عدم مشروعیت نظام در افغانستان، اکنون این کشور به یک راه جدید برای مشروعیت نیاز دارد.

آقای جانسون در مورد دموکراسی که بر اساس اصلاحات انتخاباتی در ابتدا در افغانستان کار نمی‌کرد، اشاره کرد. او در مورد تیم‌های انتخاباتی که از گروه‌های قومی بزرگتر و حتی طالبان شکل یافته که به طور طبیعی، اما نه به طور گسترده از پشتون‌ها در افغانستان تشکیل شده است، اشاره کرد. به این ترتیب کاندیدان پشتون در حوزه‌هایی که پشتون هستند رای واقعی دارند.

او خاطر نشان ساخت که قومیت‌ها بر اساس گروه قومی رای می‌دهند. افغانستان عمدتاً دولت قومی منحصر به فرد را به حال خود رها کرده و این موضوع چالش‌های جدی برای نهادهای دموکراتیک و نهادهای دولتی و منسجم را ایجاد می‌کند. او سپس این نکته را مطرح کرد که بر این اساس است که هیچ کدام از نامزدهای ملی به دلیل معیارهای قومی-زبان‌شناسی مطرح نشده است.

آقای جانسون گفت که انتخابات پارلمانی هم بی قانونی‌هایی در خود داشت که برگرفته از سیستم انتخاباتی ضعیف و آرای غیر قابل انتقال سرچشمه می‌گیرد. او گفت که آمریکا سیستم رای‌دهی رای فردی غیرقابل انتقال را به افغانستان تحمیل نموده است و پس از آن راهکارهایی ارائه نمود. او گفت که تمامی سیستم‌های رای‌دهی و انتخاباتی افغانستان باید دوباره تنظیم شوند.

به باور آقای جانسون سیستم رای فردی غیرقابل انتقال یک فاجعه واقعی برای یک مجلس قانونگذار است. در صورتی که افغانستان نماینده واقعی دموکراسی باشد، دولت باید تاسیس شود. همچنان باید پروگرام‌هایی در راستای آموزش کارکنان انتخابات وجود داشته باشد که توسط ناظران داخلی و بین‌المللی نظارت شود. تمامی این مسایل باید در انتخابات ریاست جمهوری آینده که در سال ۲۰۱۹ برگزار خواهد شد در نظر گرفته شود. او در اخیر نتیجه‌گیری نمود که سخت است که انتخابات سال ۲۰۱۴ افغان‌ها را با سایر انتخابات مقایسه نماییم. افغانستان باید یک نظر در مورد پروسیجر انتخابات خودش داشته باشد، در همه ابعاد و اصلاحات.

جلسه‌ی پرسش و پاسخ

۱. بعد از استقلال حکومت، ۱۴۰ سال پیش، اگر شما می‌خواهید ساختار افغانستان را تغییر دهید باید در ابتدا روابط افغانستان با جامعه بین‌الملل را تغییر دهید. نظر شما در این باره چیست؟

۲. احمدزی: نظر شما در مورد سیستم انتخابات چیست و از میان چهار سیستم کدام را بهتر می‌دانید؟ آیا سیستم بایومتریک و در کل استفاده از تکنالوژی را ابزاری برای شفاف ساختن می‌دانید؟

۳. جانسون: بنظر شما عامل ایجاد بحران مشروعیت در افغانستان چیست؟

۴. آیا آقای جانسون پیشنهاد خاصی برای حضور معنادار زنان در اصلاحات انتخاباتی دارند و یا خیر؟

شهرانی: "آقای برنی من با تو موافق هستم. زمانی که من عناصر فرهنگ سیاسی در افغانستان را ذکر کردم، من به طور سیستماتیک به آن فکر کردم. موارد فردی وجود ندارد. البته نوع نظامی که توسط عبدالرحمن خان آغاز شده است، من آن را نظام اجاره‌ای می‌نامم

1: SNTV; Single Non-Transferable Vote

و این نظام اجاره‌ای از قدیم در افغانستان رایج بوده است. این مهم است که دولت اقتصاد سیاسی از وابستگی خود خارج شود". او سپس به مقدار پولی که توسط جامعه غربی مصرف شده، اشاره کرد. بنابراین ما نمی‌توانیم روابط خود با جامعه بین‌الملل را قطع کنیم اما ما می‌توانیم آن را سالم‌تر بسازیم تا به نفع ما باشد و ما را از وابستگی رها سازد. بنا ما خودکفا می‌شویم.

آقای شهرانی در پاسخ به پرسش آقای فرید چنین گفت: "داشتن اداره محل توسط خود مردم محل به معنای نداشتن حکومت مرکزی نیست، حکومت مرکزی ضروری بوده اما تقسیم قدرت باید جزئی از اصول باشد."

به باور من قدرت اساسی، قانون‌سازی، تطبیق قانون و نظارت از قانون به دست حکومت مرکزی بوده که این سه مسئله عمده را یک ارگان نمی‌تواند مدیریت کند. دولت مرکزی قانون را ساخته و تطبیق آن را به عهده اداره محلی بگذارد و در نهایت دولت مرکزی از این پروسه نظارت داشته باشد.

احمدزی: من باور دارم که قفل‌ها برای مردم صادق ساخته می‌شوند تا از ورود آن‌ها جلوگیری کنند. تا هنوز هیچ قفلی ساخته نشده تا از ورود یک دزد ماهر جلوگیری کند. در انتخابات آینده ما یک چالش مهم خواهیم داشت که توسط همین سیستم بایومتریک بوجود خواهد آمد. دستگاه بایومتریک به صورت اتومات به یک فرد اجازه پنج بار ثبت اثر انگشت را می‌دهد. در بحث سیستم انتخابات، بدون شک سیستم ما یک سیستم متروک است و انتخاب یک سیستم دیگر به یک اجماع سیاسی ضرورت دارد و من موقف سیاسی ندارم که سیستم ترجیحی خود را بیان کنم.

اما در مورد احزاب سیاسی، آنها نیاز به شکل‌گیری دموکراسی داخلی دارند. ما احزابی داریم که رهبران آن‌ها از چهل سال پیش هستند و یا اینکه این احزاب از کجا حمایت مالی می‌شوند، شفافیت در افزایش بودجه آنها وجود ندارد و تا زمانیکه این مسائل حل نشود، سیستم انتخاباتی چیزی را تغییر نمی‌دهد.

جانسون: آقای جانسون موضوعاتی را در مورد سیستم انتخاباتی رای فردی غیرقابل انتقال ذکر کرد و گفت اگر افغان‌ها این سیستم را برای خودشان انتخاب کردند چرا ما از آن جلوگیری نکنیم؟ همانطوری که می‌دانستیم این یک فاجعه است. در مورد حضور زنان بنظر من زنان باید در تمام ابعاد سیاست حضور داشته باشند و در این سن و سال من متوجه شدم که زنان، مردان بهتری را مدیریت می‌کنند.

جلسه کاری سوم: اقتصاد افغانستان: از دولت رانته تا اقتصاد رو به توسعه

گرداننده: بانو سونیا اقبال

سخنرانان

- علی احمد عثمانی، وزیر پیشین انرژی و آب
- احسان ضیا، وزیر پیشین احیا و توسعه روستاها در افغانستان
- کریستین فیر، استاد دانشگاه جورج تاون

خانم اقبال سخنان خود را با این مقدمه آغاز کرد که بحث اقتصادی در گفتگوهای امنیتی به دو لحاظ مهم است.

۱. جایگاه اقتصادی در امنیت فعلی ما؛



تصویر ۷: از راست به چپ: پروفیسور کریستین فییر، سونیا اقبال، علی احمد عثمانی، احسان ضیا

در جلسه کنونی به سه موضوع که اولین‌اش بحث آب‌های افغانستان و چگونگی مدیریت آن است، پرداخته می‌شود. به حیث کشوری که زیاده‌ترین درآمد داخلی‌اش از سکتور زراعت است و با وجود تمام چالش‌هایی که در قسمت خشکسالی وجود دارد، این موضوع را همه شنیدید که از ۳۰ فیصد زمین قابل زرعی که وجود دارد تنها از ۱۳ درصد آن بهره‌برداری می‌شود. موضوع آب به همین دلیل برای افغانستان مهم است و موضوع دیگر افغانستان به دلیل تامین ضرورت‌های انرژی خود، زیاده‌ترین واردات برق را دارد و هر دو در حالتی ممکن است که ما از منابع طبیعی سرشار برخوردار هستیم و متأسفانه چالش‌هایی در قسمت مدیریت آب‌ها هست.

موضوع دیگر کارایی مساعدت، اولویت‌های کمک‌کنندگان و مالکیت محلی است و در این قسمت می‌خواهیم بدانیم که چقدر کمک‌های دونه‌ها تاثیرگذار بوده و چقدر تاثیر مثبت و منفی داشته است؟

سخنران اول آقای عثمانی در قدم اول از انسیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان به دلیل راه‌اندازی زمینه بحث در مورد مدیریت آب‌های افغانستان، تشکر کرد وی در ابتدا به محدودیت بحث خود پرداخت چرا که بحث او بسیار تکنیکی و فنی است.

به گفته آقای عثمانی بحث‌های مرتبط با منابع آب افغانستان دو جنبه دارد اول بحث‌های داخلی منابع آب و دوم بحث‌های خارجی منابع آب که با وجود موثریت زیاد، برخی آنان چالش برانگیز است.

آقای عثمانی می‌گوید چهار بحث وجود دارد که باید مفاهیم آن باز شود.

۱. اختلاف دیدگاه‌ها در حکومت وحدت ملی بین رهبری حکومت (اشرف غنی) و مدیران منابع آب (ما و همکاران پیشین ما در وزارت انرژی و آب)

۲. موانع توسعه زیرساخت‌های منابع آب در افغانستان

۳. خطوط استراتژیکی که در پلان منابع آب افغانستان تعیین شد.

۴. سیاست‌گذاری یکپارچه در منابع آب

بنابراین آقای عثمانی سخنرانی خود را به موضوع اختلاف دیدگاه‌ها در حکومت وحدت ملی؛ بین رهبری حکومت و مدیران منابع آب اختصاص داد.

به گفته آقای عثمانی ۱۷ مورد اختلاف دیدگاه‌ها بین رهبری حکومت و مدیران منابع آب وجود داشته اما زمان تعیین شده، برای بیان هر ۱۷ مورد کافی نیست. آقای عثمانی می‌گوید: "طوری که ما متوجه شدیم سه نوع اختلاف در حکومت وحدت ملی دیده می‌شود. اول اختلاف موضوعی است که راجب به موضوعات، اختلاف نظر و دیدگاه وجود دارد، دوم بحث‌های شخصی و سوم بحث‌های مختلط است و بحثی که قرار هست ما امروز مطرح بسازیم اختلاف موضوعی در حکومت وحدت ملی است."

اختلافات در حکومت وحدت ملی بسیار گسترده است و نزدیک است که به یک اپیدمی تبدیل شود. در این اختلافات در یک طرف رهبری حکومت وحدت ملی وجود دارد و در سمت دیگر طیف گسترده‌ای از افراد را دربر می‌گیرد؛ از معاونت رئیس جمهور گرفته تا والی، شریک قدرت (رئیس اجراییه)، جنرالان نظامی، همچنان نهادهایی چون شورای ملی، ریاست اجراییه منحصی یک نهاد، احزاب سیاسی منحصی یک نهاد و حتی نهاد شفافیت.

آقای عثمانی در ادامه به اهمیت آب پرداخت و پس از آن به بحران آب اشاره کرد. او گفت: «بحران آب یکی از سه بحران اصلی جهان شناخته شده، با توجه به این مسئله بسیار مهم است که در مورد آب، دیدگاه روشن و مشخصی داشته باشیم و در داشتن دیدگاه دو مسئله مهم وجود دارد: یکی جامعیت و دیگری هماهنگی در دیدگاه بین مدیران مختلف.» آقای عثمانی آب را گنجینه‌ای دانست که از نسل آینده به امانت گرفته شده و با این تعریف باید طوری از آن استفاده کرد که نه منافع امروز قربانی نسل فردا شود و نه منافع نسل فردا قربانی توسعه امروز.

به باور آقای عثمانی اختلاف‌ها با رهبری حکومت وحدت ملی شامل این موضوعات است.

۱. دیدگاه سیاسی در منابع آب. (در ابتدای تشکیل حکومت وحدت ملی در رابطه به مذاکرات دیپلوماسی آب، دیدگاه خاصی وجود نداشت و سردرگمی حاکم بود. بعداً بزرگان حکومت وحدت ملی با توصیه یکی از کشورهای همسایه به یک دیپلوماسی روی آوردند. برای واضح شدن این موضوع، آقای عثمانی دیپلوماسی ۱۴۰ ساله وزارت انرژی و آب را که توسط این وزارت در مرکز پژوهش‌ها استراتژیک وزارت انرژی و آب نامگذاری شده نام برد.

آقای عثمانی گفت در ابتدا دوره دیپلوماسی سنتی و نزاع بود و این دوره از سال ۱۸۷۲ الی ۱۹۴۸ ادامه یافت.

دوره بعدی دوره دیپلوماسی علمی و سنتی آب است که این دوره از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۵۴ ادامه داشت و معاهده هیرمند در همین دوره به امضاء رسید. در این دوره، کمیسیون به نام کمیسیون دلتای هیرمند به هدف مورد مطالعه قرار دادن منابع آب افغانستان تشکیل شد و مسائل آب شرب، آب زراعتی و نیازهای دو طرف را بررسی کند و با توجه به نیازها، به تقسیم آب بپردازد.

به باور آقای عثمانی در این دوره اشتباهات فراوانی از هر دو کشور در مدیریت منابع آب صورت گرفت. شاه ایران در یکی از سخنرانی‌های خود در مورد منابع آب گفت: "هر جا آبی باشد بر روی آن سدی خواهیم ساخت و هر جا آب زیرزمینی موجود باشد از روی اصول و حساب آن را برداشت خواهیم کرد."

در این زمان در افغانستان، اولین پلان توسعه‌وی در سال ۱۳۳۳ شروع شد و چهار پلان توسعه‌وی پنج ساله و یک پلان توسعه‌وی هفت ساله ایجاد گردید.

سومین دیپلوماسی، دیپلوماسی فراموشی آب است که از سال ۱۳۵۷ تا اوایل طالبان جریان داشت. مشکلات افغانستان و بحران آن به حدی بود که مدیریت منابع آب امکان نداشت. در این دوره، مدیریت آب در ایران به عهده مردم بود و از آنجاییکه انقلاب اسلامی در همین سال رخ داد، به منافع مردم که ایجاد کنندگان انقلاب بودند بیشتر توجه صورت می‌گرفت. بنابراین در اکثر مناطق چاه‌های عمیق حفر گردید و فاجعه زیست محیطی رخ داد.

در این زمان مدیریت آب در افغانستان به عهده طبیعت بود که بهترین مدیریت منابع آب در جهان، مدیریت طبیعت است.

در دوره طالبان، دیپلوماسی نزاع مجددا شکل گرفت. در این دوره، ایران با ایجاد سیاست چاه نیمه سازی، طالبان را به مسدود کردن آب‌ها متهم می‌کند.

دوره بعدی دوره حامد کرزی است که در این دوره، دیپلوماسی خاموشی آب حاکم بود و بنا به هر دلیلی با کشورهای همسایه در مورد مدیریت منابع آب صحبت نمی‌شد. در آخر این دوره، یک نوع دیپلوماسی بسیار خطرناک برای هر دو کشور (ایران و افغانستان) موضوعیت پیدا می‌کند و عبارت از دیپلوماسی ابزاری آب است.

در افغانستان آب ابزاری برای حل مشکلات سیاسی و اقتصادی شمرده می‌شود.

اختلافات دیدگاه‌هایی که میان رهبری حکومت وحدت ملی و مدیران منابع آب وجود دارد

۱. دیدگاه سیاسی
۲. دیدگاه جمعیتی
۳. دیدگاه زراعتی
۴. دیدگاه صنعتی و آب شرب
۵. دیدگاه مهار آب افغانستان
۶. دیدگاه تامین مالی
۷. دیدگاه هماهنگی بین مصرف کنندگان
۸. دیدگاه محیط زیستی
۹. دیدگاه خود اتکایی
۱۰. دیدگاه اقلیمی
۱۱. دیدگاه تشکیلاتی
۱۲. دیدگاه بین نسلی
۱۳. دیدگاه تجزیه و یا دیدگاه تخریبی

- ۱۴. دیدگاه سرمایه‌گذاری
- ۱۵. دیدگاه تاریخی
- ۱۶. دیدگاه تعادل بخشی
- ۱۷. دیدگاه مصونیت و خودکفایی

سخنران دوم این جلسه احسان ضیا بود. او سخنرانی خود را با مروری بر گذشته آغاز کرد. آقای ضیاء گفت در سال ۲۰۰۲ افغانستان از هر نظر یک دولت شکست خورده بود که بعد از سقوط رژیم طالبان، از جمله یکی از فقیرترین کشورها در جهان با رقم بالایی از مرگ و میر کودکان و بی‌سوادی محسوب می‌شد. به باور آقای ضیاء این نشان‌دهنده فقدان خدمات دولتی نه بلکه نشان‌دهنده فقر افغان‌هاست. جامعه بین‌الملل بعد از ۹/۱۱ برای مرگ و میر و بازسازی افغانستان کار کرد و افغانستان بیشتر از ۵۷ میلیارد کمک‌های رسمی و موثق را که هدف آن بشر دوستی و پیشرفت افغانستان بود، در سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۵ بدست آورد. او علاوه کرد با وجود کمک‌هایی که صورت گرفته باز هم در حدود ۵۰ درصد از مردم افغانستان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. آقای ضیاء عامل عدم موفقیت افغانستان را موضوعاتی چون عدم اتخاذ تصمیم و پالیسی مشخص در برابر کشورهای کمک‌کننده دانست. «بین سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۸، برنامه توسعه ملی حکومت، به شدت تحت حمایت ظرفیت دیپارتمنت حکومت قرار گرفت»

سپس آقای ضیاء بیان داشت که بعد از سال ۲۰۰۸ تاکنون، فساد به بهانه‌ای برای محروم کردن مالکیت ملی تبدیل شده است. او گفت من تجربه شکست پروژه‌های بزرگ در ساختار موازی که به عنوان درس‌های آموخته شده یاد می‌شود دارم اما کوچک‌ترین اشتباه در پروژه‌های دولت را به فساد تعبیر می‌کنند.

او سپس به گزارش اداره ویژه‌ی بررسی کمک‌ها آمریکا برای بازسازی افغانستان اشاره کرد و گفت با توجه به این گزارش، ایالات متحده آمریکا در حدود ۱۱ میلیارد دلار برای از بین بردن خشکسالی مصرف کرده است اما هنوز خشکسالی در افغانستان وجود دارد. او گفت که یک موفقیت بزرگ در مبارزه با مواد مخدر در سایر کشورها، سرمایه‌گذاری در شرکت‌های کوچک است. او همچنان اشاره کوچکی به صادرات و واردات افغانستان داشت، اینکه چگونه افغان‌ها چیزهای بسیار کوچک را وارد و صادرات در افغانستان هنوز خاموش است و خاطر نشان ساخت که آنچه در افغانستان همچنان نامعلوم است، شغل مردم و درآمد برای توسعه مردم است. اما همه این موضوعات به واسطه حکومت موازی بوجود آمده است و این منصفانه نیست که افغانستان را سرزنش کنیم و او را تنها بگذاریم. همچنان در بعضی بخش‌ها مانند تحصیلات، صحت و سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی پیشرفت وجود دارد. او گفت که تجزیه و تحلیل دقیق کمک‌ها نشان می‌دهد که ما نتایج ملموس داریم و مهمترین آنهایی هستند که متعلق به رهبری ملی در کشور هستند.

در نتیجه دستاوردها شامل موارد زیر است: ایجاد ۴۸۶۴۷ شورای انکشافی ولسوالی (شهرستان)^۲ انتخاب دموکراتیک در سراسر افغانستان، اجرای ۸۵۲۰ پروژه جایگزین و افزایش مشارکت جامعه از ۲۰۴ میلیون دلار، که برای اولین بار در تاریخ کشور است.

سخنران سوم این جلسه خانم کریستین فیر سخنرانی خود را با موضوع حفاظت از چابهار در برابر تحریم‌های اخیر که برای ایران رخ داده و سخنرانی آرگاشیف در ارتباط با افغانستان شروع کرد. او تأکید کرد که سخنرانی‌اش ممکن است برای خیلی‌ها جدید نباشد اما ترجیح می‌دهد موضوعاتی در مورد جامعه بین‌الملل و نقش آنها در این پروژه بگوید. خانم فیر گفت چیزی که چابهار را به یک

²: Special Inspector General for Reconstruction of Afghanistan (SIGAR)

³: Community Development Councils

موضوع مهم تبدیل می‌کند این است که بندر چابهار یک بندر بارزش است، افغانستان گزینه‌های دیگری بغیر از پاکستان دارد که البته این یکی از دلایلی است که پاکستان در مورد چابهار بسیار نگران است و شاید علت حملات زیادی که در بزرگراه زرنج دلارام صورت می‌گیرد همین مسئله باشد.

او صحبت‌های خود را در مورد توافقنامه‌ای که هند و ایران در سال ۲۰۰۱ برای شروع همکاری در بندر چابهار انجام داده بود، ادامه داد. زمانی که ایران تحت تحریم‌ها قرار گرفت و هند فعالیت خود را متوقف ساخت. او درباره امنیت گفت: "این یک ایده بسیار بد بود. از آنجایی که وقتی هندی‌ها به عقب برگشتند چینی‌ها مداخله کردند، زیرا ایرانی‌ها نسبت به ساخت این بندر بی‌تفاوت هستند، اما مهم است که این بندر ساخته شود.

خانم فیر در ادامه به اهمیت چابهار برای بازیگران این منطقه اشاره کرد. او گفت چابهار برای افغانستان می‌تواند گزینه‌ای برای مستقل شدن از پاکستان باشد. برای هند نیز چابهار مهم است زیرا پاکستان دسترسی هند به ارتباطات زمینی را رد می‌کند و برای ایران چابهار تنها راهی است که هند به معنای کامل می‌تواند به سایر مناطق آسیای مرکزی دسترسی داشته باشد. همچنان چابهار بخشی از کریدور شمال-جنوب است که بنا به ایده مطرح شده از سوی هند، ایران و روسیه کالاها از طریق این بندر به سایر نقاط آسیا و حتی به اروپا برسد.

کریستین فیر گفت دلیل اینکه ایالات متحده آمریکا و همکار افغان او نمی‌توانند پاکستان را تحت فشار بیاورند استفاده از فضای هوایی است که امریکایی‌ها برای پرکردن مجدد ذخیره‌گاه‌های خود از آن استفاده می‌کنند و یا به خطوط ارتباطی پاکستان دسترسی پیدا کنند.

او علاوه کرد که برجام فرصتی برای سرمایه‌گذاری چابهار بود. خانم فیر گفت به نظر من در ابتدا باید همکاران متفاوتی را که به حفظ افغانستان علاقمند باشند، باید انتخاب شود و سپس به موضوع مکانیزم‌های سرمایه‌گذاری که سرمایه‌گذاران چابهار را تشویق کند، فکر کنند.

به باور خانم فیر چابهار تنها یک بندر نیست، نیاز هست تا تمام تجار را همکار ساخته شوند تا یک اکولوژی تجاری که چابهار را به یک مرکز حمل و نقل پایدار بسازد، ایجاد شود. خانم فیر گفت چیزی که نگران آن هستم جستجو برای تدارکات مالی است که برای دفع ایالات متحده آمریکا قوی است. اکثر مردم توقع دارند که رئیس جمهور ترامپ نیروهای خود را پس بگیرد، اما او گفت آنها افغانستان را از دست خواهند داد. افغانستان از نگاه اقتصادی، کشتی است که در حال غرق شدن قرار دارد. خانم فیر گفت: "شما منابع بر روی زمین دارید اما باید منابع خود را به بازار برسانید به عبارت دیگر نگرانی امنیتی موضوع دوم بعد از اقتصاد است."

جلسه‌ی پرسش و پاسخ

- فییر: چگونه می‌توانیم رفاه هرات و تمام افغانستان را نگه داریم؛ دستکم جاده بزرگی که بسیار تاریخی است همانطور که نماینده ازبکستان یادآوری کرد به صورت مدرن، بازسازی کنیم؟
- عثمانی: آیا ما متخصصین منابع آب در افغانستان داریم؟ اگر نه چرا آموزش نمی‌دهید؟ دوم اینکه آیا حقیقت دارد که متخصصین ما در برابر پاسخ دادن به ایرانیان ناموفق بودند؟ سوم نیروهای پاکستانی در تلاش نزدیک شدن به منابع آبی ما هستند تا بعدا ادعای شراکت در منابع آب داشته باشند، آیا این موضوع حقیقت دارد؟
- ضیاء: لطفا سه نوع از خدماتی که برای توسعه افراد روستانی صورت گرفته و البته موثر هم بوده باشد را ذکر کنید؟

- فییر: حقوق بین الملل در مورد کشورهایی که به آب‌های باز دسترسی ندارند چه توضیحی دارد؟
- عثمانی: آیا شما در برنامه خود، پروگرامی برای راه‌اندازی مجدد آب دارید؟
- ضیاء: اگر برنامه همبستگی ملی نتایج مثبتی داشته چرا فقر در افغانستان از ۳۳ درصد به ۵۵ درصد رسیده است؟
- فییر: نظر شما در مورد توافق‌نامه ابتکار یک کمربند یک راه میان افغانستان و چین چیست؟ آیا فکر می‌کنید می‌تواند نقطه فشاری باشد بر قدرت امریکا و فکر می‌کنید CPEC نتایج مثبتی برای دو کشور خواهد داشت؟
- فییر: آیا می‌توانید بگویید چگونه تحریم‌ها تاثیر کمی بر روی بندر چابهار می‌گذارد؟
- عثمانی: اختلاف اصلی میان شما و حکومت چی بود؟

عثمانی: همانطوری که گفتم ۱۷ مورد اختلاف دیدگاه با رئیس جمهور وجود دارد. دو موضوع در رابطه به منابع آب وجود داشت، یکی مدیریت یکپارچه منابع آب و دیگری حکمرانی منابع آب.

ما مجبور هستیم که در بحث منابع آب، موضوعات سیاسی و تخنیکی را جدا بسازیم. ما نمی‌توانیم حقوق کشورهای همسایه را به دلیل مشکلات سیاسی که داریم ضایع بسازیم. بنابراین ما دیپلوماسی علمی را پیشنهاد کردیم که بر مبنای شناخت واقعیت‌های موجود گذاشته شده است.

در مورد موضوع آقای حفیظی، باید بگویم که ما دیپلوماسی چند لایه را برای تمام شاخه‌های افغانستان معرفی کردیم از آن جمله با ترکمنستان دیپلوماسی هرپرود مرغاب را داشتیم. در مورد موضوع ظرفیت سازی، ظرفیت سازی یک پدیده نسبی است؛ اما حکومت در قسمت ظرفیت سازی خصاصت به خرج می‌دهد و برای ضرورت‌های ظرفیت‌سازی هزینه‌ای نمی‌پردازند.

ما در دو بخش با ایران مذاکرات داشتیم. یکی کمیساریای آب هیرمند و دیگری دریای هرپرود و هیرمند.

در مورد هیرمند باید بگویم که این موضوع بسته شده است. اما در مورد کمیساریای آب، نقطه ضعف‌ها و نقاط قوت ما، دو مرتبه این مذاکره صورت گرفت. در این مذاکرات، من به همکارانم گفتم شما مجبور هستید از ایران این اعتراف را بگیرید که حق شما در آب‌های افغانستان داده شده است. در پاکستان نیز مطالعات عمیق صورت گرفته و حتی یک مرتبه مذاکره نیز با آنان صورت گرفت. به همین قسم دیگر بخش‌ها.

فییر: به دیدگاه من قدرت ایالات متحده امریکا در حال کاهش است. خانم فییر گفت اجتناب ناپذیر است که امریکا نفوذ خود را کاهش داده باشد. قدرتهای دیگری هم وجود دارند که می‌توانند این پل را بسازند و من فکر می‌کنم چین یکی از آنهاست. من می‌خواهم بگویم کریدور اقتصادی پاکستان و چین هست. اولاً باید بگویم که گوادر یک بندر مناسب اقتصادی نیست. در حقیقت حتی کراچی در آن ظرفیت نیست.

در مورد ابتکار کمربند و راه، در حقیقت من کدام جایگزینی برای چین نمی‌بینم.

ضیاء: اولین موضوع دسترسی به جاده‌ها است. این اولین بار است که دو روستا به هم متصل می‌شوند. در هرات صدها روستا وجود دارد که توسط پروگرام همبستگی ملی به برق دسترسی پیدا کردند و همچنان به آب آشامیدنی. و سوال در مورد افزایش فقر؛ شما نمی‌توانید وضعیت اقتصادی یک روستا را با مقیاس کوچک سرمایه‌گذاری که در روستاها صورت می‌گیرد، تغییر دهید. پروسه

⁵: China-Pakistan Economic Corridor

⁶: Build and Road Initiative

همبستگی ملی بیشتر از ۶۰ هزار دالر دارد. پیشرفت اقتصادی به طور اساسی مرتبط به فعالیت‌های اقتصادی است. افغانستان این ظرفیت را دارد که کالاهای وارداتی را با سرمایه‌گذاری در آن روستاها جایگزین کند. ما دستکم حدود ۲۰-۳۰ نوع نیازهای پایه در کشور داریم.

جلسه کاری چهارم: افغانستان و چانه‌زنی بزرگ در آسیای جنوبی

گرداننده: پروفسور بارنت روبین، مرکز همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه نیویورک

سخنرانان

- جاوید لودین، معین پیشین وزار امور خارجه افغانستان
- افراسیاب ختک، سناتور پیشین سنای پاکستان
- گوتام موکپدایی، سفیر پیشین هند در افغانستان

پروفسور روبین این پنل را با بیان چند نکته در مورد موضوع جلسه آغاز کرد. او گفت در عنوان این جلسه کاری اشتباه کوچکی صورت گرفته چرا که افغانستان با کشورهای دیگری نیز هم‌مرز است. بنابراین این عنوان باید چانه‌زنی با آسیا باشد نه تنها آسیای جنوبی.



تصویر ۸: از راست به چپ: سفیر گوتام موکپدایی، پروفسور بارنت روبین، افراسیاب ختک، جاوید لودین

جاوید لودین اولین سخنران این جلسه کاری بود. او سخنرانی خود را در مورد این موضوع که آیا افغانستان فراتر از پاکستان است، آغاز کرد. و در پاسخ به این پرسش، خود گفت بله. او گفت همیشه یک راه گریزی وجود دارد و دولت وحدت ملی تلاش کرد تا راه خود را پیدا کند اما شکست خورد.

آقای لودین گفت ما تلاش می‌کنیم تا پاکستان را صادقانه متعهد بسازیم اما جواب نداد، ما در رابطه با پاکستان تعهدات ناکارآمد داشتیم اما این حکومت کمبود شفافیت در رویکرد خود نسبت به تعهدات دارد. آقای لودین گفت آنها تلاش کردند تا پشت درهای بسته این کار را انجام دهند.

آقای لودین یادآوری کرد زمانیکه دوستان غربی به افغانستان آمدند او در مورد پاکستان با آنها صحبت کرد و آنها این را از طریق رسانه‌ها منتشر نکردند و از دیپلوماسی در مقابل آن استفاده کردند. او تذکر داد که در اینجا در عوض حل مشکل، موضوع عمیق‌تر شد. او ادامه داد که ما در ۱۷ سال گذشته همیشه شکایت داشتیم که پاکستان جزیی از مشکل است نه بخشی از راه حل آن. او سوالی را در مورد تغییرات در پاکستان اضافه کرد. چه چیزی در پاکستان تغییر خواهد کرد؟ آیا پاکستان امیدوار است که بتواند آینده‌ای برای روابط دو کشور باشد؟ او ادامه داد که طرف پاکستان و افغانستان بر سر بعضی موضوعات باهم اختلاف و نزاع دارند و یکی از این اختلافات خط دیورند میان افغانستان و پاکستان است. او این نکته اضافه کرد که پاکستان همیشه از یک موضع قوی با افغانستان معامله کرده است و این موضوع بعضی مشکلات را می‌تواند بوجود بیاورد. علاوه بر این هیچ کس در افغانستان نمی‌تواند در مورد خط دیورند بحث کند مگر اینکه یک توافق سیاسی در مورد این موضوع وجود داشته باشد.

موضوع دیگری که او اضافه کرد ناامنی در تاسیسات پاکستان بود، رابطه میان هند و پاکستان و اینکه چگونه افغانستان یک ملت هندی ماب است که حتی سیاست آن‌ها در این شکل قرار دارد. او بر این موضوع تاکید کرد که در افغانستان باید بر یک الگوی امنیتی پسا پاکستان فکر شود. **او گفت: "ما نقش فزاینده چشمگیر پاکستان را در افغانستان می‌بینیم که نقش آنرا در این کشور کاهش داد."**

عنصر دیگر این الگوی امنیتی پسا پاکستان، نقش ایالات متحده آمریکا بود که وی در مورد آن صحبت کرد. او گفت که اکنون آمریکا به صورت کامل در بورد پروسه صلح قرار دارد. او گفت این موضوع می‌تواند نکته مثبتی برای افغانستان و پروسه صلح باشد. او سپس نکاتی در مورد طرح صلح در افغانستان ارائه کرد و گفت آتش بس به معنای صلح نیست. این یک هدف کوچک و محدود است، هدف واقعی یک دولت غیرمتعارف است؛ همان چیزی است که افغانستان پس از پایان جنگ به نظر می‌رسد و طالبان عقب‌نشینی کرده و بعضی توافقات صورت می‌گیرد و آقای لودین گفت این چیزی است که باید افغان‌ها انجام دهند. ما شاهد آزادی ملا برادر از زندان‌های پاکستان توسط خلیلزاد هستیم که سال‌ها ما تلاش کرده بودیم اما نتوانسته بودیم او را رها بسازیم. این نشان می‌دهد که چگونه مردم پاکستان می‌توانند روند صلح تحت رهبری افغان را ببینند. او تاکید کرد که این منطقه می‌تواند افغانستان را برای خود ببیند اما این پروژه‌ای برای آمریکا نیست که خود را درگیر بسازد بنابراین برای افغان‌ها بسیار مهم است که رهبری پروسه‌هایی مانند استانبول را به عهده بگیرند.

افراسیاب ختک دومین سخنران این جلسه کاری بود. او سخنرانی خود را با تاکید بر حرف‌های آقای روبین در مورد مرزهای افغانستان آغاز کرد. وی خاطر نشان ساخت که اکنون جنوب آسیا قضیه‌ای است برای آغاز مجدد همکاری‌های منطقه و زمانیکه همکاری‌های منطقه‌ای باشد نمی‌تواند با کشورهای دیگر رقابت کند.

او چیزهایی در مورد سارک و اینکه چگونه کار می‌کند گفت، دخالت افغانستان در اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا⁷ عملکرد آن. او گفت که سارک تاکنون کار نمی‌کند.

برمی‌گردیم به پاکستان، من فکر می‌کنم پاکستان یک کشور بسیار مهم است که از جمعیت بالایی برخوردار است و یک منطقه با تمدن دارد و یک پوتانشیل قوی برای توسعه اقتصادی، اما جای تاسف است که پاکستان تحت تقصیر سیاست‌های تحریف شده از دیکتاتورهای نظامی است. این نوعی اتهام و توجیه کردن آن در برابر بعضی چیزهاست، چرا که سیاست‌های پاکستان، به خواسته‌های مردمش پاسخ نمی‌دهد. سیاست‌های افغانستان برای پاکستان از سال‌های ۱۹۸۰ آغاز شد، این بخشی از استراتژی بزرگ قدرت‌های غربی برای شکست دادن اتحاد جماهیر شوروی بود. در این سیاست، سیاست‌های کوچکتری وجود دارد که برنامه‌های پاکستان را دنبال می‌کنند و این سیاست در مورد این بود که چگونه افغانستان را تضعیف کند و متاسفانه برای چهل سال ادامه یافت. آقای ختک در مورد جنگی که پاکستان در افغانستان دارد ادامه داد. او گفت که پاکستان چهار بار در افغانستان جنگیده است. اولین بار در سال ۱۹۸۰ الی ۱۹۸۹، دومین بار ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۱ در این دوره پاکستان بصورت آشکار از طالبان حمایت می‌کرد. سومین بار در سال ۹/۱۱ در سال ۲۰۰۳ که طالبان دوباره تشکیل گروه دادند. او گفت که مشکلات در روابط بین دو کشور نتیجه سیاست‌های احمقانه‌ای است که توسط دولت آنها ساخته شده است. او نمونه‌ای از خط مرزی که بصورت یک جانبه بسته است را ذکر کرد. او گفت: "تجارت مانند آب است، اگر تو یک راه را ببندی راه دیگری باز می‌کند." او موضوعاتی را در مورد شکست پاکستان در دست یافتن به کشورهای آسیای مرکزی بیان کرد. آقای ختک گفت ۴۰ درصد از شهر کراچی تحت تسلط طالبان است. در نتیجه دو فرصت برای منازعه در افغانستان وجود دارد. اول پس از عقب‌نشینی اتحاد جماهیر شوروی بود که در آن زمان بسیاری از چهره‌ها رویکرد اصلاح‌گرایانه داشتند. دومین موضوع مهم در زمان کنفرانس بن بود. من فکر می‌کنم ایده‌هایی که اکنون تولید می‌شوند، ایده‌هایی بودند که باید در آن زمان بر روی آنان تمرکز صورت می‌گرفت. این زمان برای مصالحه مناسب بود اما نادیده گرفته شد آقای ختک گفت این موضوع دوباره زنده شد و من شک دارم که کار خواهد کرد. آقای ختک به توافق‌نامه‌ای که میان پاکستان و طالبان امضا شد، اشاره کرد. او گفت ۱۲ توافق‌نامه امضا شده بود و هیچکدام آنها عملکرد خود را نداشته و بنا با شکست مواجه شدند. به گفته آقای ختک، این توافق‌نامه‌ها در افغانستان موفق نخواهند بود. طالبان هنوز مکاتب را آتش می‌زنند، دختران را سنگسار می‌کنند و بمب‌گذاری می‌کنند. آقای ختک گفت بنابراین با در نظر داشت تمام چهره‌ها افغانستان نیاز به همکاری دارد.

گوتام موکپدایی آخرین سخنران این جلسه کاری بود. سفیر گوتام سخنرانی خود را در ارتباط به چیزهایی که آقای لودین، ختک و روبین گفت، آغاز کرد. بعضی نکاتی در مورد نقطه ضعف‌های این جلسه کاری مختصر و کوتاه.

اما مسئله هند و پاکستان موضوع کلیدی در این شرایط پاکستان نیست. اما می‌توانم حداقل دوازده مورد را نام ببرم که چرا اینگونه نیست و چرا چنین رویکردی اشتباه است. سپس او گفت که ایده پاکستان-هند طی ۱۵-۲۰ سال گذشته پس از طالبان رشد کرده است.

این یک ایده بسیار تاریخی و پس از استعمار است و او تاکید کرد که این موضوع در دوره معاصر افغانستان وجود نداشت و زمانی آغاز شد که طالبان موضوع اصلی را گم کردند و کسانی که به دنبال ایجاد پیوند میان هند، پاکستان و افغانستان هستند.

⁷: South Asian Association for Regional Cooperation (SAARC)

او سپس در مورد جنگی که هندوستان با پاکستان دارد سخنرانی خود را دامه داد و گفت: "ما استقرار بدست آوردیم، ما چهار جنگ رسمی داشته‌ایم ۱۹۴۸، ۱۹۶۵، ۱۹۷۱ و سپس جنگ کانگال.

افغانستان در طول تنش بین افغانستان و پاکستان هرگز بازیگر نبود و از عدم شناخت پاکستان در سال ۱۹۴۷ آغاز شد.

او ادامه داد و گفت به این زودی راه‌حلی برای مشکل خط دیورند نیست. اما هر دو افغانستان و هندوستان با پاکستان در مورد تروریست مشکل دارند و حتی او گفت که راه‌حلی برای مشکل صادر کردن تروریسم وجود ندارد. "در میان این سه کشور، هیچ معامله دو جانبه و یا سه جانبه‌ای را نمی‌بینیم آیا می‌توانیم معامله بزرگ را در میان سایر شرکت‌کنندگان مشاهده کنیم؟ آقای موکپدایی گفت غیرقابل دیدن است، دستکم نه در چهارچوب فعلی.

او یادآوری کرد که افغانستان کشوری با منابع طبیعی زیادی است، او اضافه کرد که با سرمایه‌گذاری بر این منابع افغانستان، می‌تواند فرصت‌های زیادی را بوجود بیاورد. آقای موکپدایی گفت که اکنون زمانی است که باید یکبار دیگر در مورد داد و ستدهای کلان در چهارچوب اقتصاد افغانستان صحبت صورت بگیرد و ایالات متحده آمریکا، هند، چین، ایران، روسیه، پاکستان و تمام کشورهای همسایه در آسیای مرکزی آورده شوند و ببینیم کدام ارزش بیشتری به محصولات اولیه و منابع طبیعی در افغانستان قائل هستند. او به یک ابتکار دیپلوماتیک فکر می‌کرد تا ویژگی‌های اساسی پروسه قلب آسیا را ترکیب کند اما در اقتصاد افغانستان نیز سرمایه‌گذاری به ارمغان بیاورد.

او گفت: "متأسفم اگر در مورد بعضی موضوعات دیگر بسیار بدبینانه بنظر می‌رسد، اما این تنها منطقه‌ای است که من امکان معادله‌های بزرگ را می‌بینم. شاید همه فایده مساویانه بدست نیآورند، امکان دارد بعضی برنده شوند بعضی ببازند و بعضی دیگر تباہ شوند اما دستکم این رهنمودی برای معادله و داد و ستدهای بزرگ است."

جلسه‌ی پرسش و پاسخ

- ختک: پاکستان از افغانستان چه می‌خواهد؟ شما می‌خواهید امارت طالبان به افغانستان برگردد و یا می‌خواهید که افغانستان خط دیورند را به رسمیت بشناسد؟ لطفا بصورت واضح و روشن پاسخ بدهید.
- لودین: بنظر شما شورای کویته و شورای پشاور که در پاکستان است را به کجا باید منتقل کرد؟
- ختک: ما باید چه کنیم تا از پاکستان رهایی یابیم؟
- لودین: حضور جامعه بین‌الملل و کشورهای منطقه را در پروسه صلح افغانستان تا چه حد می‌بینید؟ و فکر می‌کنید چه زمانی اتفاق خواهد افتاد؟
- ختک: فکر نمی‌کنید خیلی ریالیستی باشد اگر ما فکر کنیم پاکستان در عوض حمایت از طالبان و گروه‌های تروریستی باید بر روی موضوعات اقتصادی در آسیای مرکزی توجه کند؟
- لودین: آیا سیاست خارجی افغانستان در برابر جامعه بین‌الملل و کشورهای منطقه محتاطانه نیست؟
- از همه: آیا شما تغییری در سیاست پاکستان نسبت به افغانستان دیده‌اید؟ اگر تغییری کرده است لطفا بیان کنید.
- موکپدایی: آیا شما فکر می‌کنید که با ساختار فعلی دولت افغانستان، این خوش بینی واقعی است؟
- لودین و ختک: آیا صحبت در مورد خط دیورند یک تابو است؟

سفیر گوتام موکدایی: در چارچوب سرمایه‌گذاری، من قدردانی می‌کنم از پروفیسور نظیف شهرانی که این مسئله را ایجاد کردند و من نسبت به آن خوش‌بین هستم. من باید واضحانه بگویم که در مورد دیگر قضایا من بدبین بودم اما این تنها منطقه‌ای بود که مرا امیدوار می‌کند و این با خوش‌بینی متفاوت است و مطمئناً نیاز به تلاش دارد اما من فراموش کردم که پیشرفت‌هایی که در مدت زمان پنج سالی اخیر که افغانستان را ترک کرده بودم، یادآوری کنم. در جریان این سال‌ها پیشرفت‌های قوی در ارتباط به افغانستان وجود داشت. شرایط استخراج منابع طبیعی، بهره‌برداری، افزایش ارزش و برون‌بری. شما چابهار را دارید که در حال توسعه است و من یک بار دیگر موافق هستم که ما به چین و هند نیاز داریم تا راه‌حلی را برای زنده ماندن پروژه چابهار در نظر بگیریم. شما شاید با خط ریل ازبکستان متصل شوید چیزی که ما امروز صبح در مورد آن بحث کردیم. دوم، دهلیز لازولی، یک پیشرفت جدید داخلی تا به امروز، خط انتقال گاز تاپی، پروژه کاسا یک‌هزار، دهلیز بین‌المللی شمال و جنوبی که در جریان است و فوایدی که می‌تواند به دنبال داشته باشد و بعضی پروژه‌های دیگر تحت نظر پروژه ابتکار کمربند و راه، رفتن به سمت آسیای میانه، این‌ها حداقل انگیزه‌های ارتباطی هستند که می‌توانند منطقه را با هم متصل کنند. با توجه به سؤال در مورد ساختار، ساختار یک سیستمی است که از اهداف پیروی می‌کند، بنا اگر شما اهداف درست را داشته باشید، شما ساختارهایی که این اهداف را دنبال می‌کنند نیز خواهید داشت. بنابراین اگر اهداف درست باشند، چگونه می‌توانیم افغانستان را از طریق سرمایه‌گذاری به یک تئاتر همکاری در اقتصاد تبدیل کنیم. در منابع طبیعی و تولیدات مقدماتی در زراعت و دیگر بخش‌ها ما به ساختار آن فکر می‌کنیم حتی در مسئله پلان‌های بین‌المللی.

در سه روز گذشته ما در یک کنفرانس مشترک میان آمریکا، هند و چین بودیم و در مورد امکان همکاری‌ها برای افغانستان صحبت می‌کردیم. ما دریافتیم که همکاران چینی به ایده همکاری نزدیک هستند، نه تنها به بخش‌های نرم افزاری مثل آموزش که ما شروع کرده‌ایم، بلکه برای ایده‌هایی از قبیل امنیت.

بنابراین شما می‌دانید که بعضی گرایش‌های مثبتی هم وجود دارد. برای پرسش آخر و اشاره‌ای به سوال خانم رضایی، من این موضوع را تا مدت زمان طولانی احساس می‌کردم و تا آنجا که به افغانستان مربوط می‌شود، چیزهایی هستند که افغانستان در رابطه به آن کاری کرده نمی‌تواند و چیزهایی هم وجود دارد که در مقابل می‌تواند کارهایی انجام دهد. افغانستان می‌تواند در برابر پاکستان و پالیسی او کاری را انجام ندهد و من فکر می‌کنم امید زیادی برای تغییر در این کشور وجود دارد. افغانستان نمی‌تواند در مورد طالبان که خارج از دست‌های آنان است، کاری انجام دهد اما باید به تلاش‌های خود ادامه دهند. افغانستان در مورد سیاست امریکا کاری انجام داده نمی‌تواند، اگر امریکا تصمیم بگیرد که بماند خیلی خوب و اگر تصمیم بگیرد که برود چیزی نیست که افغانستان بتواند انجام دهد. اما چیزی هست که افغانستان توانایی انجام آن را دارد و آن

جلسه کاری پنجم: طالبان: آنان چه می‌خواهند؟

گرداننده: نادر نعیم، معاون شورای عالی صلح

سخنرانان

- نظر محمد مطمئن، خبرنگار
- رابین لین روفل، مشاور ارشد مرکز مطالعات استراتژیک بین‌المللی آمریکا
- شاه‌گل رضایی، عضو مجلس نمایندگان افغانستان
- بشرا گوهر، عضو پیشین سنای پاکستان



تصویر ۹: از راست به چپ: شاه‌گل رضایی، بشرا گوهر، رابین رافل، نادر نعیم و نظر محمد مطمئن

آقای مطمئن سخنرانی خود را با ذکر نکاتی که مرورگر فرایند صلح جاری و موانع پیش روی آن بود، آغاز کرد.

او در ابتدا گفت با وجود تلاش‌هایی که در یک دهه گذشته، برای پروسه صلح انجام شد؛ اما یک مشکل اساسی وجود داشت که حقیقت‌ها به درستی درک نمی‌شد و در عوض توجه به خواسته‌های اساسی طالبان، تلاش شد آنان را حذف و یا در کمترین حد ممکن وارد مذاکره بسازند.

به باور آقای مطمئن هدف اکثر برنامه‌های صلح، مدغم‌سازی طالبان با سیستم فعلی حکومت است و عامل برجسته در ناکامی برنامه‌های صلح، عدم توجه به خواسته‌های اساسی آنان است.

آقای مطمئن به این باور است که خواسته‌های عمده طالبان دو چیز است، ۱. حذف کامل نیروهای خارجی، البته بر اساس زمان‌بندی منطقی و یک فرایند سیستماتیک همراه با تضمین‌های جهانی ۲. ایجاد نظام اسلامی که از تمام افغان‌ها نمایندگی کند، محافظ فرهنگ کشور و تمام ارزش‌های دینی بوده و بر روی مسئله اعتدال استوار باشد.

اکثر مردم در مورد طالبان با یک سوء تفاهم شدید روبرو هستند، گمان می‌کنند که طالبان امارت اسلامی منحصر به فرد و یا انحصاری و یا هم‌ساحه جغرافیایی مشخصی را برای حکومت‌داری می‌خواهند و به دیگر گروه‌های سیاسی اعتقاد و باور ندارند و حالا با برگشت مجدد آنان به کشور، فصل جدیدی از جنگ پایان‌ناپذیر داخلی باز خواهد شد.

به باور آقای مطمئن چند دلیل برای این سوء تفاهم وجود دارد. در ابتدا؛ جنگ‌های داخلی که کشور را با خطر تجزیه مواجه ساخته بود، عامل اصلی ظهور طالبان در افغانستان شد و به همین دلیل، ایجاد یک نظام قوی مرکزی برای حذف جنگ و سردرگمی‌ها ضرور است. به گفته مطمئن طالبان به اندازه کافی متوجه خطاهای سیاسی گذشته هستند و دوباره آن اشتباهات را تکرار نخواهند کرد.

سوء تفاهم دیگر در مورد طالبان این است که آنان دستاوردهای دوازده سال گذشته را به خطر مواجه می‌سازند اما به باور آقای مطمئن آنان به ارزش‌های دینی مانند آزادی بیان، آموزش زنان، حقوق بشر، روابط پسندیده با کشورهای همسایه و دیگر کشورهای جهان، متعهد هستند.

آقای مطمئن به این باور است که خروج نیروهای خارجی از افغانستان توسط ایالات متحده آمریکا و ناتو با تضمین اعلام خواهد شد، طالبان نیز آتش‌بس را اعلام خواهند کرد و همراه با دیگر سیاستمداران افغان برای ساختن یک دولت و حکومت جدید توافق خواهند کرد.

آقای مطمئن سخنرانی خود را با بیان چند مانع بر سر راه صلح ادامه داد.

۱. تاکید بر حضور برخی نیروهای خارجی، به صورت دائمی و یا هر شکل دیگر

۲. تاکید بر اینکه طالبان باید قانون اساسی فعلی را قبول کنند و با نظام فعلی یکجا شوند.

۳. در ارتباط به صلح، استراتژی واضحی وجود ندارد.

رابین لین روفل دومین سخنران این جلسه کاری بود. او صحبت‌های خود را با توجه به این که یک شهروند آمریکا و یک دیپلمات سابق حکومت آمریکا هست، شروع کرد. او سپس ادامه داد: "من مدافع ایالات متحده آمریکا نیستم تا پروسه صلح را اولویت‌بندی کنم. از زمانی که طالبان مانعی برای پیشرفت تلقی می‌شوند، نیاز به صحبت با آنان است و در نهایت یک فرد مسوول که در راس قضیه باشد همانند زلمی خلیلزاد که بنده خیلی خوشحال هستم که ایالات متحده وی را در این جایگاه قرار داده است." او ادامه داد که موقعیت بیشتر از هر زمان دیگری پیچیده است و چهره‌های برجسته زیادی وجود دارد و امکان اضافه شدن به آنان هم هست. او کشورهای ایران، روسیه، داعش و ... را نام گرفت. وی در مورد وضعیت بدتر و عواقب آن برای همه اظهار نظر کرد و گفت که رئیس جمهور ترامپ از جنگ در افغانستان ناامید شده است و این مسئله می‌شود.

این تمرکز بر خصوصی‌سازی جنگ در افغانستان است و مسئله‌ای که دولت افغانستان بر ورود به طالبان به نظام سیاسی متمرکز است. در مورد پاکستان او گفت: در مورد پاکستانی که من می‌توانم برای آنها صحبت کنم، اما من حدس می‌زنم که آن استراتژی عمیق و دیدگاه که پافشاری بر ایجاد رعب و وحشت در کابل بود دیگر حقیقی و قابل تطبیق نخواهد بود، افغانستان اکنون با دنیا

وصل شده است و خودش بیشتر از هر جانبی تعیین‌کننده سرنوشت خودش است. او همچنین در مورد سیستم سیاسی پاکستان، بحران اقتصادی که آنان دارند و مشکلاتی که با طالبان پاکستانی دارند سخن گفت. آخرین موضوعی که او اشاره نمود در مورد افغانستان و مردمش بود. هنوز بحث روی مردم افغان وجود دارد، او گفت برای مردم افغانستان، آنان همیشه در پروسه‌ی صلح از صداقت کار گرفتند و از آتش بس همیشه حمایت کردند. اینان خسته از جنگ‌اند و صلح می‌خواهند، اکنون شرایط ویژه‌ای بوجود آمده است، اما با این حال هنوز فرضیاتی وجود دارد که بعضی احزاب آیا خواستار صلح‌اند و یا خیر...

من فکر می‌کنم واقعا مهم است که به برخی از این فرضیه‌ها که آنها را به بهترین نحو ممکن به چالش می‌کشد نگاه کنیم، یکی از این فرضیه‌ها که ما برای مدت زمان طولانی شاهد آن بوده‌ایم، در کنار طالبان است. طالبان دارای یک منطقه هستند و نیروهای بین‌المللی را به دست می‌گیرند و این ایده را دارند که ما ساعت و زمان را داریم و آنها فکر می‌کنند که اگر نیروهای ایالات متحده از بین بروند، دولت افغانستان سقوط خواهد کرد، آنها راه را آماده می‌کنند.

طالبان از القاعده حمایت می‌کند. آنها می‌خواهند که دوباره در کابل بر سر قدرت بیایند و خلافت را بازسازی کنند و حقوق زنان و تمام بخش‌های جامعه را بازگردانند. او خاطر نشان ساخت که برخی از نکات مهم باید در نظر گرفته شود مانند طالبان که احترام و به رسمیت شناخته شدن را می‌خواهند، پایان دادن به اشغال خارجی به اصطلاح، ایجاد قوانین اسلامی و قدرت مشترک و ...

بسازی از آمریکایی‌ها همچنان نگران این مسائل هستند، اما دولت کمتر در مورد آن صحبت می‌کند، دولت افغانستان خواستار به رسمیت شناخته شدن قسمتی از خودش و قانونی شمردن دولت در میان مذاکرات سیاسی هست. دولت افغانستان خواستار روابط برای ساختار و حمایت نظامی خویش است. پاکستان به نوبه خودش نمی‌خواهد نیروهای آمریکایی هیچ گونه مداخله‌ای داشته باشند. سپس او سخنانش را با این نکات جمع‌بندی کرد: به خاطر اینکه به اینگونه اهداف متعارض دست یابیم، ما نیاز داریم تا صبور باشیم و از پروسه به ماده حرکت کنیم. تمامی احزاب باید جایگاه خودشان را به صورت واقعی بیان کنند. ما نیاز داریم تا به حرف‌های همه احزاب گوش فرا دهیم. نه تنها طالبان یا دولت، ما باید ایده‌ی صلح را اجتماعی کنیم، این موضوع پیچیده است.

سخنران سوم این جلسه کاری خانم شاه‌گل رضایی در ابتدا از انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان به خاطر برگزاری این کنفرانس ابراز تشکر کرد و بعد به موضوعی که به ایشان سپرده شده اشاره کرد.

طالبان، شریعت و سنت‌گرایی عنوانی است که به خانم رضایی سپرده شده است.

خانم رضایی سخنان خود را در غالب چهار بحث ارائه کردند. ۱. شکل‌گیری طالبان ۲. طالبان و استفاده ابزاری از شریعت و سنت‌گرایی ۳. آیا دیدگاه طالبان تغییر کرده است؟ ۴. روند صلح و انتظارات مردم افغانستان

۱. شکل‌گیری طالبان: خانم رضایی در مقدمه این بخش به این نکته اشاره کرد که در یک قرن اخیر، هیچ گروهی به اندازه طالبان مرکز توجه عموم قرار نگرفته است. طالبان در قامت امارت اسلامی، لقب نهضت اصلاح‌طلب اسلامی را به خود گرفت.

به باور خانم رضایی اگر تاریخ نیم قرن گذشته بررسی شود، بیشترین تغییرات سیاسی و اجتماعی را نهضت‌هایی تحت عنوان نهضت‌های اصلاح‌طلب اسلامی بوجود آورده‌اند. طالبان نیز با تکیه به همین عنوان، با استفاده از مفهوم جهاد و تحت عنوان نهضت اصلاح‌طلب اسلامی وارد عرصه سیاست افغانستان گردید.

به بیان خانم رضایی "طالبان، از یکسو شاگردان ملاهای کم سواد افغانستان و از سوی دیگر شاگردان احزاب بنیادگرای اسلامی پاکستان بوده‌اند اما از آنجاییکه ارتباط مستقیم با قریه‌جات افغانستان داشتند، توانستند ارتباط نزدیکی میان تحریک طالبان و قریه‌جات افغانستان فراهم کنند و دیدگاه افراطی آنان نسبت به دین و شریعت باعث گردید که این ارتباط در مدت زمان کمی صورت بگیرد."

در افغانستان بنیادگرایی اسلامی قبل از حضور طالبان وجود نداشت اما طالبان با توجه به وضعیت ناهنجار حاکم بر افغانستان و هرج و مرج بوجود آمده بر اثر موجودیت احزاب‌های جهادی، به راحتی و با شعار رهایی افغانستان از قید رهبران فاسد وارد میدان سیاست افغانستان شدند. عنوان نخست این نهضت، مبارزان مقدس (سربازان شکست‌ناپذیر خداوند) بود. آغاز فعالیت طالبان با توجه به این پیشینه نشان می‌دهد که آنان توانستند وضعیت حاکم بر افغانستان را تحریک کنند و به عنوان قدرتمندترین نیرو فعالیت نمایند.

۲. طالبان و استفاده ابزاری از شریعت و سنت‌گرایی: خانم رضایی می‌گوید: "دو چیز ستون‌پایه اصلی مشروعیت طالبان قلمداد می‌شود. از یکسو شریعت، ارزش‌های اسلامی و ارزش‌های مبتنی بر شریعت و از سوی دیگر سنت در دو مفهوم سیره پیامبر و باورهای الهی و با تکیه بر سنت‌های حاکم در جامعه افغانستان وارد عرصه گردیدند و در حقیقت عنوان طلبه و یا طلبه‌های دینی مدارس اسلامی ابزاری برای طالبان بود. طالبان با این عناوین از یکسو جایگاه خود را در جامعه سنتی افغانستان باز کردند و از سوی دیگر با محوریت قرار دادن ارزش‌های دینی و اجتماعی در فساد افغانستان جایگاه بزرگ‌تر و والاتری کسب کردند. جهاد مقدس و پاسداری از ارزش‌های اسلامی در حقیقت رمز اصلی موفقیت طالبان است."

خانم رضایی در بخشی از سخنان خود گفت: "بعضی کشورها از طالبان حمایت تسهیلاتی، نظامی، آموزشی و همچنان حمایت مالی کردند و در کنار این حمایت‌ها ما باید قبول کنیم که طالبان با استفاده از دو فکتور (استفاده ابزاری از شریعت و سنت‌گرایی) با سرعت زیاد و در کمترین فاصله زمانی، طولانی‌ترین نبرد را در افغانستان در برابر دولت و حامیان بین‌المللی آن رقم زدند. روند استفاده طالبان از این ابزار تا حدی بوده که حتی تا امروز شورای علمای افغانستان، مراجع دینی و مراکز آموزشی دینی افغانستان بر علیه طالبان فتوای صریح ارائه نکردند. اخیراً به ابتکار شورای عالی صلح، یک سری فتوایی داده شده اما در بیش از دو دهه گذشته هیچگاه یک حرکت منسجم و اساسی در برابر طالبان دیده نشده است. طالبان با فتوا آغاز کردند با فتوا حکومت کردند و با فتوا توانستند لشکر چندین هزار نفره خلق کنند. واقعیت اینست که آنان از دو عنصر شریعت و سنت بیشترین استفاده را کردند در حالیکه کمترین اعتقادی نسبت به ارزش‌های دینی و سنت‌های حاکم بر جامعه نداشتند."

در آغازین روزهای شکل‌گیری طالبان در دسامبر ۱۹۹۶ طالبان در بخش امر به معروف و نهی از منکر اعلامیه پخش کردند که ۲۲۵ زن بخاطر نقض قوانین پوششی مورد مجازات قرار گرفتند و حتی در گاهی مواقع به کفش زنان نیز پرداخته می‌شد و این موضوعات تفکر افراطی و قرائت نادرست از دین و ارزش‌های نادرست توسط طالبان را نشان می‌دهد.

خانم رضایی در یک جمع‌بندی یادآوری کرد که آنچه که مورد تجدد است توسط طالبان تحریم و آنچه که مربوط به سنت و باورهای دینی است همیشه پاس داشته می‌شود. قرائت نادرست از دین جز شاخصه‌های اصلی طالبان بوده در حالیکه هم انتحار را انجام می‌دهند و هم برداشت افراطی از حضور زنان را در پوشش حفاظت از ارزش‌های دینی می‌دانند اما هیچ اسلامی را به جز اسلامی که خودشان به آن باور داشتند، نپذیرفتند.

۳. آیا دیدگاه طالبان تغییر کرده است؟ به باور خانم رضایی دیدگاه طالبان از گذشته تا به حال تغییر نکرده و تغییر نخواهد کرد اما آنچه که تغییر کرده فرمول‌های پیچیده در سطح جهانی و منطقه‌ای است.

بحث ایدئولوژیک طالبان یک روی سکه بوده اما روی دیگر سکه این است که طالبان به عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی بعضی از کشورها عمل می‌کنند. این دیدگاه زمانی تغییر خواهد کرد که فرمول‌های پیچیده در سطح جهان و منطقه تغییر کند یعنی فرمول‌های پیچیده‌ای که با شکل‌گیری طالبان توأم بود اگر نیازمند تغییر باشند دیدگاه طالبان نیز در مطابقت و مطابقت با این دیدگاه تغییر خواهند کرد.

تا زمانیکه کشورهای بزرگ جهان در صدد تغییرات اساسی در منطقه نباشند دیدگاه طالبان به همین گونه ادامه خواهد یافت .

۴. صلح در افغانستان: به باور خانم رضایی صلح یک ضرورت بوده و دولت افغانستان نماینده منافع ملت افغانستان است. همانگونه که ما به صلح ضرورت داریم به عدالت نیز نیازمندیم و بخاطر رسیدن به یک صلح آرمانی، نباید ارزش‌های پذیرفته شده در قانون اساسی را قربانی کنیم.

با وجود اینکه صلح یک ضرورت برای جامعه افغانی است اما به فراموشی سپردن زنان افغان و دستاوردهای یک و نیم دهه گذشته افغانستان را نباید نادیده گرفت.

صلح، عدالت و ارزش‌های پذیرفته شده در قانون اساسی به یک اندازه مهم‌اند بنا صلح را باید با دو مکانیزم جدید در پیش گرفت.

- صلح با حفظ عدالت و حکومت بر ارزش‌های پذیرفته شده در قانون اساسی و دستاوردهای گذشته افغانستان
- صلح فروش مهره‌های سوخته طالبان به دولت و جامعه جهانی نباشد. اگر جایگزین طالبان توسط حمایت‌کنندگان اصلی در غالب داعش و شبکه‌های تروریستی وارد عرصه سیاست و بی‌ثبات‌سازی در افغانستان باشد، صلح با طالبان و یا هر شبکه دیگر در حقیقت خریدن مهره‌های سوخته طالبان است.

آخرین سخنران این جلسه کاری بشرا گوهر بود، در اینجا شما می‌توانید بیشتر سخنانش را بصورت مستقیم پیدا کنید: "کاری که ما سعی می‌کنیم انجام دهیم، مشروعیت بخشیدن به افرادی هست که مردم را خورد می‌کنند، من اعتقاد ندارم که ما بتوانیم به چیزی به نام صلح از طریق صحبت با طالبان دست یابیم مگر اینکه کسانی که همیشه همگام با صلح بودند خواسته شوند و این‌ها مردم افغانستان و پشتون‌های آنسوی خط دیورند اند."

آن‌ها هستند که بیشترین آسیب را دیدند، به نظر من طالبان یک ایده‌ی ضد پشتون هست نه یک نهاد مستقل که جایی در قانون افغانستان داشته باشد. من با آقای لودین موافق هستم که گفتند دولت افغانستان سعی کردند با مذاکرات یکی از رهبرهای طالبان را آزاد کنند، اما اتفاق نیفتاد، اگر ما بخواهیم اعتماد را به میان آوریم، می‌تواند بهترین رویکرد در منطقه باشد که دو طرف افغانستان و پاکستان با هم به مذاکره بنشینند و در مورد آزادی یک تن از اعضای طالبان بحث کنند، اما منتظر ماندن به آمریکا و آزادی تحت شرایطی که ما از آن آگاه نیستیم، با حقایق مواجه می‌سازد.

من این را یک گام در یک جهت مناسب نمی‌بینم. شفافیت برای ایجاد اعتماد لازم است. مردم نیاز دارند بدانند که چه کسی و تحت کدام شرایط، فردی آزاد می‌شود؟ من کاملاً از نشست‌ها و مذاکرات افغان‌ها آگاه هستم ولی زمانی که صحبت از مذاکرات با رهبران طالبان می‌شود از کسانی که خون پشتون‌ها در دستان‌شان هست تنها نباید صحبت کرد، بلکه باید کتابی نوشت.

چه پیامی ما می فرستیم، فقط به خاطر اینکه آمریکایی‌ها می‌خواهند اینجا را ترک کنند. ما در حال صحبت در مورد پروسه‌ای هستیم که حتی یکی از ما در موردش اطلاعات کامل ندارد، این مذاکرات نیاز به رهبریت افغان‌ها دارد، همه ما می‌گوییم که باید این پروسه توسط افغان‌ها رهبری شود، ولی ما در موردش برنامه‌ریزی می‌کنیم و این آوردنده‌ی صلح نخواهد بود. ما همه شاهد هستیم که جوانان افغان و جوانان پشتون در پاکستان در حال رقم زدن صفحه جدیدی از صلح مابین شان هستند.

آنان اولین کسانی‌اند که فشار خواهند آورد و اولین کسانی‌اند که نگهدارنده صلح هستند، این جوانان دو طرف هستند که پلان‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود را روی میز می‌گذارند و این چیزی است که ما نیاز داریم و آرزوی آن را داشتیم. این چیزی نیست که من از نیروهای خارجی شنیده باشم تا برای آن پشتکار داشته باشند، منظور من این است که باید بدانیم طالبان چه می‌خواهند، کسانی از طالبان حمایت می‌کنند چه می‌خواهند و چه کسانی از آن‌ها حمایت می‌کند؟

طالبان برای من یک نهاد مستقل نیست، مگر اینکه ما با حامیان مالی صحبت کنیم و آنها را به میز مذاکره ببریم، سیاست‌ها را تغییر دهیم، اینها همان چیزهایی است که جنگجویان طالبان می‌خواهند مورد استفاده قرار گیرند و ما می‌خواهیم بگوییم که آنها شرایط و حالات خود را در صلح دارند، آنها به اینجا حمله می‌کنند، این عمل باید تمام شود.

اگر واقعا آنان خواهان صلح باشند، حداقل باید یک قدم به عقب برگردند و همچنان حامیان آنان. پس به نظر من برای افغان‌ها یک بحث داخلی نیاز است، یک توافق داخلی نیاز است. چه نوع صلحی ما می‌خواهیم، منظور ما از صلح چیست؟ چه معنایی دارد اینکه ما جنگ طالبان را به میز مذاکره بکشانیم، چه کسی قرار است با آنان صحبت کند؟ اما آنان همیشه یک استدلال دارند که دولت افغانستان فاسد است، آن چنان که من دیروز از میلی شنیدم.

این مشروعیت ندارد، آنها احترام برای این و آن می‌خواهند، مردم افغانستان نشان دادند که قانون اساسی و دموکراسی می‌خواهند. طالبان پروسه‌ی انتخابات را تهدید می‌کرد اما مردم در یک کتله بزرگ بیرون آمدند و نشان دادند که از جنگ و وحشت نمی‌ترسند، آنان خودشان می‌خواهند صحبت کنند، حالا من امیدوارم که منطقه و جهان به حرف مردم گوش فرا دهد و ایده‌های خودشان را تحمیل نکنند، ما قبلا گفتگوهای صلح را انجام دادیم، امیدوارم بتوانیم آن را تغییر نام دهیم.

چرا شما به این گفتگوها، گفتگوهای صلح می‌گویید؟ مذاکرات صلح باید با مردم باشد که نمایندگان و مسوولین واقعی صلح هستند، نه با کسانی که سعی دارند مردم را بکشند و بر آنها حمله کنند، پس ما باید از مبحث امنیتی به مبحث و دیدگاه صلح حرکت کنیم، ما باید روابط متقابل را وسیع‌تر بسازیم و مردم افغانستان و پشتون‌ها را در یک سمت قرار دهیم، زیرا آنان کسانی‌اند که از این سیاست‌ها بیشترین آسیب را دیده‌اند.

پالیسی‌های انتحاری پاکستان، وقتی من شنیدم پاکستان قصد تغییر این پالیسی‌ها را دارد، من در عمل چیزی ندیدم من هنوز هم به منابع مالی برای فساد در افغانستان فکر می‌کنم. این موضوع به صورت واضح گفته شده که در مساجد اعلام می‌کنند که مبلغی را برای فساد جمع‌آوری می‌کنند. حالا شما نمی‌توانید این دو مسئله را همزمان داشته باشید، مانند طالبان که هم حمله می‌کنند و هم صلح می‌خواهند. این ممکن نیست اما با مداخلات منطقه‌ای شما نمی‌توانید صلح را در پالیسی خود داشته باشید، شما نمی‌توانید به حمایت و درخواست صلح ادامه بدهید.

من همچنان کتاب‌های زیادی می‌بینم که در مورد طالبان نوشته شده است، روزی من در کتابخانه‌ای بودم، من می‌توانم بگویم که این موضوع حل ناشدنی است، راه حل آکادمیکی وجود ندارد. مردم همواره می‌گویند که این یک موضوع سیاسی هست و ما باید

سر یک میز، مذاکرات را انجام دهیم ولی من باید بگویم که مسوولین و افراد موظف منطقه‌ای باید سر میز بشینند و با همدیگر صحبت کنند. اما من از گفتگوی صلح بدون دولت افغانستان و مردم این کشور هراس دارم چرا که بی معنا خواهد بود. پاکستان هم به دنبال مذاکرات صلح بود ولی همه ناکام شدیم، تنها یک مذاکره شفاف توسط من و حزیم در سوات اتفاق افتاد، این مذاکره شفاف و سیاسی بود، اگر چه شکست خورد، ولی من می‌گویم که روابط باید باز باشد، با مردم تعامل صورت بگیرد، مذاکرات باید شروع شود، ولی چیز دیگری که من پیشنهاد می‌کنم وجود پشتون‌های دو طرف خط دیورند می‌باشد، آنان کسانی‌اند که بیشترین رنج را کشیده‌اند، از آنان دوباره برای فساد استفاده شده است، از آنان منحصی اسلحه‌داران استفاده شده و می‌شود. اما من فکر می‌کنم که این خیلی مهم است که پشتون‌های دو طرف با همدیگر بنشینند، به خاطریکه در چهارده سال اخیر آنان مرگ و میر دیده‌اند، بیجایی دیده‌اند و زندگی‌شان ویران شده است و این روند نباید ادامه داشته باشد.

مسئله دیگر این است که هیچ توافقی بر سر مسئله حقوق زنان با طالبان صورت نگرفته است، ما هیچ‌گونه مصالحه و توافقی از طرف خود قبول نخواهیم کرد، این چیزی است که ما را هنوز بر پروسه‌ی صلح پا برجا نگه می‌دارد. اجازه دهید که ما پروسه صلح را رهبری کنیم و به شما خواهیم گفت صلح واقعی به چه معنا است، چگونه بر ما تاثیر گذاشته است، فضایی که زن‌ها در آن امیدوار شده‌اند، پس همراه با چند نظریه‌اندک، من احساس می‌کنم که این امنیت انسانی است که باید روی میز مذاکره قرار بگیرد.

جلسه‌ی پرسش و پاسخ

۱. مطمئن: طالبان چه شیوه‌ای را برای اداره این کشور استفاده خواهند کرد اگر نیروهای خارجی از افغانستان خارج شوند؟
۲. رابین رافیل: آیا امریکایی‌ها واقعا صلح افغانستان را می‌خواهند؟
۳. بشرا گوهر: شما گفتید که طالبان یک پروژه ضد پشتون است، آیا می‌توانید بگویید طالبان پاکستانی را کی به وجود آورد و کی از آنها حمایت می‌کند؟
۴. ابو محمد اصغر خانی: آیا پروسه صلحی وجود دارد؟ بله یا خیر؟ آیا جنگی وجود دارد؟ بله یا خیر؟ آیا افغانستان قسمتی از جهنم است؟

۵. رضایی: آیا در روش‌های سنت‌گرایی در افغانستان مشکل وجود داشته یا اینکه طالبان از آن زیرکانه استفاده کرده‌اند؟

روبین رافیل: تغییرات چشم‌گیر و با مفهومی در سیاست‌های امریکا به وجود آمده است، آنها پروسه صلح را اولویت بندی می‌کنند، آنها فرد مناسب و شایسته‌ای را برای رهبری این روند گماشته‌اند، سفیر خلیل‌زاد در حال حرکت است و مقدمات را آماده می‌کند بنابراین او مشتاق است که فراتر از برخی عادت‌های متعارف فرمولاسیون حرکت کند، روند صلح یک روند طولانی خواهد بود این عمل باید انجام شود و ایالات متحده نمی‌تواند آن را به تنهایی انجام دهد، مخصوصا زمانی که چهره‌های زیادی وجود دارد.

مطمئن: در حقیقت طالبان ۱۷ سال گذشته، حکومت را برای پنج سال در دست داشتند، این بدین معناست که آنها تجربه حکومت‌داری را دارند، آنها تغییر کرده‌اند و با سیاست‌ها و پروسیجرهای جدیدی خواهند آمد. من مطمئنم که آنها ساختار فعلی و موضوعات بنیادی را حفظ خواهند کرد. همانطور که من می‌دانم برای پیشرفت و ترقی بعضی نیازها وجود دارد. آنها تجربه دارند و آنها امارت اسلامی را خواهند داشت اما نام این دولت مانند کشورهای همسایه است. صرف‌نظر از تقسیم قدرت، طالبان با حکومت فعلی مبادله نخواهند کرد اما آنها می‌خواهند در حکومت مداخله داشته باشند و عوضی از دولت آینده باشند. اگر دولت مجاهدین

قدیم و کمونیست‌های قدیم را بپذیرد سپس طالبان هم می‌خواهند بخشی از سیاست‌ها باشند. اما نه حکومت فعلی که توسط جامعه بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. این نماینده جامعه افغانستان نیست زیرا حکومتی است که امریکا آن را ساخته و از آن حمایت می‌کند و ما نمی‌توانیم به آن حکومت ما بگوییم.

بشرا گوهر: قبل از پاسخ دادن به پرسش‌ها باید این پیشنهاد را بدهم که ما باید بین طالبان که یک بازیگر غیر دولتی است و حکومت افغانستان تفاوت قایل شویم، حکومت افغانستان یک دولت مشروع است و طالبان یک حرکت غیر مشروع، بنا بر این دو نمی‌توانند با هم مساوی باشند. در پروسه صلح نیز مردم افغانستان باید سهم داشته باشند و طالبان باید مورد پرسش قرار بگیرند. طوری که تجربه آن را داریم، آنها نباید آزادانه جلسه را ترک کنند. سوالی که چه کسی طالبان را حمایت می‌کند کاملاً واضح است که پاکستان طالبان را حمایت می‌کنند.

رضایی: طالبان به خاطر جلب توجه افکار عمومی از شریعت و سنت‌های دینی در جامعه افغانستان به حیث یک ابزار استفاده کردند و این موضوع زیرکی نه تنها طالبان بلکه زیرکی کسانی است که به عنوان حامیان طالبان در یک فرمول پیچیده منطقی و جهانی بر این موضوع تمرکز کردند .

همچنان هنوز گام‌های اولیه در قسمت صلح با طالبان برداشته نشده و مشکل طالبان بیشتر از اینکه جنبه داخلی داشته باشد جنبه خارجی داشته به عبارت دیگر مخالفان مسلح دولت افغانستان از حکومت‌داری در افغانستان ناراضی هستند بنا بر روند صلح افغانستان اگر قانون اساسی از سر نوشته شود و یا تقسیم قدرت صورت بگیرد تا زمانیکه بعد بین‌المللی این قضیه جدی در نظر گرفته نشود مشکل طالبان حل نخواهد شد.

جلسه ششم کاری: وضعیت سیاست خارجی افغانستان؛ بی طرفی، اتصال، انشقاق

گرداننده: عبدالغفور لیوال، مشاور رئیس جمهور در امور مرزها و اقوام

سخنرانان

- نصیر احمد اندیشه، معین وزارت امور خارجه افغانستان
- علی اصغر داوودی، استاد دانشگاه آزاد اسلامی ایران
- سفیر ژان کی، رئیس انستیتوت مطالعات بین‌المللی چین
- آلکسی مالاشنکو، رئیس پژوهشگران در انستیتوت گفتگوی تمدنی
- عبدالله رهنما حکیم، رئیس دیپارتمنت تحلیل گران و پیش‌بینی سیاست خارجی



تصویر ۱۰: از راست به چپ: دکتر علی اصغر داوودی، پروفیسور هونگ شی، پروفیسور الکسی مالشینکو، عبدالغفور لیوال، عبدالله رهنما و دکتر نصیر احمد اندیشه

اولین سخنران این جلسه کاری آقای اندیشه بود. او سخنرانی خود را در مورد نسخه قدیمی و جدید بیطرفی آغاز کرد. او گفت: "من سه مطالعه موضوعی در مورد نسخه قدیمی بیطرفی با این مفهوم داشتم، بطور اساسی مطالعات موردی تاریخی سویتزلند، استرالیا و لاووس. استرالیا و سویتزلند دو مورد موفق بودند اما لاووس یک مورد شکست خورده است. سپس من این سه مطالعه موردی را با دولت مشابه که اکنون ثروتمندتر است مقایسه کردم. آنها خط مقدم بخش بزرگی از درگیری‌ها هستند. او سپس ادامه داد: "من تمام دو مورد و چند مورد جدید که ما می‌توانیم از آنها بیاموزیم را مقایسه کردم".

فرضیه‌های این مطالعه "نسخه قدیمی بیطرفی به عنوان ابزار حل و فصل درگیری در طول تاریخ از جمله جنگ سرد"

داکتر اندیشه گفت: "بی‌طرفی جدید (نسخه اقتباس یافته و شکل گرفته از این سیاست) می‌تواند پاسخگوی نیازهای جهان قرن ۲۱ و امیدوار کننده برای جلوگیری از ظهور چیزی به نام جنگ سرد باشد." این پیگیری به سیاست گذاران اجازه می‌دهد تا بیشتر به بررسی امکان پذیری، پذیرش و استفاده از سیاست بی‌طرفی جدید به عنوان تلاش برای حفظ نظم در منطقه درگیری میان قدرت های بزرگ در زمان ما عمل کند. تعدادی دولت با ارزش و کوچک مستقر شده بصورت استراتژیک که اساسا اولین تعریف یک نامزد برای بی‌طرفی است.

آقای اندیشه در مورد عوامل داخلی و خارجی که علت این موضوع هستند، صحبت کرد. عوامل خارجی تعیین کننده: بر اساس ژئوپولتیک و این یک موقعیت مناسب ژئوپولتیکی در سیاست است. دوم: توازن شرایط مناسب خارجی قدرت و اجلاس نظامی. در عوامل داخلی، او نکات زیر را یاد آور شد: ثبات داخلی، توانایی اقتصادی.

دولت به بی‌طرفی احترام می‌گذارد اما غیر دولت این کار را نمی‌کند. او گفت: "من پژوهش خود را بر اساس پاکستان و افغانستان انجام داد. من از مردم در مورد حمله‌ها به افغانستان، عبور از مرزها و دلسوزی‌ها پرسیدم. بعضی‌ها گفتند بله، بعضی‌ها گفتند بستگی دارد و گروه سوم گفتند حتی اگر ما بخواهیم هم نمی‌توانیم." حتی اگر ما پیمان بی‌طرفی داشته باشیم. آخرین و مهمترین بی‌طرفی جدید ایدئولوژیکی و تلافی کننده است. او سپس صحبت‌های خود را با موضوع اسلام و نقش این دین در بی‌طرفی ادامه داد. او به این باور است که حتی در اسلام هم بی‌طرفی وجود دارد.

او سخنرانی خود را با این موضوع جمع‌بندی کرد: "به عقیده من و به عنوان جمع‌بندی صحبت‌های من بهترین سیاست برای افغانستان این است که منافع مشروع همسایگی و همکاری‌های بین‌المللی را به رسمیت بشناسیم اما ما به عنوان حکومت افغانستان باید تعادل منافع را سازماندهی کنیم نه تعادل قدرت را، تعادل منافع این بازیگران منطقه و باید به این راه ادامه دهیم، زمانیکه ما به یک ملاقات دعوت می‌شویم باید مسئول باشیم.

دومین سخنران این جلسه کاری علی اصغر داوودی بود. آقای داوودی مشخصا در مورد ایران و نقش آن در بازسازی افغانستان صحبت کرد. آقای داوودی گفت که ایران و افغانستان، با وجود ناهمگونی در منافع بعضی موارد، می‌توانند از تئوری‌های منطقه‌ای برای تعیین کردن یک تعریف مشترک از هویت‌ها و هنجارهای حاکم بر روابط خارجی خود استفاده کنند. او یادآوری کرد که کشورهای شامل در یک منطقه باید برای توانبخشی افغانستان تلاش کنند. او صحبت‌های خود را با تاریخ مشترکی که این دو کشور داشت ادامه داد در صورتیکه اگر درگیری رخ داده باشد، روابط بین دو کشور را تحت‌الشعاع قرار داده است.

او گفت: "من باور دارم که اگر منافع ایران در درگیری با قدرت‌های دیگر بخصوص قدرت‌های غربی، ایالات متحده نباشد، شاید ایران بتواند نقش موثر تری در صلح و ثبات افغانستان بازی کند." او همچنان به مشکل امنیت در افغانستان تمرکز کرد که با تامین امنیت افغانستان، وضعیت ایران بهتر خواهد شد.

در این مورد او اشاره کرد که "جنگ در افغانستان اغلب به عنوان ادامه رقابت، خصومت و پویایی امنیت کشورهای بی‌طرفی که در افغانستان شاهد آن هستیم یاد می‌شود." این بدان معنا است که بیشتر ناامنی‌ها در افغانستان تحت تناقضات غالب بین هند و پاکستان، ایران با ایالات متحده آمریکا، ایران با کشورهای خلیج فارس و دیگر کشورها قرار دارد. او سپس ادامه داد که چطور معامله هسته‌ای ایران با کشورهای غربی و بازپس گیری ایالات متحده آمریکا شاید بر روی وضعیت افغانستان تاثیر بگذارد و نقش ایران در این قضیه کاهش خواهد یافت. در مورد توسعه و پیشرفت او خاطرنشان ساخت که هر دو کشور پیش زمینه فرهنگی و دینی مشترک دارند، بنابراین در روند مدرنیته آنها به راه‌هایی نیاز دارند تا به منظور شرکت در فرایندهای سیاسی-اقتصادی اقدام کنند مانند افزایش اشتغال و حصول

اطمینان از قابلیت اقتصادی. سپس او گفت ایران باید از موضوع افغانستان جلوگیری کند اول صادر کردن ایدئولوژی سیاسی، دوم از بین بردن احساسات ضد افغانستان با کشور؛ و احترام به پناهندگان و کمک به بهبود وضعیت آنها.

او سپس سخنرانی خود را با بیان چهار حوزه‌ای که ایران در افغانستان کمک و کار خواهد کرد، جمع‌بندی نمود. "اقتصاد: ایران و افغانستان از زمان سقوط طالبان همکاری‌های خوب اقتصادی بوده‌اند و انتظار می‌رود تا در آینده نزدیک این همکاری گسترش یابد. با در نظر داشت منافع ملی ایران در کنترل انحصارگرایی شیعه و سنی و همچنان ایدئولوژی‌های سلفی و تکفیری در منطقه، می‌تواند به نوعی به کشورهایی که در خطر هستند، کمک کند. حمایت انحصاری ایران از جوامع شیعه در افغانستان آنها را در خطر قرار داده است. ایران می‌تواند منافع خود را از حمایت گروه‌های هزاره به نحوی دیگر نمایان بسازد. حقیقتاً ایران می‌تواند سیاست خود را در رابطه به موضوعات دینی افغانستان اصلاح نماید و با این اصلاح می‌تواند از تهاجم ISIL در افغانستان در امان بماند .

آخرین موضوع احیا قدرت و فرهنگ ایران است. متأسفانه جمهوری اسلامی تأکید زیادی بر ایدئولوژی دارد، و صحبت‌های زیادی در مورد حمایت گروه‌های شیعه در افغانستان شده است. احیا قدرت نرم ایران می‌تواند بر اساس ایران به عنوان هویت تمدن به جای یک انزوای ضد یهودی و شیعه و ضد غرب در سیاست امنیت ملی و بر اساس سیاست خارجی ایران باشد.

سومین سخنران این جلسه کاری پروفیسور ژان هونگ بود. پروفیسور ژان هونگ سخنرانی خود را با بیان تاریخ ابتکار یک کمربند یک راه آغاز کرد. سخنرانی او مشخصاً بر پایه چهار موضوع تمرکز داشت و موضوعی که او بر آن تمرکز کرده بود در مورد "حمایت چهار شرکت" بود. حمایت قاطعانه از مصالحه سیاسی افغانستان. تحت این موضوع او خاطر نشان ساخت که پروسه صلح افغان‌ها و تحت رهبری آنها چیزی است که چین هم از آن حمایت خواهد کرد و حتی او را مستحکم خواهد ساخت. سپس او به پروسه کابل و تأثیری که بر موضوعات صلح در افغانستان دارد اشاره کرد. وی سپس گفت: "چین همچنین خواستار عملیاتی مطابق قطعنامه‌های مربوطه مجمع عمومی سازمان ملل متحد است که توسط گروه هماهنگی چهار جانبه (QCG) افغانستان، پاکستان، چین و ایالات متحده برای ترویج تحقق مذاکرات صلح بین دولت افغانستان و طالبان در اوایل سال اداره می‌شد ."

حمایت قاطعانه از صلح افغانستان و بازسازی. موضوع دومی که پروفیسور ژان هوانگ مطرح کرد متمرکز بر صلح و بازسازی افغانستان بود. او تأکید کرد که چین متعهد است که افغانستان را به شیوه خود حمایت کند.

او همچنان تحت این موضوع بیان کرد که چین متعهد است تا دیگر کشورها را برای حمایت از افغانستان تشویق کند. او گفت: "ما پیش‌بینی می‌کنیم که احزاب سیاسی در افغانستان بتوانند اختلافات خود را متوقف کنند تا به طور مشترک به پیشرفت ملی کمک کنند. ضمناً به منظور مقابله با تروریسم و جنایت‌های فراملیتی مانند قاچاق مواد مخدر، طرف چین هماهنگی با جامعه بین‌المللی، تقویت ظرفیت نیروهای امنیت ملی افغانستان برای امنیت ملی و تقویت توانایی‌های خود دفاع و توانایی ضد تروریسم در افغانستان را نگر خواهد داشت.

سومین موضوعی که او مشخصاً در مورد آن صحبت کرد در مورد حمایت قاطعانه از درک و همکاری متقابل افغانستان و چین بود. او نقش چین در همکاری و گفتگوهای سه جانبه میان چین، پاکستان و افغانستان را نشان داد .

چهارمین و آخرین موضوع که او اشاره کرد حمایت قاطع از ادغام افغانستان در توسعه منطقه‌ای. او گفت: "در مطابقت با مجمع عمومی سازمان ملل، چین مصمم است تا همکاری اقتصادی و همبستگی در این منطقه را بهبود ببخشد و هماهنگی افغانستان را روند توسعه منطقه‌ای ابتکار یک کمربند یک راه را تسهیل کند. او سخنرانی خود را با اهمیت نقش چین در بازسازی افغانستان

جمع‌بندی کرد. او گفت که چین در افزایش همکاری عملی با افغانستان قاطع باقی خواهد ماند و کمک‌های بیشتری برای صلح و بازسازی آن در ظرفیت خود جهت تحکیم و تقویت همکاری استراتژیک دوجانبه ما فراهم می‌کند.

پروفسور الکسی مالاشنکو چهارمین سخنران این جلسه کاری بود. او سخنرانی خود را با این پرسش از بی‌طرفی که چه چیزی می‌تواند باشد و کجا می‌توان یافت؟ و همچنان اینکه او به این ایده بدبین است، آغاز کرد.

سپس او در مورد دیدگاه روسیه در مورد بی‌طرفی ادامه داد و بعداً او گفت: "من فکر می‌کنم روسیه آنچنان دیدگاهی ندارد. من تلاش می‌کنم که در مورد روابط روسیه و افغانستان صحبت کنم. اول‌تر از همه، روسیه به طور عموم در جهان اسلام بسیار فعال‌تر شده است. به مصر، سوریه و خب... ببینید آیا می‌توانیم افغانستان را در چارچوب دوره سیاسی روسیه در جهان اسلام قرار دهیم؟ این مشکل است، چرا این مشکل است؟ چون شما در مسکو به ندرت از بهبود روابط روسیه و افغانستان شنیده‌اید.

اما دو نکته وجود دارد. اول اینکه من شک دارم که روسیه بتواند وضعیت افغانستان را تحت تاثیر قرار دهد. دوم، آیا شما حس نمی‌کنید که روسیه می‌خواهد در وضعیت افغانستان غیر مسئولانه عمل کند؟ او نمی‌خواهد و نمی‌تواند. اما هنوز

به همین دلیل است که حتی در رسانه‌های جمعی مسکو شما می‌توانید مقاله‌هایی ببینید که نویسنده استدلال می‌کند تا اجازه دهید امریکایی‌ها در افغانستان بمانند، اجازه دهید آنان مسئول باشند. ما در روسیه می‌توانیم شرایط را حس کنیم، همچنین باید شناسایی کنیم که روسیه هیچ ابزار واقعی برای تأثیرگذاری و انجام کاری ندارد. چیزی که روسیه توان ارائه آن را دارد میانجی‌گری است. روسیه می‌خواهد یک میانجی باشد. به عبارت دیگر ما می‌توانیم این را در بسیاری از موضوع را در جهان بیان کنیم. روسیه وانمود می‌کند که نقش مشابهی را بازی می‌کند، موفقانه یا ناموفق. این وابسته به موقعیت است.

اینجا زمانی که صحبت از افغانستان است، ما باید فعالیت‌ها و روابط روسیه با طالبان را شناسایی کنیم. به هر حال، چرا که نه؟ ایالات متحده، اروپا تلاش می‌کنند تا جایگاه طالبان را ایجاد کنند. من برخی از آنها را دیدم. طالبان یک عامل وضعیت افغانستان است. و باقی خواهد ماند.

علاوه بر این، باید بدانیم که روسیه تجربه‌ی چگونگی برخورد و کار با رادیکال‌های اسلامی را دارد. روابط میان روسیه و حماس در فلسطین را فراموش نکنید. بعضی اوقات اعضای حماس به مسکو می‌آمدند طوریکه انگار به خانه خود آمده باشند و هیچ اتفاقی نمی‌افتاد. به طور معمول شاید شما خوانده باشید که علایق طالبان و منافع روسیه گاهی در موضوع جنگ بر علیه دولت اسلامی همخوانی دارد اما من فکر می‌کنم که حضور دولت اسلامی توسط روسیه مورد استفاده قرار گرفته تا نشان دهد که حضور سیاسی و نظامی مسکو در آسیای مرکزی مهم است. اینجا این سوالات وجود دارد که روسیه در آسیای مرکزی چه می‌کند؟

این می‌تواند یک تمرین خوبی باشد، تا زمانیکه من اینجا هستم، شاید بعضی مجاهدین و اعضای دولت‌های اسلامی بعضی منافع در آسیای مرکزی داشته باشند و در مدت زمان کوتاهی ما شاید بی‌ثباتی و مشکلات سیاسی را در آسیای مرکزی ببینیم، مشکلات از مسکو و یا دولت‌های اسلامی می‌آید، شاید مشکلات محلی داشته باشد و مشکلات محلی خواهد بود و این طبیعی است، بنابراین. زمانیکه آنان در روسیه می‌گویند که این مشکلات از دولت اسلامی می‌آید آنان اغراق می‌کنند.

به هر حال، شرح رسمی مشابه مسکو، من فکر می‌کنم پوتین و یا دیگر افراد در مورد وضعیت در قفقاز صحبت می‌کردند، او می‌گفت که ما باید برای اسلام‌گرایان و تروریست اسلامی آماده شویم اما آنها هیچ‌زمانی در مورد اقتصاد و وضعیت اقتصادی صحبت نمی‌کنند، اگر این اتفاق رخ بدهد و ما در معرض آزار قرار بگیریم، شاید آن اعضای دولت اسلامی که به روسیه و آسیا می‌آیند در ساختن

وضعیت ناخواسته سهم بگیرند. در بحث کمک‌های اقتصادی، من فکر می‌کنم که دیروز بارت رابین گفت که روسیه افغانستان را برای ده سال کمک مالی می‌کند، من نمی‌دانم و این امکان وجود دارد اما آنها از جیب من پول می‌گیرند. به من باور کنید که جامعه روسیه قدم به قدم شروع به مقابله با هر نوع همکاری می‌کند، اما فراموش نکنید که ما اتحاد جماهیر شوروی هستیم. روسیه یک کشور فقیر است. مطمئناً روابط میان روسیه و افغانستان توسعه خواهد یافت اما نباید اغراقی در کار باشد اما در عوض آنها باید فهم مشترک داشته باشند.

روسیه در انجام بسیاری کارها ناتوان است نه در مقایسه با هیئت اتحادیه جماهیر شوروی. در روسیه، جامعه و حتی نظام سیاسی در نهایت فهمید که این خیلی پر بار و مهم است که افغانستان را مانند بشارالاسد نبینند. اما بخاطر خودمان و این سیاست خارجی را متاثر خواهد کرد.

عبدالله رهنما حکیم آخرین سخنران این جلسه کاری بود. آقای رهنما سخنرانی خود را با بیان یک سوال از موضوع افغانستان آغاز کرد و سپس تعدادی از نکات در مورد افغانستان را ذکر کرد .

- سطح داخلی بحران افغانستان
- سطح منطقه‌ای بحران افغانستان
- سطوح عالی جغرافیای سیاسی و بین‌المللی بحران افغانستان: بحران افغانستان اکنون عرصه برای مقابله با منافع قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی است. در این روند، افغانستان نیز در نزدیکی مناطق دیگر نفوذ قرار دارد.
- جنبه‌های اقتصادی و انرژی بحران افغانستان
- بخش‌های ایدئولوژیکی بحران افغانستان، در مواجهه با دیدگاه‌های جهانی مختلف حتی در میان اسلام‌گرایان
- جنبه‌های قومی و فرهنگی بحران افغانستان: طی دو دهه گذشته مبارزات قومی، مذهبی و فرهنگی به طور جدی در بحران افغانستان مورد توجه قرار گرفته اند
- جنبه‌های امنیتی بحران افغانستان: ادامه بحران طولانی و بزرگ در افغانستان در امنیت تمام کشورهای همسایه در آسیای مرکزی و آسیای جنوبی تاثیر خواهد گذاشت اما بیشتر، تاثیر مستقیم خواهد داشت.

او سپس گفت بحران افغانستان تاثیرات خاصی بر کشورهای آسیای مرکزی دارد. "بحران طولانی مدت در افغانستان آسیای مرکزی را به بخش عمده‌ای از روند گسترده بین‌المللی تبدیل می‌سازد. این حالت، وضعیت سیاسی و امنیتی آسیای میانه را در سیاست بین‌الملل کاملاً متفاوت می‌کند.

او خاطر نشان ساخت که بحران کشورهای همسایه باعث این شده که امنیت داخلی در بالاترین موقعیت سیاست داخلی قرار داشته باشد. او سپس گفت: "بحران افغانستان از روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان کشورهای آسیای مرکزی با جنوب جلوگیری کرده است".

او سخنرانی خود را با تمرکز کردن بر سیاست تاجیکستان بر افغانستان ادامه داد. سیاست اصلی جمهوری تاجیکستان از قرار زیر است:

- مجاورت واقع‌گرایانه: واقعیت این است که در بی‌ثباتی فعلی افغانستان، حضور نیروهای خارجی، وجود گروه‌های افراطی، فعالیت‌های وسیع شبکه‌های مواد مخدر بین‌المللی، نابرابری رشد مناطق نزدیک مرز، امکان دسترسی به مرزها را غیرممکن می‌سازد.
- حمایت از وحدت افغانستان: احساسات صریح وحدت و استقلال افغانستان همیشه در بالاترین جایگاه سیاست خارجی جمهوری تاجیکستان است، به این معنی که تاجیکستان همواره طرفدار دیدن افغانستان به صورت متحد، مستقل و قدرتمند بوده است.
- ضرورت به توافقنامه منطقه‌ای و بین‌المللی: موضوع افغانستان فراتر از مرزهای کشور بوده است. برای رسیدن به حل و فصل، علاوه بر توافق‌نامه ملی، توافقنامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در این موضوع نیز باید تا زمانی که همسایگان منطقه‌ای و قدرت‌های بین‌المللی در افغانستان فقط به دنبال مزایا هستند، حاصل شود. رنج و مصالحه و منافع رقابتی منطقه‌ای و جغرافیای سیاسی، احتمال برقراری صلح در این کشور را ضعیف باقی می‌گذارد.
- خودداری از سیاست محلی، قومی و ایدئولوژیکی: تاجیکستان کدام گروه و یا نیروی محلی، قومی، ایدئولوژیکی، حزبی و دینی را در افغانستان حمایت نمی‌کند. تنها قدرتی که تاجیکستان آن را به عنوان نماینده کاملاً قانونی افغانستان به رسمیت می‌شناسد، دولت مرکزی افغانستان است.
- افغانستان به عنوان همکار امنیتی: تاجیکستان افغانستان را به عنوان مهمترین همکار در بخش مبارزه با افراط‌گرایی و تروریست می‌داند. افغانستان منطقه‌ای از افراط‌گرایی و تروریسم نیست اما قربانی این پدیده است. حکومت افغانستان در بالاترین حد موثریت در برابر مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم است و علاوه بر صرف هزینه‌های بیشتر مالی و فنی، هزاران نفر سالانه قربانی می‌شوند.
- احیای اقتصادی اولویت‌های افغانستان: در دیدگاه‌های تاجیکستان، یکی از راه‌های کاهش وضعیت افغانستان، جدی گرفتن مشکلات اجتماعی و اقتصادی کشور است. ماهیت این بخش از سیاست خارجی تاجیکستان را می‌توان به عنوان تأکید بر «انسانی کردن افغانستان» توصیف کرد.

جلسه‌ی پرسش و پاسخ

اندیشه: چطور می‌توان موضوع بی‌طرفی را در جهانی شدن توضیح داد؟

داوودی: چگونه می‌توانیم در مورد تحمل صحبت کنیم، در حالیکه در سه جمهوری اسلامی که در آسیا وجود دارد، ایدئولوژی سیاسی متحد ایجاد نشده است؟

حق‌پناه: به نظر شما، جغرافیای سیاسی افغانستان کشوری در آسیای غربی و یا آسیای جنوبی است؟ و نتیجه دنباله‌روی این نوع سیاست‌ها چه خواهد بود؟

پروفیسور کی: چرا در پروسه چابهار هیچ عمل جدی نداشته‌اید؟ کدام به نفع افغانستان است؟

همه اعضا: آیا در حال حاضر دسترسی که هر کاری می‌تواند برای جلوگیری از این رابطه پایدار بین ایران و کشورهای همسایه انجام دهد، وجود دارد؟

اندیشه: در پاسخ کوتاه به سوالاتی که متوجه من می‌شد هر دو موضوع در کتاب من خواهد آمد و شما جوابات را می‌توانید پیدا کنید.

رهنما: در مورد پرسش آقای آرزو، ما در تجربه سیاست خارجی خود، می‌دانیم که هیچ کشوری مانند ایران، عربستان و دیگر کشورها و نه کشورهای بزرگتر، سیاست‌های روشن و واقعی برای ما ندارند. هر کدام مزایای خود را در کشور ما دارند. بنابراین برای سیاست خارجی ما مهم است تا یک توازن را بوجود آوریم و موجودیت فزینگی خود را در منافع این منازعه حفظ کنیم. ما سیاست در خلاء نداریم، ما در منطقه‌ای که چین، روسیه، امریکا و دیگر کشورها در حال جنگیدن هستند سیاست‌هایی داریم بنابراین پیاده سازی سیاست های ما در چنین منطقه ای، موفق است.

داوودی: اسلام دینی است که تفسیرهای فراوانی برای آن می‌توان داشت. تفسیرهای زیادی هم برای آن وجود دارد. این طبیعی است که پاکستان، افغانستان و ایران، هر کدام تفسیر خود را دارند و سیاست خود را بر مبنای تفسیری که از اسلام دارند، پایه‌ریزی می‌کنند اما در مورد ایران، نوعی درک فارسی از سیاست وجود دارد.

پروفیسور کی: با توجه به بحث‌های بسیاری که شنیدیم، افغانستان به شدت رنج می‌برد؛ همیشه در ذهن من سوال وجود دارد که، قصد واقعی چیست؟ و این برای منافع خود یا صلح، ثبات و رفاه افغانستان است. من فکر می‌کنم همه احزاب باید روی آن بازتاب کنند، در غیر این صورت ما نمی‌توانیم به توافق برسیم؛ و همیشه یکدیگر را در همه پروژه‌ها، سرزنش می‌کنیم ابتدا باید یک توافق منطقه‌ای در مورد آن ایجاد کنیم.

جلسه پایانی: آیا نیاز به کنفرانس بن دوم است؟

گرداننده: لطف‌الله نجفی زاده، طلوع نیوز

سخنرانان

- دیوید سیدنی، همکار ارشد در انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
- محمد ناطقی، نماینده کمیته سیاسی ائتلاف احزاب سیاسی
- اجمل احمدی، مشاور رئیس جمهور در امور اقتصادی

آقای نجفی‌زاده جلسه آخر این کنفرانس را با محوریت این سوال که "آیا ما به بن دوم احتیاج داریم؟" آغاز کرد و نخست هر یک از مهمانان را معرفی کرد.

نجفی‌زاده در مقدمه صحبت‌های خود به سه تفاوت عمده میان افغانستان در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۰۱ اشاره کرد.

۱. در سال ۲۰۰۱ حکومت مشخصی وجود نداشت.
۲. قدرت طالبان بسیار ضعیف‌تر از امروز بود.
۳. دستاوردهایی که امروز حکومت افغانستان دارد به شمول دستاوردهای مدنی و جمعیت جوان قابل مقایسه با سال ۲۰۰۱ نیست.

پس سوال عمده اینست که آیا بن دوم می‌تواند پاسخگوی نیاز امروز افغانستان باشد یا خیر؟



تصویر ۱۱: از چپ به راست: اجمل احمدی، لطف الله نجفی زاده، محمد ناطقی، پروفیسور دیوید سیدنی

اولین سخنران این جلسه کاری پروفیسور دیوید سیدنی بود که سخنرانی خود را با موضوع دیدگاه واشنگتن در مورد صلح و حل و فصل در افغانستان آغاز کرد. آقای سیدنی سخنرانی خود را با موضوع اینکه تشکیلات چیست و هر آن چیزی که ما در مورد تشکیلات حکومت افغانستان می‌گوییم آغاز کرد. "این افغان‌ها هستند که مجبورند در مورد آن تصمیم بگیرند و پالیسی و جامعه خود را بسازند." او سخنرانی خود را با این پرسش که آیا ایالات متحده آمریکا کدام منافی دارد؟ ادامه داد و سپس به صورت واضح پاسخ داد.

در زیر، ایده گسترش یافته سخنرانی دیوید سیدنی در مورد این سوال بیان می‌شود. از سال‌های ۱۹۵۰ افغانستان یکی از دریافت‌کنندگان کمک‌های ایالات متحده آمریکا است اول بصورت اقتصادی، بعد از آن نظامی و کم و بیش بصورت تاریخی.

اما یک نکته از دیدگاه یک آمریکایی که اکنون یک تحلیل‌گر است، فکر می‌کنم کاملاً مشخص است که نقش آمریکا در افغانستان به دلایل مختلف جغرافیای سیاسی در طول ۷۰ سال گذشته نسبتاً ثابت بوده است، این بخش بزرگی و عظیم از ارزیابی‌های آمریکا بود که اولویت ملی آن را نداشت، اما ایالات متحده همواره در آنجا حضور دارد و من فکر می‌کنم این پیام‌های مهمی در حوزه موضوعات عمومی است، من فکر می‌کنم در هر گونه مشوره‌ای درباره آینده افغانستان در شرایط سیاسی، من نباید دخالت کنم و من فکر می‌کنم کسانی که از خارج از افغانستان می‌آیند ...

اگر شما به تاریخ هفتاد سال گذشته نگاه کنید، شما خواهید دید که ایالات متحده آمریکا بسیار فعال بوده است، شما می‌توانید هر آن چیزی که آمریکا انجام داده را نکوهش کنید، خیلی از مردم در آمریکا ما را نکوهش می‌کنند اما یک مسئله خیلی جذاب که همیشه به آن فکر می‌کنم این است که آنان سیاست‌های خود را بر اساس اینکه آمریکا می‌خواهد از افغانستان خارج شود، افغانستان را رد می‌کند و... پایه‌گذاری می‌کنند. یکبار دیگر به تاریخ نگاه کنید، علاقه‌مندی‌های ایالات متحده آمریکا که بازیگر بین‌المللی است و منافع ملی در هر گوشه‌ای از جهان دارد، منافع آن در افغانستان بزرگتر از هر کشور دیگری است. بنابراین هر بازیگر بین‌المللی

دیگر، می‌خواهد پاکستان باشد یا ایران، روسیه، چین و یا هند سیاست‌های خود را بر پایه اینکه امریکا می‌خواهد افغانستان را نادیده بگیرد پایه‌گذاری کند، امریکا افغانستان را خیلی مهم نخواهد یافت و من فکر می‌کنم این یک اشتباه استراتژیک خواهد بود.

پیش بینی من برای دیدگاه واشنگتن این است که ایالات متحده امریکا همچنان یک بازیگر اصلی است و توصیه من برای همه کسانی که در حال سیاست‌گذاری برای دولت هستند، این است که ایالات متحده در حال ادامه دادن به تعامل است، فکر می‌کنم پیش از آن، برخی از سردرگمی‌ها وجود داشت. همکار من سفیر رافیل بعضی نظریات در مورد دیدگاه ایالات متحده نسبت به قانون اساسی افغانستان و نقش زنان داشت من فکر نمی‌کنم این لزوماً به همین معنا باشد اما من با مردم صحبت کردم و مردم از بیانیه‌ای که گفته باشد ایالات متحده امریکا خود را از قانون اساسی و حمایت از نقش زنان که دستاورد آنان است خارج می‌سازند، دور ساختند.

چندین مورد در جریان چند دهه گذشته، من فرصت بدست آوردم که دولت امریکا را بررسی کنم و پاسخ این است که ایالات متحده خود را از قانون اساسی افغانستان دور نمی‌سازد و حمایت از زنان را در موقعیت‌های رسمی از دست نمی‌دهد.

حالا هر شخصی دید خود را دارد و سفیر رافیل، من چیزی که شما گفتید را نمی‌گویم اما آن چیزی که شما گفتید چیزی هست که مردم فکر می‌کنند و چیزی که مردم فکر می‌کنند دقیقاً مهم‌تر از چیزی است که شما گفته‌اید.

من می‌خواهم تاکید کنم و برای خانم‌هایی که اینجا حضور دارند واضح بسازم که ایالات متحده امریکا در تمام گفتگوهای خود با طالبان از حقوق تمام زنان افغان حمایت می‌کند، در تمام گفتگوهای صلح با آنان. او گفت که ایالات متحده امریکا نقش زنان را به طالبان واگذار نمی‌کند. من از جانب ایالات متحده امریکا در این مورد صحبت نمی‌کنم. من این موضوع را با دولت امریکا بررسی خواهم کرد زیرا مردم به من مراجعه کرده اند.

سخنران دوم آقای ناطقی در ابتدای سخنان خود گفت که در ابتدا قرار نبود در مورد کنفرانس بن صحبت کند چرا که موضوعات دیگری به او محول شده بود اما در هرات موضوعات دیگر مطرح بحث به من محول شد.

بنابراین آقای ناطقی صحبت‌های خود را بر مبنای امکان و یا عدم امکان برگزاری کنفرانس بن دیگر آغاز کرد.

آقای ناطقی گفت: "در مورد مسئله کنفرانس بن دیگر، ما باید شرایط دو مقطع زمانی را در نظر بگیریم یعنی ما در دسامبر ۲۰۰۱ در کنفرانس بن شرکت کرده و عضو اصلی کنفرانس بودم و شما می‌دانید نتایج این کنفرانس این شد که ما بعد از ده الی دوازده روز بحث به یک جمع‌بندی دست پیدا کنیم و در واقع برای نظام سیاسی به سه مرحله به توافق رسیدیم که یکی آن اداره موقت، دوم دوره انتقالی و سوم دوره منتخب بود."

این سه محور با همه تبعات و جزئیاتش در واقع روح و جوهره بن ۲۰۰۱ بود.

آقای ناطقی در این بخش از سخنرانی خود به مقایسه دو شرایط مقطع زمانی پرداخت.

۱. در آن زمان تمامی کشورها اتفاق جمعی منطقه‌ای و بین‌المللی برای حل بحران افغانستان داشتند اما اکنون کشورهای منطقه و فرامنطقه در مسئله افغانستان اختلاف نظر بسیار شدید دارند.

اکنون کشورها در کنفرانس‌ها شرکت نمی‌کنند؛ شما شاهد هستید که بعضی کشورها در کنفرانسی که قرار بود در مسکو دایر شود شرکت نکردند، افغانستان و امریکا نیز هر دو شرکت نکردند و اکنون پیچیدگی‌ها به اختلافات بسیار شدید در سطح کشورهای منطقه و فرامنطقه در افغانستان است. درست است که افغان‌ها مشکلات بسیار زیادی دارند و یکی از مشکلات عمده ما کشورهای منطقه و

فرمانطقه است بر این اساس من به این نتیجه رسیدم که ما باید به بن دیگر دست پیدا کنیم (به لحاظ تفاوت نظر و اختلاف نظری که در سطح کشورهای منطقه و دنیا وجود دارد)

۲. نکته دوم اینست که در دسامبر ۲۰۰۱ حکومت دولت اسلامی افغانستان به یک اداره موقت و یا یک حکومت بدیل توافق کرد. بر این اساس یک هیئت بسیار قوی از سوی دولت استاد ربانی به بن آمدند و ما که یازده نفر بودیم یک اداره موقت و بدیل را قبول کردیم اما اکنون این چنین تصویری در افغانستان وجود ندارد که ما یک اداره موقت و بدیل را قبول کنیم پس بنابر این برای رسیدن به بن دیگر ما هم به لحاظ داخلی و ملی مشکل داریم و هم به لحاظ منطقه‌ای و جهانی. به همین لحاظ من به ایجاد یک بن دیگر برای حل مسئله افغانستان معتقد نیستم.

آقای ناطقی با بیان این دو تفاوت سوال دیگری را مطرح کرد که "پس چگونه بحران افغانستان را حل کنیم؟" بنظر آقای ناطقی دو راه حل وجود دارد.

آقای ناطقی گفت: "یک راه حلش هم منطقی و عاقلانه است و هم راهی هست که ما تا حالا طی کرده‌ایم و او مسئله انتخابات است." ما به عنوان احزاب سیاسی که یک مجمع عمومی شامل ۳۵ حزب داریم، طرحی را برای انتخابات پارلمانی ارائه کردیم که در آن طرح همانطوریکه اشاره کردم سه مسئله اساسی (تغییر سیستم انتخابات و استفاده از تکنالوژی) وجود داشت اما متأسفانه دوستان خارجی من از همه بیشتر با طرح احزاب بویژه استفاده از تکنالوژی مخالف بودند و برای ما تاکنون سوال باقی مانده که چرا در دیگر کشورها، همه موافق با احزاب هستند اما در افغانستان مخالفت شدیدی با احزاب وجود دارد.

سیستم رای فردی غیرقابل انتقال یک سیستم کاملاً ضدعدالت و ضد دموکراسی است اما در افغانستان از آن حمایت می‌شود ما معتقدیم که سیستم ضد احزاب رای فردی غیرقابل انتقال اگر تبدیل به سیستم رای چند بعدی^۸ شود، احزاب فعال می‌شوند و از رکود، توقف و فساد خارج می‌شوند.

به همین دلیل، راه منطقی همین است که اگر ما در انتخابات پارلمانی موفق شدیم انتخابات ریاست جمهوری را برگزار می‌کنیم و دولت منتخب ما باید با طالبان مذاکره کند و آقای خلیل‌زاد هم طرح مصالحه‌ای که دارد در دولت منتخب پیش می‌برد. این یک راه درست، خوب و منطقی است.

آقای ناطقی افزود اما اگر انتخابات موفقانه انجام نشد و تبدیل به یک بحران شد در اینصورت ناگزیر هستیم از طریق مصالحه، گفتگو و از طریق شرکت طالبان در نظام سیاسی افغانستان وارد عمل شویم.

در نتیجه آقای ناطقی گفت که من بن دوم را به لحاظ اختلافات بزرگ منطقه‌ای ممکن نمی‌دانم و در مسئله انتخابات، راه درست و منطقی همین است و اگر نشد اداره موقت و سهیم ساختن طالبان در اداره موقت را انتخاب می‌کنیم.

سخنران سوم این جلسه کاری اجمل احمدی بود و سخنرانی خود را با در نظر داشت موضوع جلسه آغاز کرد. سخنرانی او بر پایه سه رکن می‌چرخید. اول انتخابات، دوم اقتصاد و سوم موضوع امنیت.

8: Multi-Dimensional representation

او به آخرین انتخابات پارلمانی که در افغانستان برگزار شد اشاره کرد. او گفت بنا به بعضی دلایل انتخابات پارلمانی افغانستان موفق بوده است. اولاً انتخابات برگزار شد، دوماً پذیرش نتایج انتخابات از سوی احزاب سیاسی که تمام شکایات آنها مورد توجه قرار گرفته است. سوم اینکه افغان‌ها نه میلیون نفر هستند و از این جمله چهار میلیون به انتخابات اشتراک کرده‌اند. چهارم اینکه امنیت انتخابات را نیروهای امنیتی به عهده گرفته است و در بعضی موارد واقعیت‌هایی وجود داشت اما نه مانند سال‌های قبل و پنجم اینکه در این انتخابات از سیستم بایومتریک برای ثبت رای دهندگان استفاده شده است.

دومین موضوعی که او در سخنرانی خود بیان کرد در مورد اقتصاد بود. او در مورد وضعیت اقتصادی که از سال‌های گذشته مطرح شده است، تعدادی از نکات را بیان کرد. این نکات عبارتند از: یک، هموار کردن راه برای شروع تجارت آسان‌تر و کاهش مالیات. سپس او گفت: "یکی از آخرین نکاتی که من در آنجا به رشد اقتصادی دست یافتیم، منطقه میانی سکتورها است، در اینجا همه ما گزارش‌هایی را می‌بینیم که افغانستان منابعی بیشتر از تریلیون‌ها دالر دارد. ما هیچ زمانی قادر نخواهیم بود که این پوتانسیل را درک کنیم دلیل آن این است که ما در اوایل امسال ساختار کاری ضعیف قانونی و تنظیمی داشتیم. ما نقشه راه معدن جدید را تصویب کردیم، فقط در هفته گذشته قانون جدید استخراج معادن را نیز به تصویب رساندیم. در نتیجه ماه گذشته قرارداد سه معدن را امضا کردیم و این معامله‌ها سرمایه‌گذاری را به بخش معدن ادامه دادند و ما فکر می‌کنیم که معاملات بیشتری نیز در راه است."

او گفت: "من فکر می‌کنم یکی از چیزهایی که دولت افغانستان برای آن کافی نباشد، اصلاحات ساختاری در منطقه امنیتی است، اجازه دهید برجسته و واضح بسازم. اول، هدف ما سه برابر کردن نیروهای هوایی و دو برابر کردن نیروهای خاص در جریان سال‌های نزدیک است این واقعا می‌تواند تحول ساختاری را از لحاظ چگونگی قدرت ما در افغانستان تولید کند. من فکر می‌کنم بسیاری از مردم به طور کامل متوجه نیستند که در چند سال گذشته محدودیت‌های زیادی در نظر گرفته شده است زیرا هلیکوپترهای ما از MI17,35 به بلک هاکس تغییر کرده است. ما توانایی این را نداریم که سربازان خود را آنطور که آرزو داریم در زمینه‌های وسیع حمایت کنیم، من فکر می‌کنم که ما این تغییرات را خواهیم دید. یکی دیگر از این موارد جایی است که ما هلیکوپترهای مان را از وزارت داخله به وزارت دفاع منتقل کرده‌ایم. من فکر می‌کنم وزارت امور داخله در سال‌های گذشته درگیر دوگانه شدن بوده است؛ مبارزه با تروریسم و پالیسی."

کاری که ما انجام داده‌ایم این است که ما یک ساختار ساخته‌ایم که وزارت داخله حفظ نظم و آرامش را داشته باشد و وزارت دفاع موضوع امنیت و مسدود کردن تروریسم را به عهده داشته باشد. بنابراین من می‌خواهیم این سه منطقه را برجسته بسازم. اول از نظر پیروزی انتخابات دوم از نظر اصلاحات اقتصادی و سوم از نظر تحول در حوزه‌های امنیتی.

جلسه‌ی پرسش و پاسخ

- جانسون: سوال من در مورد انتخابات ریاست جمهوری است، اگر انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۹ صورت گیرد، آیا این بدان معناست که انتخابات‌های ائتلافی دیگر برای دادن اکثریت رای به صورت راحت به رئیس جمهور جدید صورت می‌گیرد و یا با این مدل کار خواهد کرد؟
- اجمل احمدی: در مورد انتخابات پارلمانی گذشته با در نظر داشت استفاده از بایومتریک بگویید. طوریک که ما می‌دانیم بایومتریک باید یک سرور داشته باشد و ارتباطات آنلاین باشد، شما چگونه ادعا می‌کنید که بایومتریک آفلاین موفق آمیز بوده است؟

• اجمل احمدی: آیا حکومت وحدت ملی استراتژی اقتصادی دارد؟

اجمل احمدی: اولین پرسش که در مورد انتخابات بود، من گفتم که ما یک شیوه کار و یا یک چهارچوب برای انتخابات ساخته‌ایم که موفق باشد. چالش‌هایی وجود داشت. اولین دلیلی که من می‌گویم این انتخابات موفق بود: ما کارمندان کاملاً مسلکی داشتیم، دوم اینکه امنیت مدیریت شده بود و توسط نیروهای امنیتی افغان اداره می‌شد. سوم اینکه در مورد موضوع تکنالوژی در انتخابات، اگر آنها کدام مشکلی داشتند، قابل تشخیص هستند اما این یک قدم در راه درست است. در مورد بایومتریک که به صورت آنلاین صورت گرفت، در قسمت بررسی از آنها به صورت آنلاین استفاده می‌شود.

در مورد پرسش آقای عثمانی: من فکر می‌کنم او درست می‌گوید کاملاً استراتژی اقتصادی شفاف نیست، اما موضوع مهم اجرا و روی دست گرفتن پروژه‌هاست که ما بهترین کار را انجام خواهیم داد در قسمت اجرایی شدن پروژه تاپی، کاسا ۱۰۰۰، و دیگر پروژه‌ها.

سیاسگزار؛ رئیس انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

در پایان این کنفرانس دو روزه، دکتر داوود مرادیان در سخنرانی نهایی خود بر ضرورت و فواید برگزاری این نشست‌ها اشاره کرد. او در ابتدا گفت: "همانطور که می‌دانید امسال هفتمین دور کنفرانس گفتگوهای امنیتی هرات است و عدد هفت در تمامی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها مقدس است بطور مثال هفت آسمان وجود دارد و در موسیقی نیز هفت طبقه وجود دارد و این بار کنفرانس گفتگوهای امنیتی هفتمین دور خود را سپری می‌کند و ما امیدواریم این کنفرانس به دور چهارم نیز برسد."



تصویر ۱۲: دکتر داوود مرادیان، رئیس انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

ضمن عرض این مطلب آقای مرادیان به زادروز مولانا عبدالرحمن جامی شاعر، عارف و فیلسوف ولایت هرات اشاره کرد و گفت ۲۵ عقرب زادروز این مرد بزرگ هست و ما خواستیم پیشاپیش از این فرهیخته گرامی یادبود به عمل آوریم.

آقای مرادیان در سخنان پایانی به مزایای این کنفرانس اشاره کرد. "خوبی این کنفرانس در این بود که ما خیلی از گله‌ها را در مورد حکومت افغانستان، مشکلات، فساد و بی بندوباری‌ها شنیدیم و دو نکته‌ای که کمتر به او توجه می‌شود اول آزادی ما است چرا که در طول صد ساله گذشته سابقه نداشته که در حضور والی و در حضور مقامات ارشد، از حکومت انتقاد کنیم و نکته دوم مشروعیت نظام است. تمام ما احساس مالکیت نسبت به دولت داریم و تمام افراد حاضر در این کنفرانس که غیر دولتی هستند صد انتقاد از دولت و حکومت خود دارند؛ از سیاست‌های قومی رئیس جمهور گرفته تا بی برنامه‌گی‌های ریاست اجراییه. اما در آخر به این نتیجه می‌رسیم که آنها هم از خود ما هستند و ما این حق را به خود می‌دهیم که از خود انتقاد کنیم و این انتقادات بخاطر بهبود است نه کدام علت دیگر."

داکتر مرادیان سپس از مهمانان خارجی که علی رغم خطرات امنیتی به افغانستان آمده و در این برنامه شرکت کرده بودند، تشکر کرد. او همچنان سپاس‌گزاری ویژه از مردم هرات و از نیروهای امنیتی افغانستان داشت چرا که با وجود خسته‌گی‌های زیاد پس از مراسم عاشورا و انتخابات پارلمانی، در برگزاری این کنفرانس همکاری نمودند.

آقای مرادیان از دفاتر همکار در کابل به شمول وزارت خارجه، وزارت داخله، میدان هوایی کابل، شورای امنیت ملی، ریاست اجراییه، وزارت اطلاعات و فرهنگ و در ولایت هرات محمد آصف رحیمی والی هرات و تمام نهادهای محلی به شمول شهرداری، ریاست دانشگاه، ریاست اطلاعات و فرهنگ و دیگر ریاست‌هایی که سهم داشتند، ابراز امتنان و تشکر نمود.

او همچنان از حامیان مالی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان بشمول سفارت امریکا، سفارت فرانسه، سفارت جمهوری هند و بنیاد آسیا که برای برگزاری این دور کنفرانس گفتگوهای امنیتی همکاری داشتند، سپاس‌گزاری نمود.

هفتمین همایش بین‌المللی «گفتگوهای امنیتی هرات»

برنامه کاری

۵-۴ عقرب ۱۳۹۷

پنج‌شنبه، ۳ عقرب	
در جریان روز	ورود شرکت کنندگان به هرات
۱۹:۰۰ الی ۲۱:۰۰	شام خصوصی / اوقات فراغت
جمعه، ۴ عقرب	
نشست آغازین همایش	
۸:۳۰ الی ۹:۳۰	<ul style="list-style-type: none"> • تلاوت قرآن مجید • سرود ملی • مناجات خواجه عبدالله انصاری • اجرای موسیقی عرفانی • خوش آمدگویی والی هرات، آقای محمد آصف رحیمی • خوش آمدگویی توسط دوکتور رنگین دادفر سپنتا، رئیس هیئت مشورتی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان • سخنران ویژه: عصمت‌الله ارگاشیف، نماینده خاص رئیس‌جمهوری ازبکستان
جلسه اول: منازعه افغانستان: ابعاد داخلی و بین‌المللی	
۹:۳۰ الی ۱۱:۰۰	<p style="text-align: center;">گرداننده</p> <p style="text-align: center;">ناهد فرید، عضو مجلس نمایندگان افغانستان</p> <p style="text-align: center;">سخنرانان</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. ویلیام میلی، استاد دانشگاه ملی استرالیا، «ریشه تاریخی منازعه افغانستان بعد از ۱۳۸۰» ۲. سردار محمد رحیمی، معین وزارت معارف و سواد آموزی افغانستان، «منازعه افغانستان و بعد ژئوپولیتیک» محمد ناصر تیموری، پژوهش‌گر دیدبان شفافیت افغانستان، «فساد و تاثیر آن در منازعه افغانستان» <p style="text-align: center;">بحث آزاد</p>
۱۱:۳۰ الی ۱۱:۰۰	صرف چای
جلسه دوم: نظام سیاسی: ریاستی، نیمه ریاستی، پارلمانی	
۱۱:۳۰ الی ۱۳:۰۰	<p style="text-align: center;">گرداننده</p> <p style="text-align: center;">مریم صافی، رییس نهاد پژوهش خط مشی و توسعه</p> <p style="text-align: center;">سخنرانان</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. محمد نظیف شهرانی، استاد دانشگاه اندیانا آمریکا، «چالش‌ها و مخربین اصلاح نظام سیاسی» ۲. عبدالله احمدزی، نماینده بنیاد آسیا در افغانستان، «اصلاح نظام انتخاباتی و قانون اساسی: چالش‌ها و چشم‌اندازها» ۳. توماس جانسن، استاد دانشگاه علوم دریایی آمریکا، "نیار به اصلاحات نظام انتخاباتی افغانستان" <p style="text-align: center;">بحث آزاد</p>
۱۳:۰۰ الی ۱۴:۰۰	صرف نان چاشت
جلسه سوم: اقتصاد افغانستان: از دولت رانتهی تا اقتصاد رو به توسعه	
گرداننده	عادلہ راز، معین اقتصادی وزارت امور خارجه افغانستان

۱۴:۰۰ الی ۱۵:۳۰	<p>۱. علی احمد عثمانی، وزیر پیشین انرژی و آب، «آب افغانستان و چگونگی مدیریت آن»</p> <p>۲. احسان ضیا، وزیر پیشین احیا و توسعه روستاها افغانستان «کارایی مساعدت، اولویت‌های کمک‌کنندگان، مالکیت محلی»</p> <p>۳. کریستین فیر، استاد دانشگاه جورج تاون، آمریکا «چاههار: چالش‌ها و چشم‌اندازها»</p> <p>بحث آزاد</p>	سخنرانان
۱۶:۰۰ الی ۱۵:۳۰	صرف چای	
جلسه چهارم: افغانستان و چانه‌زنی بزرگ در آسیای جنوبی		
	بارنت روبین، مرکز همکاری‌های بین‌المللی، دانشگاه نیویارک	گرداننده
۱۶:۰۰ الی ۱۸:۰۰	<p>۱. جاوید لودین، معین پیشین وزارت امور خارجه افغانستان، «چگونه می‌توان فراتر از دشمنی با پاکستان گام نهاد؟»</p> <p>۲. افراسیاب ختک، سناتور پیشین سنای پاکستان، «چگونه افغانستان به شکایات پاکستان رسیدگی کند؟»</p> <p>۳. گوتام موکپدایی، سفیر پیشین هند در افغانستان، «چگونه افغانستان می‌تواند عرصه همکاری میان هند و پاکستان شود؟»</p> <p>بحث آزاد</p>	سخنرانان
۱۹:۰۰ الی ۲۱:۰۰	صیافت رسمی و برنامه فرهنگی	

شنبه، ۵ عقرب

موسیقی سنتی عرفانی

۰۹:۰۰ الی ۸:۳۰

جلسه پنجم: طالبان: آنها چه می‌خواهند؟

	نادر نعیم، معاون شورای عالی صلح	گرداننده
۰۹:۰۰ الی ۱۰:۳۰	<p>۱. نظر محمد مطمین، خبرنگار، "اهداف سیاسی طالبان چیست؟"</p> <p>۲. رابین لین روفل، مشاور ارشد، مرکز مطالعات استراتژیک بین‌المللی، آمریکا «مطالبات اصلی طالبان چیست؟»</p> <p>۳. شاه‌گل رضایی، عضو مجلس نمایندگان افغانستان «طالبان، شریعت و سنت‌گرایی: آیا دیدگاه طالبان تغییر کرده است؟»</p> <p>۴. بشرا گوهر، عضو پیشین سنا پاکستان، «طالبان تصور چه نوع نظام سیاسی را دارد؟ تغییر دیدگاه در سطح رهبری و اعضای پایین‌رتبه آن چگونه می‌باشد؟»</p> <p>بحث آزاد</p>	سخنرانان
۱۰:۳۰ الی ۱۱:۰۰	صرف چای	
جلسه ششم: وضعیت سیاست خارجی افغانستان: بی‌طرفی، اتصال، انشقاق		
	عبدالغفور لیوال، مشاور رئیس جمهوری در امور مرزها و اقوام	گرداننده
۱۱:۰۰ الی ۱۲:۳۰	<p>۱. نصیراحمد اندیشه، معین وزارت امور خارجه افغانستان «مفهوم بی‌طرفی و رابطه آن با افغانستان»</p> <p>۲. علی اصغر داوودی، استاد، دانشگاه آزاد اسلامی ایران «نقش کشورهای همسایه بویژه ایران در ثبات و انکشاف افغانستان».</p> <p>۳. سفیر ژان کی، رئیس انستیتوت مطالعات بین‌المللی چین «جایگاه افغانستان در یک جاده یک کمربند و دیپلوماسی منطقه‌ای چین»</p> <p>۴. آکسی مالاشنکو، رئیس پژوهشگران در انستیتوت گفتگوی تمدنی، جرمنی / روسیه «دیدگاه مسکو در بی‌طرفی افغانستان»</p> <p>۵. عبدالله رهنما حکیم، رئیس دیپارتمنت تحلیل‌گران و پیش‌بینی سیاست خارجی، مرکز پژوهش‌گران استراتژیک تحت نظر رئیس جمهور، جمهوری تاجیکستان، «روابط افغانستان و تاجیکستان»</p> <p>بحث آزاد</p>	سخنرانان
جلسه پایانی: بن: آیا نیاز به کنفرانس بن دوم است؟		
	لطف‌الله نجفی‌زاده، تلویزیون طلوع	گرداننده

	<p>۱. محمد ناطقی، نماینده کمیته سیاسی ائتلاف احزاب سیاسی، «آیا یک کنفرانس دوم بن می تواند بحران کنونی را حل کند؟»</p> <p>۲. دیوید سیدنی، همکار ارشد در انستیتوت مطالعات استراتژیک بین‌الملل، آمریکا، «دیدگاه واشنگتن راجع به صلح و حل و فصل آن در افغانستان و چشم‌انداز روابط آمریکا و افغانستان»</p> <p>۳. اجمل احمدی، مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور افغانستان، «آیا افغانستان استراتژی اقتصادی ملی دارد؟»</p>	سخنرانان
۱۴:۰۵ الی ۱۴:۰۰	اظهار تشکری و سپاس: دکتر داوود مرادیان، رییس انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان	
۱۵:۰۰ الی ۱۴:۰۵	صرف نان چاشت	
برگشت به کابل		

پیوست ۲: فهرست اشتراک کنندگان

لیست اشتراک کنندگان		
نام	عنوان	سازمان
جمهوری اسلامی افغانستان (کابل)		
اجمل بلوچ زاده	رئیس دارالانشای	دفتر محور مردم افغانستان
احمد سعیدی	کارشناس امور سیاسی و دیپلمات پیشین	وزارت امور خارجه
زلمی هیوادل	مشاور فرهنگی	رئیس جمهور پیشین
ظاهر عطیمی	کارشناس نظامی و سخنگوی پیشین	وزارت دفاع ملی
خالد حسرو	نویسنده	
سیدغلام حسین فخری	رئیس عمومی	اداره عالی مبارزه با فساد اداری
محمدقاسم وفايي زاده	معین پلان و پالیسی	اداره ملکی و هوانوردی
آذرخش حافظی	رئیس	اطاق های تجارت و صنایع
نعیم ایوب زاده	رئیس	بنیاد انتخابات شفاف
سونیا اقبال	رئیس اجرایی	بنیاد جامعه باز
رنگین دادفر اسپنتا	رئیس	بورد مشورتی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
شاه گل رضایی	عضو	پارلمان
ناهید فرید	عضو	پارلمان
جعفر مهدوی	عضو	پارلمان
عزیزالله رفیعی	رئیس اجرایی	جامعه مدنی افغانستان
محمد ناطقی	معاون	حزب وحدت اسلامی
حمیرا ثاقب	رئیس	خبرگزاری زنان افغانستان
بهاءالدین بها	معاون پیشین	دادگاه عالی
ناصر تیموری	مسئول بخش دادخواهی	دیدبان شفافیت افغانستان
اجمل احمدی	مشاور ارشد رئیس جمهور در امور مالی و بانکداری	ریاست جمهوری
فاروق اعظم	رئیس	رییس اتحادیه تحول صلح امیز افغانستان
مریم صافی	رئیس	سازمان تحقیق و توسعه
عبدالغفور آرزو	سفیر پیشین	سفارت افغانستان در تاجکستان
احمد هارون نجم پور	وزیر مشاور	سفارت افغانستان در تهران
فاضل رحمان فاضل	سفیر پیشین	سفارت افغانستان در مصر
نادر نعیم	معاون	شورای عالی صلح
حبیب الله فوزی	عضو	شورای عالی صلح
سیما سمر	رئیس	کمیسیون مستقل حقوق بشر
عزیزالله عمر	معاون پالیسی و استراتژی ریاست استراتژی وزارت خارجه	وزارت خارجه
عبدالله احمدزی	نماینده کشوری	بنیاد آسیا در افغانستان
احسان الله ضیا	وزیر پیشین	وزارت احیا و انکشاف دهات
فاضل سانچارکی	معاون وزیر	وزارت اطلاعات و فرهنگ
نصیر احمد اندیشه	معین اداره و منابع	وزارت امور خارجه
جاوید لودین	معین پیشین	وزارت امور خارجه
عادلہ راز	معین اقتصادی	وزارت امور خارجه
لیاقت علی امیری	معاون ریاست پنجم سیاسی	وزارت امور خارجه
زلمی رسول	وزیر پیشین	وزارت امور خارجه
عبدالغفور لیوال	مشاور ارشد رئیس جمهور در امور سرحدات و قبائل	دفتر ریاست جمهوری
علی احمد عثمانی	وزیر پیشین	وزارت انرژی و آب
سردار محمد رحیمی	معین سواد آموزی	وزارت معارف
لطف الله نجفی زاده	رئیس	طلوع نیوز
آرین شریفی	رئیس بخش تحلیل و ارزیابی شورای امنیت	شورای امنیت

نظر محمد مطمئن	فعال جامعه مدنی و خبرنگار	جامعه مدنی
جمهوری اسلامی افغانستان (هرات)		
احمد شهپر صالحی	رئیس	میدان هوایی
آریا رنوفیان	رئیس	اطلاعات و فرهنگ
امین‌الله آزادانی	رئیس	ریاست ارتباطات خارجه
امین‌الله امرخیل	قومندان امنیه	ولایت هرات
امین‌الله حمیدی	رئیس	دانشگاه کهکشان
امین‌الله خان امین	رئیس امنیت	بخش چهارم امنیتی شهر
توریالی طاهری	معاون	شورای ولایتی
جواد عمید	رئیس	شبکه جامعه مدنی
داوود عرفان	استاد	دانشگاه هرات
زلمی ملیار	استاد	دانشگاه هرات
سید اشرف سادات	فعال سیاسی	
سید مهدی افضلی	استاد دانشگاه	دانشگاه اشراق
طارق نبی	فعال سیاسی	
عبدالحق احمدی	دادستان کل	دفتر دادستانی کل
عبدالحمید بارکزی	رئیس	امنیت ملی ولایت هرات
عبدالقدیر کامل	نماینده	احزاب سیاسی هرات
عبدالله فیض	رئیس	دانشگاه هرات
عزیزه خیراندیش	فعال مدنی	شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر
علی احمد کاوه	استاد دانشگاه	دانشگاه هرات
غلام حضرت مشفق	رئیس	اداره مستقل ارگان‌های محل ولایت هرات
غلام سخی خطیبی	پژوهشگر	دیپارتمنت مطالعات امور خارجه
غلام سعید راشد	رئیس	دانشگاه غالب
غلام محمد رحمانی	رئیس	دیپارتمنت قضایی هرات
فاطمه باقری	رئیس	کمیسیون شکایات انتخاباتی حوزه غرب
فاطمه جعفری	عضو	شورای ولایتی هرات
فرزانه کریمی	فعال سیاسی	
گل‌الدین الکوژی	فرمانده	پولیس مرزی هرات
ماریا بشیر	فعال سیاسی	
محمد اسماعیل خان	وزیر پیشین	وزارت انرژی و آب
محمد آصف رحیمی	والی	ولایت هرات
محمد داوود انوری	شاروال	ولایت هرات
محمد رفیق شهپر	فعال سیاسی	جامعه کارشناسان هرات
محمد فقیری	استاد دانشگاه	دانشگاه هرات
محمد کامران علیزایی	رئیس	شورای ولایتی هرات
محمد نصیر نیک‌نام	فرمانده	میدان هوایی هرات
محي‌الدین نوری	معاون	ولایت هرات
مریم جامی الاحمدی	فعال مدنی و زنان	
ملالی علوی	فعال مدنی و زنان	
مولانا خداداد صالح	رئیس	شورای علمای هرات
مونسه حسن‌زاده	معاون	ولایت هرات
میرویس فضلی	پژوهشگر و استاد دانشگاه	دانشگاه کهکشان
ناصر احمد رحیمی	فعال صلح	مرکز صلح دانشگاه هرات
ناصر معین	رئیس	بورد مشورتی دیپارتمنت ماستری دانشگاه هرات
نقیب‌الله آروین	فعال سیاسی	

ولایت هرات	افسر پالیسی	هایده فقیری
	فعال فرهنگی	ولی شاه بهرام
	نویسنده و پژوهشگر	یعقوب مشعوف
جمهوری ازبکستان		
انستیتوت مطالعات استراتژیک ومنطقه‌ای زیر نظارت رئیس	رئیس بخش	بهرام جان
جمهوری ازبکستان	نماینده خاص رئیس جمهور در امور افغانستان	عصمت‌الله ارگاشیف
سفارت ازبکستان در کابل	سکرتر دوم	شوکت اوتامراتوف
وزارت خارجه	سکرتر اول	اسلم سوتیبولیدیف اکبروف
استرالیا		
دانشگاه ملی استرالیا	دانشجوی دکترا	فرخنده اکبر
دانشگاه ملی استرالیا	استاد	ویلیام میلی
جمهوری فدرال آلمان		
سفارت آلمان در کابل	شارژدافر	کریستوف پیلیکیس
انگلستان		
رویترز	خبرنگار ارشد	جیمز مکزی
ایالات متحده امریکا		
بنیاد ملی برای دموکراسی	مدیر برنامه	حمید ارسلان
دانشگاه آمریکائی افغانستان / دانشگاه پرینستون	استاد بازدیدکننده	مایکل باری
دانشگاه اندیانا	استاد	نظیف شهرانی
دانشگاه جورج تاون	دانشیار	کریستین فیر
دانشگاه نیویارک	همکار ارشد در مرکز همکاری بین المللی	بارنت روبین
روزنامه وال استریت	رئیس دفتر کابل	کریگ نیلسون
ستارز و ستراپیس	گزارشگر	ج.بی لاورانس
مدرسه کارشناسی ارشد دریایی	استاد	توماس جانس
مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی / وزارت امور خارجه	مشاور ارشد	روبین لین رافل
مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک / وزارت دفاع	همکار ارشد	دبوید سیدنی
جمهوری اسلامی ایران		
دانشگاه آزاد اسلامی مشهد	دانشیار	علی‌اصغر داودی
دانشگاه تهران	استاد	جعفر حق پنا
دانشگاه تهران	استاد	ابومحمد عسگرخوانی
قنصلگری جمهوری اسلامی ایران در هرات	جنرال قنصل	محمود افخمی رشیدی
ایتالیا		
مجمع یگواش برای علوم و امور جهانی	رئیس	راموسینیو پولاگوتا
پادشاهی بلژیک		
سفارت بلژیک در اسلام‌آباد	قنصل	وایس جانسنز
جمهوری اسلامی پاکستان		
حزب عوامی مرد	سناتور پیشین	بشرا گوهر
قنصلگری پاکستان در هرات	قنصل	ابراهیم خان
مجلس سنای پاکستان	سناتور پیشین	افراسیاب ختک
جمهوری تاجیکستان		
مرکز مطالعات استراتژیک زیر نظارت رئیس جمهور	رئیس بخش تحلیل و پیشبینی سیاست خارجی	عبدالله راهنما حکیم
مرکز مطالعات استراتژیک زیر نظارت رئیس جمهور	معاون بخش سیاست خارجی	حق‌نظر امام‌نظر

ترکمنستان		
ایمیرات قوچمیرادوف	جنرال قنسول	قنسول گری ترکمنستان در هرات
جمهوری ترکیه		
محمد بخشی	نماینده	سفارت ترکیه
علی اگروچنار	هماهنگ کننده	نمایندگی همکاری و هماهنگی ترکیه
جمهوری خلق چین		
بی یونگ گوا	رئیس انستیتوت پژوهشی اقتصاد خارجی	اکادمی علوم اجتماعی ولایت گوئیژو
گوا جیان	دستیار رئیس	اکادیمی مطالعات منطقه‌ای و حکومت‌داری جهانی
ژنگ هونگ قی	رئیس	انستیتوت مطالعات بین‌المللی چین
لان جیانزو	پژوهشگر همکار در بخش کشورهای در حال توسعه	انستیتوت مطالعات بین‌المللی چین
زی مینگ	رئیس	بخش پشتو در گروه رسانه‌ای چین
پوهونگ فو	استاد	دانشگاه جیلیان
یونگبیائو ژو	رئیس مرکز مطالعات افغانستان	دانشگاه لانژو
وانگ داکسو	معاون	سفارت چین در کابل
لی ژن	رئیس بخش سیاسی	سفارت چین در کابل
وانگ تیان گانگ	منشی	سفارت چین در کابل
شیتینگ زیا	معاون	مرکز مطالعات دون‌هاونگ در اکادیمی پژوهشی دون‌هاونگ
فدراتیف روسیه		
الکسی مالاشنکو	پژوهشگر ارشد	انستیتوت گفتگوی تمدن‌ها در جرمنی
جمهوری دموکراتیک سوسیالیستی سری لانکا		
گاگان بولات سینگالا	سفیر	سفارت سری لانکا در کابل
پادشاهی سوئد		
توبیاس ثایبرگ	سفیر	سفارت سوئد در کابل
لوپس کورنونگ	سکرتر اول	سفارت سوئد در کابل
قاسم بهادری	تحلیل‌گر سیاسی	سفارت سوئد در کابل
جمهوری قزاقستان		
ایرینا چیرنیخ	پژوهشگر ارشد	مطالعات استراتژیک زیر نظارت رئیس جمهور
حلیم خان یسنگلدیف	سفیر فوق‌العاده و نماینده‌خاص رئیس جمهور	سفارت قزاقستان در کابل
الماس توسیپژانوف	سکرتر دوم	سفارت قزاقستان در کابل
جمهوری عربی مصر		
احمد همام	معاون	سفارت مصر در کابل
حسن ابوطالب	پژوهشگر ارشد	مرکز مطالعات سیاسی و استراتژیک الاهرام
کمال علی جاب‌الله	خبرنگار	روزنامه‌ی الاهرام
ولید الشریف	قنسول	سفارت مصر در کابل
پادشاهی ناروی		
کای آیدی	نماینده‌ی پیشین	یوناما
پادشاهی هلند		
تیموتوس سواج‌میکر	مدیر کل	شبکه‌ی انکشافی آقا خان
جمهوری هند		
راجشواری کریشنامورتی	معاون	انستیتوت مطالعات صلح و نزاع
کومار گووارو	جنرال قنسول	قنسول‌گری هند در هرات

گواتم موکوپادیا	سفیر پیشین	سفارت هند در کابل
واسودیف رافی	سکرتر دوم	سفارت هند در کابل
وینای کومار	سفیر	سفارت هند در کابل
شبکه توسعه آقاخان		
نورجهان موانی	سفیر	نماینده دیپلماتیک شبکه توسعه آقاخان
آنتونی ژوزف	مدیر امنیت	نماینده دیپلماتیک شبکه توسعه آقاخان
سازمان پیمان آتلانتیک شمالی		
انتونیودی انجیلا	فرمانده ارشد نیروهای بین المللی حوزه غرب	تعلیمات، کمک، مشورت/ ناتو
جستین موفالی	معاون فرمانده نیروهای بین المللی در حوزه غرب	تعلیمات، کمک، مشورت/ ناتو
سازمان ملل متحد		
انتجی گراوی	رئیس	نماینده یوناما در هرات
اندری لارین	افسر امور سیاسی	مرکز منطقه ای سازمان ملل برای دیپلماسی پیشگیرانه آسیای میانه
سازمان همکاری اسلامی		
حسین اوینی بوتسالی	سفیر	نماینده سازمان همکاری اسلامی در کابل

پیوست ۳: فهرست رسانه‌های داخلی و بین‌المللی پوشش دهنده‌ی کنفرانس

رسانه‌های بین‌المللی

خبرگزاری آر. اف. آی

خبرگزاری العربیه-فارسی

خبرگزاری فرهنگ

خبرگزاری ایرنا

خبرگزاری اوسط

خبرگزاری گیت اهرام

خبرگزاری چشم انداز آسیای جنوبی

اداره خبرگزاری دی.آی.دی

چشم انداز روز افغانستان

رادیو آزادی

فرون تیر پست

ژین هاونت-خبرگزاری چینی

فارس نیوز

صدای آمریکا

رسانه‌های داخلی

خبرگزاری افق

روزنامه اطلاعات روز

خبرهای تلویزیون یک

خبرگزاری آوا

خبرگزاری افغانستان روز

روزنامه هشت صبح

خبرگزاری پژواک

[طلوع نیوز](#)
[پشتون اکسپرس](#)
[کابل تایمز](#)
[خبرهای آریانا](#)



Herat Security Dialogue-VII

26 -27 October 2018

Herat - Afghanistan



اووم نړیوال کنفرانس

گفتگوهای امنیتی هرات

۴ - ۵ عقرب ۱۳۹۷



پایان

تماس با ما

وبسایت: www.aiss.af

آدرس الکترونیکی: contact@aiss.af

فیس بوک: www.facebook.com/afghaninstituteforstrategicstudies

تویتر: twitter.com/AISS_Afg

لینکد این: Afghan Institute for Strategic Studies